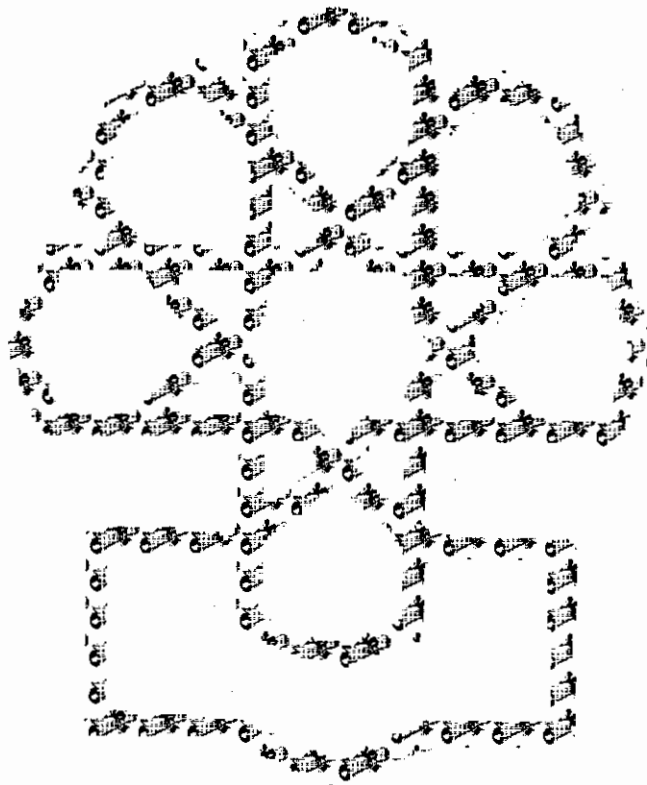


۲۵۹۹  
K



بازتاب مذاکرات لندن (۲)

# نشریات



معاونت پژوهشی

تیر ۱۳۷۶

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۲۵۹۹

۲۵۹۹

در گزارش زیر اخبار مطالب مربوط به مذاکره دکتر لاریجانی در لندن و همچنین مصاحبه‌های ایشان در نشریات ادواری (هفته‌نامه‌ها و ماهنامه ...) داخلی منعکس گردیده است. محدوده بررسی از تاریخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۵ تا تاریخ ۱۳۷۶/۳/۳۱ می‌باشد. این بررسی مطالب مربوط به تیرماه جراید را که دور سوم حمله و تهاجم است دربر نمی‌گیرد. با توجه به ضیق وقت ان‌شاء... به زودی گزارش تکمیلی که حاوی مطالب مربوط به تیرماه جراید و همچنین رفع نواقص موجود می‌باشد ارائه خواهد شد.

در بررسی علل و انگیزه‌های مربوط به درج یک خبر یا پدیده خبری توسط جراید معمولاً می‌توان چند حالت را در نظر داشت که عبارت‌اند از:

۱- بی‌طرفی و عدم علاقه: در این گونه موارد معمولاً جراید فقط با درج خبر آن هم در صفحات وسط و کم‌اهمیت روزنامه و با تیتراهای کوچک و عادی فقط از باب رفع تکلیف و انجام وظیفه به درج خبر می‌پردازند.

۲- وجود انگیزه در انعکاس خبر: در این گونه موارد جراید ضمن درج خبر در صفحات اولیه و با تیتراهای درشت سعی در نمایاندن خبر به طور ویژه به خوانندگان خویش دارند و در ضمن به تحلیل در قالب مقاله، سرمقاله، چپ مقاله می‌پردازند و بدین وسیله به القای مطالب مورد نظر خود به خواننده می‌پردازند.

در مورد مذاکرات لندن فقط تعداد کمی از جراید بدون غرض به این قضیه پرداخته و اکثر جراید با علاقه و انگیزه خاص به درج اخبار و تحلیل‌های خبری نسبت به موضوع پرداخته‌اند.

در مورد جراید انگیزه‌دار و علاقه‌مند به موضوع نیز باید قائل به دسته‌بندی شد؛ بدین ترتیب که:

الف- جرایدی که سعی در درج خبر و تحلیل و ایجاد جو سیاسی دارند با هدف‌ها و اغراض سیاسی به عنوان نمونه از این گروه می‌توان به هفته‌نامه «عصر ما» اشاره نمود. علل و انگیزه‌های این گروه بسیار روشن است. کشور در شرایط خاص در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار داشت و بالطبع هرگونه خبری از این دست می‌توانست تأثیر جدی بر له یا علیه نامزدی داشته است.

ب- جراید غیرسیاسی که با درج تیتراهای درشت در کادرهای ویژه در صفحه اول جریده سعی در ایجاد جو سیاسی و شانتاژ خبری دارند. هرچند که در نگاه اول تصور انگیزه‌های سیاسی نیز از عمل آنها وجود دارد اما با مراجعه به مطالب دیگر همان جریده به راحتی می‌توان به هدف غایی این گونه جراید که همانا جذابیت و داغ بودن اخبار به انگیزه بالا بردن تیراژ و کسب سود بیشتر است، پی برد. به عنوان نمونه این گونه از جراید می‌توان به هفته‌نامه «پنج‌شنبه‌ها» اشاره نمود.

این هفته‌نامه با استفاده از شیوه‌های نه‌چندان تازه ژورنالیستی سعی در داغ نمودن مطالب خویش و

در نهایت کسب مشتری بیشتر و ... را دارد.

در علل و انگیزه‌های روی آوردن مردم به این گونه جراید می‌توان چنین گفت که متأسفانه در سال‌های اخیر جراید کثیرالانتشار کشور دچار نوعی خود سانسوری و درج گزینشی اخبار بوده‌اند که کمتر خیرانتقادی از مسئولین را منعکس نموده و بدین ترتیب دچار نوعی یکنواختی و سردی در عرصه جراید بوده‌ایم. حال در این فضا، جرایدی وجود دارند که به درج اخبار جنجالی از ماجراهای کم و بیش آشکار مسئولین پرداخته و به انتقاد شدید از عملکرد آنان پرداخته‌اند. این گونه جراید توانستند عطش مردم به شنیدن اخبار را درک نمایند و از این رهگذر تیراژهای آنچنانی و سودهای کلان به دست آورند. به عنوان نمونه این گونه مطبوعات می‌توان به هفته‌نامه امید جوان، پیام دانشجو (که تعطیل گردیده است) و هفته‌نامه پنج‌شنبه‌ها اشاره نمود.

به هر حال در گزارش حاضر ابتدا مروری کلی بر نوع و میزان انعکاس اخبار مربوط به مذاکرات آقای دکتر لاریجانی با نیک براون در مطبوعات داشته و سپس به تفصیل به درج خبرها و تحلیل‌های جراید در این زمینه خواهیم پرداخت.

- هفته‌نامه آزادی، بدون جهت‌گیری خاص به بیان مطالب به نقل از مخالف و موافق پرداخته است.

- ارزش‌ها، در چند شماره به این موضوع پرداخته و از حامیان دکتر لاریجانی انتقاد شدید نموده است. محورهایی که ارزش‌ها بر آن تأکید نموده عبارت‌اند از:

۱- وابستگی به انگلستان؛ ۲- سلمان رشدی؛ ۳- تسخیر لانه جاسوسی؛ ۴- عدم ارتباط موضع ایشان با جامعه روحانیت مبارز؛ ۵- درج خبر.

- هفته‌نامه افق، سعی در جناحی نمودن جریان داشته و مواردی نظیر کم‌رنگ نمودن حکم ارتداد سلمان رشدی و تسخیر لانه جاسوسی را زیر سؤال برده و محکوم نموده است.

- هفته‌نامه امید جوان، به انعکاس موضوع پرداخته و مواضع گروه‌های مختلف در این زمینه را چاپ نموده است. این هفته‌نامه جهت بالابردن میزان فروش، مطالب را با عناوین و تیترهای ژورنالیستی درج کرده است.

- ماهنامه ایران فردا، سنجش موضوع در ارتباط با مسائل انتخابات.

- هفته‌نامه پنج‌شنبه‌ها، پرداختن به اصل موضوع به صورت نقل خبر و ارائه تحلیل سطحی و سؤالاتی سعی در ارائه مطالب با شیوه‌های متداول ژورنالیستی که به منظور افزایش میزان فروش داشته است.

- هفته‌نامه توس، با درج خبر مصاحبه و مذاکره لندن و نیز منعکس نمودن اطلاعیه دفتر تحکیم وحدت به شدت دکتر لاریجانی را مورد حمله قرار داده و با عناوینی نظیر عامل مذاکره ننگین از نامبرده یاد نموده است.

- هفته‌نامه شلمچه، با دید انتقادی نسبت به موضوع، حمله جناح‌های مقابل را کاملاً سیاسی دانسته و ضمن اعلام نارضایتی از مذاکرات لندن و انتقاد نسبت به آن، ایشان را در این مقوله تنها نمی‌داند و سعی در مقایسه عملکرد آقای مهاجرانی، بانکی، بهزاد نبوی، شعله سعدی و دیگران با عملکرد ایشان دارد. در ضمن، مصاحبه‌ای با دکتر لاریجانی ترتیب داده و نظرات ایشان را منعکس نموده است. البته حسین‌الله کرم علی‌رغم چاپ این مصاحبه، مواضع انتقادی خود را همچنان حفظ نمود.

- هفته‌نامه شما، نیز با درج دو خبر در این زمینه، ضمن این که به طور ظریفی سعی در حمایت از ایشان داشته

- سعی نموده است که این حمایت در محدوده‌ای باشد که به ضرر کلی جناح مربوط به ایشان نباشد.
- ماهنامه صبح، با درج صحبت‌های انتقادی الله کرم از تحلیل پیرامون موضوع خودداری نموده است.
  - هفته‌نامه عصر ما، در بین نشریات ادواری شدیدترین و پرحجم‌ترین حملات را نسبت به مذاکره لندن و شخص دکتر لاریجانی انجام داده است. این هفته‌نامه ابتدا با زیر سؤال بردن مصاحبه دکتر لاریجانی با رسانه‌های غربی و درج تحلیل‌های روزنامه همشهری و جمهوری اسلامی، انتقاد از عملکرد دولت آقای هاشمی را مطرح ساخته و آن را ناسپاسی نسبت به ولی نعمت سابق دانسته است. سپس مسئله مذاکره را مطرح ساخته و مسیر پیشرفت آن را در روزنامه‌ها بررسی نموده و به طور تفصیلی به تحلیل مطالب مصاحبه پرداخته و در دو شماره بعدی نیز با اختصاص حجم زیادی از مطالب به این دو موضوع، ابعاد مختلف آن را مورد بررسی قرار داده است.
  - هفته‌نامه فتح کرمان نیز در یکی از شماره‌های خود موضوع مصاحبه لندن را مورد بررسی قرار داده و ضمن انتقاد از صحبت‌های دکتر لاریجانی، نقد عملکرد دولت آقای هاشمی در لندن را یک عمل مذموم دانسته و از گروه هم جناح با دکتر لاریجانی خواسته است، دست از حمایت ایشان بردارند.
  - هفته‌نامه مبین نیز طی شماره‌های متعدد با حجم وسیعی به بررسی مسئله پرداخته و در دور اول از بابت مصاحبه و در دور دوم در رابطه با مذاکره سعی در ایجاد جو متشنج نموده است. محورهایی که این هفته‌نامه به آن پرداخته شامل مسائلی نظیر تضعیف دولت آقای هاشمی به نفع کاندیدای یک جناح خاص در خارج از کشور، حکم از تداد سلمان رشدی، توصیه به جناح راست در عدم حمایت از آقای لاریجانی، سؤال از وزارت امور خارجه در ارتباط با این موضوع و در نهایت درج بیانیه‌های انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های مختلف در این رابطه می‌باشد.
  - هفته‌نامه نوید اصفهان نیز با درج خبری موضوع را پیگیری نموده و سعی کرده با مقایسه «نیک براون» با «ادوارد براون انگلیسی» در دوران قاجاریه به طور بسیار ظریف دکتر لاریجانی را نیز با افراد غرب‌گرایی نظیر وثوق الدوله مقایسه نماید.

اظهارات مهندس موسوی

منبع: هفته نامه آزادی

تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۸

نوع مطلب: خبر

نویسنده: -

در پی انتشار مصاحبه آقای محمدجواد لاریجانی با یکی از روزنامه‌های صبح درباره مذاکرات خود با «نیک براون» رئیس اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه انگلیس و انتساب مطالب خلاف واقع به حضرت امام خمینی در زمینه وظیفه دولت جمهوری اسلامی در قبال مسئله سلمان رشدی مرتد و این که حضرت امام در پاسخ دولت در آن زمان فرمودند: «من به عنوان یک طلبه نظر خودم را بیان کردم، دولت باید مشی خودش را مبتنی بر محاسبات خودش ادامه دهد»، دیروز آقای مهندس میرحسین موسوی که در آن زمان نخست‌وزیر بود طی تماسی با روزنامه جمهوری اسلامی این مطلب را تکذیب کرد و گفت: اینجانب به عنوان کسی که در زمان صدور حکم ارتداد سلمان رشدی رئیس دولت بودم اعلام می‌کنم در این زمینه دولت سؤالی از حضرت امام نکرد و حضرت امام هم نه تنها چنین مطلبی به دولت نفرمودند بلکه توسط مرحوم حاج احمد آقا به اینجانب پیغام دادند که دولت موضع‌گیری کند. این پیغام را مرحوم حاج سیداحمد آقا ظهر روز ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ یعنی همان روز صدور حکم حضرت امام، تلفنی به اینجانب رساندند و اینجانب به عنوان نخست‌وزیر بیانیه‌ای تهیه کردم و قبل از ساعت ۲ بعدازظهر همان روز آن را در اختیار صدا و سیما قرار دادم که در اخبار ساعت ۲ بعدازظهر و بعد از قرائت حکم حضرت امام، از رادیو خوانده شد و در بعضی مطبوعات هم متن کامل آن به چاپ رسید. در این بیانیه، علاوه بر اعلام یک روز عزای عمومی و دعوت از هسته‌های حزب‌الله در جهان اسلام جهت انجام اقدامات لازم برای خشتی کردن توطئه جدید امریکا (انتشار کتاب آیات شیطانی)، با صراحت اعلام شده است که (دولت و ملت ایران در مقابل این توطئه کثیف ساکت نخواهد نشست و هر نوع اقدام مقتضی را برای جلوگیری از این دسیسه شوم به عمل خواهد آورد).

نصایح دکتر لاریجانی به دانشجویان

منبع: هفته نامه آزادی

تاریخ: ۱۳۷۶/۴/۲

نوع مطلب: خبر

نویسنده: -

تلك حدود الله فلا تعتدوها ومن يتعد حدود الله فاولئك هم الظالمون (البقره- ۲۲۹)

شماری از تشکل‌های سیاسی که در دانشگاه‌های شورمان فعالیت دارند، همزمان با انتخابات دور هفتم ریاست جمهوری و پس از آن دست به تحرکات نادرستی و غیر قانونی متعددی علیه اینجانب در محیط‌های مقدس دانشگاهی زده‌اند. در این زمینه لازم دیدم نکاتی را به اطلاع اساتید بزرگوار و دانشجویان عزیز برسانم:

۱- انتظاری که از فعالیت‌های سیاسی در محیط‌های علمی می‌رود این است که موشکافانه و اساساً مبتنی بر مباحثه و مناظره باشد نه این که در حصار بیانیه‌های سرتا پاکذب و جوسازی‌ها و «زنده باد» - «مرده باد» -ها بیفتند!

۲- اساتید گرامی و دانشجویان عزیز بدانند که متون مخدوشی که همراه با اطلاعیه‌های متعدد این گروه‌ها در تیراژ میلیونی در کشور پخش شده، هیچ مطلب درست و قابل استنادی ندارد. این نحوه عمل باعث وهن محیط‌های مقدس علمی گردیده و بی‌تردید عاملان آن باید در مقابل ملت و پیشگاه قانون و از همه مهم‌تر در محضر عدل الهی پاسخگو باشند.

۳- این گونه اقدامات نادرست، آشکارا مخالف قانون و شرع انور است. متأسفانه این اشخاص، نظام قضایی کشور را فقط تا آنجا قبول دارند که آنان را تأیید نماید! از این گونه رفتارها به آسانی می‌توان دریافت که برخی تشکیلات سیاسی کشور اساساً هیچ بخشی از نظام را قبول ندارند. آنان می‌کوشند این طور وانمود کنند که در پس پرده، مصالح نظام به اجانب فروخته شده و در حالی که ارگان‌های نظام از آن مطلع بوده‌اند، اما همگی بی‌تفاوت نشسته و تنها این آقایانند که دلشان برای مملکت می‌سوزد!

۴- به فرزندان عزیزم در دانشگاه‌ها به عنوان یک خدمتگزار کوچک دانشگاهی توصیه می‌کنم که خدا را در همه اعمال خود ناظر بدانند، حدود الهی را همواره رعایت کنند، قدر نظام اسلامی و نعمت مشارکت مردمی و آزادی را بدانند و تلاش کنند که محیط دانشگاه‌ها در نظر مردم محیطی باشد که در آن موشکافی، بحث و مناظره و آزادی مبنای داورى‌ها و رفتارها باشد نه جوسازی، غوغاسالاری و ایراد اتهامات ناروا و ارباب و ارباب.

و قالله وایاکم العبد الفانی

محمد جواد لاریجانی

العهدۃ علی الراوی

منبع: هفته نامه ارزش ها	تاریخ: ۱۳۷۵/۱۲/۲۰	نوع مطلب: خبر	نویسنده: -
<p>اخیراً شنیده ایم آقای محمدجواد لاریجانی غیر از مصاحبه معروف خود در لندن که با واکنش های شدیدی در داخل کشور مواجه شد در بهمن ماه گذشته دیداری نیز با آقای «نیک براون» از سیاستمداران برجسته انگلیسی داشته اند. گفته می شود مواضع نامبرده در این گفتگو بسیار شنیدنی است به ویژه در پیرامون تسخیر لانه جاسوسی امریکا و حکم ارتداد سلمان رشدی و جایزه رو به افزایش بنیاد پانزده خرداد برای اجرای حکم مذکور (العهدۃ علی الراوی).</p>			

در حاشیه دفاع یکی از وکلای مجلس از «دکتر لاریجانی»

منبع: هفته نامه ارزش ها	تاریخ: ۱۳۷۵/۱۲/۲۰	نوع مطلب: مقاله	نویسنده: -
<p>آقای دکتر محمد جواد لاریجانی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی است. این را اکثر می دانند. ایشان به سبک و رویه حکمای سلف در اکثر مقولات علمی، کلامی، فقهی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و امثالهم صاحب نظرند (صرف نظر از نوع نظر).</p> <p>چندی قبل برخی مطبوعات کشور نسبت به بخشی از اظهارات آقای لاریجانی در مصاحبه با بعضی رسانه های انگلیس واکنش هایی نشان دادند و البته به گونه ای صریح از وی انتقاد کردند. ما فعلاً نه در صدد تأیید و نه تکذیب آن انتقادهای هستیم زیرا هر یک از منتقدان از پایگاه فکری خاص خودشان به موضوع پرداخته بودند که بعضاً مورد قبول کامل ما نیست گرچه عمیقاً نسبت به این نوع برخوردهای سیاسی کارانه در مواجهه با رسانه های بیگانه انتقاد داریم.</p> <p>آنچه موجب شگفتی و حتی تأسف گردید اظهارات جانب دارانه آقای سید مرتضی نبوی نماینده مردم تهران از آقای لاریجانی و در تخطئه اقدام مطبوعات مذکور بود.</p> <p>به نظر می رسد صرف نظر از ماهیت موضوع (نظریات قابل انتقاد آقای لاریجانی) برخی از دوستان به رغم شعارها و حرف و سخن هایی که پیرامون اعتقاد به جریان نقد و تعاطی افکار دارند، کمتر خود را به لوازم آن ملتزم می دانند. شاید روح لطیف و زودرنج آنها با قواعد تلاش سیاسی ناسازگار است. در هر حال مطبوعات (که اتفاقاً آقای نبوی مدیر مسئول یکی از آنها هستند) اگر بخواهند به رسالت واقعی خود عمل کنند باید هوشمندانه و قاطع به ویژه در عرصه هایی که به حیثیت و مصالح نظام مربوط می شود وارد شوند.</p> <p>البته حریم های شرعی و قانونی باید محفوظ بماند اما این که فردی ده ها کتاب و مقاله نوشته است یا در تأسیس مرکز پژوهش ها نقش مؤثری داشته، حربه تلقی نمی شود. خداوند به ایشان و سایر دست اندرکاران مرکز پژوهش ها جزای خیر دهد که به اتکای حسن تدبیر و همت والا و به برکت بودجه قابل توجهی که در اختیارشان قرار دارد، در خدمت سفارشات گوناگون مجلس و نمایندگان محترم هستند اما این همه موجب عصمت و مصونیت از انتقاد نمی شود.</p> <p>شاید بهتر بود در این مورد برادران همسو، با رعایت غبطه نظام عزتمند اسلامی، تذکری هر چند خصوصی به آقای لاریجانی می دادند تا از ارائه توضیحاتی که بعضاً مصداق عذر بدتر از گناه بود پرهیز می شد و از تکرار موارد مشابه پیشگیری به عمل می آمد.</p>			

محتویات مذاکرات «دکتر لاریجانی» تکان دهنده است!			
منبع: هفته نامه ارزش ها	تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۱	نوع مطلب: خبر	نویسنده: -
<p>حجت الاسلام حسینیان همچنین در جمع دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف با انتقاد از مذاکرات محمدجواد لاریجانی با نیکبراون دیپلمات انگلیسی موضوع را از سه جهت قابل قضاوت خواند و گفت:</p> <p>اول این که محتوای مذاکره طبق آنچه منتشر شده بسیار تکان دهنده است و خیال کرده که اکنون سال ۱۳۲۰ است و سفارت انگلیس برای ما وزیر و وکیل تعیین می کند. چنین برخوردی از موضع ضعف و افعاً در خور شأن یک انسان آزاده نیست چه برسد به این که فردی نماینده یک ملت انقلابی و مسلمان باشد.</p> <p>فتوای تاریخی امام در مورد سلمان رشدی یک مسئله سیاسی نیست که بین دیپلمات ها به معامله گذاشته شود و تسخیر لانه جاسوسی نیز بزرگ ترین ارزشی بود که انقلاب به ارمغان آورد و امریکارا در دنیا تحقیر کردیم.</p> <p>مورد دوم این است که اگر این مسائل موضع شخصی ایشان بوده ما حرفی نداریم هر کس آزاد است عقیده خود را اظهار کند.</p> <p>و سوم این که اگر این موضع یک شخصیت حقوقی است این را باید یک مصیبت تلقی کنیم، مخصوصاً که اخیراً مصاحبه با رادیو بی بی سی توسط بعضی از شخصیت ها هم موضوع را به شدت مشکوک کرده است و ما همه این برخوردها را یک ضد ارزش می دانیم و انتظار داریم مسئولان از خود حساسیت نشان دهند.</p> <p>لاریجانی در پاسخ به سخنان حجت الاسلام حسینیان گفته است: مطالبی که به عنوان «اهم مطالب» این مذاکرات منتشر شده مخدوش است. وی ضمن تکذیب مطالبی که آقای حسینیان اظهار داشته از درگاه خداوند برای خود و ایشان طلب مغفرت کرده است!</p>			

عدم ارتباط خطای «دکتر لاریجانی» به جامعه روحانیت مبارز			
منبع: هفته نامه ارزش ها	تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۸	نوع مطلب: خبر	نویسنده: -
<p>حجت الاسلام والمسلمین حسینیان، یکی از مؤسسان جمعیت دفاع از ارزش های انقلاب اسلامی در میزگردی که اخیراً در دانشگاه الزهرا برگزار شد گفت: آقای جواد اردشیر لاریجانی یک فرد خطاکار است و از نظر ما خطای او ارتباطی با جامعه روحانیت مبارز تهران ندارد.</p> <p>وی گفت: جناحی که افراد برخوردار از سوابق انقلابی در آن وجود دارند، نباید سر نوشت خود را با فردی که مرتکب خطا شده است گره بزنند. آنچه آقای لاریجانی در ملاقات با «نیکبراون» مدیرکل خاورمیانه وزارت امور خارجه انگلیس مطرح کرده است بسیار زننده و نشان دهنده نقطه ضعف اوست. جوانمردی در این است که آقای لاریجانی به جای توجیحات غیرموجه، به خطای خود اعتراف کند و اگر نیز به آن اعتقاد دارد از آن فرار نکند.</p> <p>آقای حسینیان افزود: جناحی که یک سابقه طولانی در انقلاب دارد و قسمت اعظم آن را روحانیت مبارز تشکیل می دهند نباید به خاطر یک فرد خاطی زیر سؤال برود و اینجانب به عنوان یک روحانی تصریح می کنم که خطای آقای لاریجانی ارتباطی با جامعه روحانیت مبارز تهران ندارد.</p>			

درخواست انجمن اسلامی دانشجویان در مورد خلع بد «دکتر لاریجانی» از مسئولیت های کلیدی			
منبع: هفته نامه ارزش ها	تاریخ: ۱۳۷۶/۳/۲۶	نوع مطلب: خبر	نویسنده: -
<p>نمایندگان انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور طی نشستی که در دانشگاه امیرکبیر انجام شد، خواستار به جریان انداختن پرونده آقای محمدجواد لاریجانی و خلع بد وی از مسئولیت های کلیدی شدند.</p> <p>در اطلاعیه اتحادیه انجمن های اسلامی، دیدار آقای لاریجانی با «نیکبراون» مدیرکل خاورمیانه وزارت خارجه انگلیس، «خفت بار و ذلیلانه» توصیف و از مسئولان قضایی خواسته شده است ضمن محاکمه علنی وی، مراتب انزجار خود را از این جرم سیاسی رسماً به مردم و جهانیان اعلام دارند.</p>			

### اهم مطالب مطروحه در مذاکرات لندن

منبع: هفته نامه افق	تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۱۰	نوع مطلب: مقاله	نویسنده: -
<p>۱- ملاقات اخیر جزئی از تماس ها و ارتباط های مکرر نامبرده با مقام های امریکایی و انگلیسی است که مواضع مذکور در تماس های گذشته نیز وجود داشته است.</p> <p>۲- سعی در جناحی تلقی کردن حکم حضرت امام (ره) در رابطه با رشدی مرتد و کاستن از بعد اعتقادی در بعد جهان اسلام آن و انتساب موضوع به جناحی خاص. برائت نامبرده و ریاست مجلس از موضوع از نکات قابل ذکر است.</p> <p>۳- اظهار غیر متعهدانه نامبرده در مذاکره مذکور در رابطه با اخذ تعهد از آقای هاشمی رفسنجانی قبل از پایان دوره ریاست جمهوری مبنی بر عدم ایجاد مزاحمت برای رشدی مرتد با توصیه اتحادیه اروپا که در تضاد با نظریات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری است.</p> <p>۴- زیر سؤال بردن سیاست های اقتصادی دولت آقای هاشمی رفسنجانی در رابطه با خصوصی سازی و کند بودن شتاب آن و توصیه بر این که جناح متبوع وی در این رابطه از قوت بالاتری برخوردار است.</p> <p>۵- لزوم همکاری انگلیس و امریکا و ایران برای سرنگونی رژیم صدام و بر سر کار آمدن رژیمی متعادلتر. طوری که منافع غرب خصوصاً انگلیس و امریکا تأمین گردد.</p> <p>۶- زیر سؤال بردن انقلاب دوم (تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام) که امام آن را برتر از انقلاب اول دانستند و برائت از آن و انتساب عاملان آن به طرفداری از آقای خاتمی و تفکر خط امام و بری جستن خود و جناح متبوعش از این اقدام متهورانه و انقلابی.</p> <p>۷- اظهار امیدواری مبنی بر این که اگر حکم دادگاه آلمان بر علیه ایران باشد. چندان مشکلی ایجاد نخواهد کرد و آنها را از عواقبی شبیه تسخیر لانه جاسوسی مطمئن می سازد.</p> <p>۸- اظهار نظر صریح مبنی بر لیبرال بودن و متمدن ندانستن مردم ایران در قالب این که مردم مادر سلطه شاهان زندگی کرده اند. امید است موارد مذکور در روشنگری آحاد جامعه علی الخصوص قشر جوان نسبت به تفکری که سعی در تضعیف ارزش های انقلاب داشته و همه چیز را برای قدرت طلبی و انحصار خویش فدا کرده و عزت اسلامی ما را در پای عفن ابر قدرت ها ذبح می نمایند، مؤثر افتد.</p>			

### پاسخ صریح مهندس موسوی به محمد جواد لاریجانی

منبع: هفته نامه افق	تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۱۰	نوع مطلب: خبر	نویسنده: -
<p>در پی انتشار مصاحبه آقای محمد جواد لاریجانی با یکی از روزنامه های صبح درباره مذاکرات خود با نیک براون رئیس اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه انگلیس و انتساب مطالب خلاف واقع به حضرت امام خمینی (ره) در زمینه وظیفه دولت جمهوری اسلامی و قبال مسئله سلمان رشدی مرتد و این که حضرت امام (ره) در پاسخ دولت در آن زمان فرمودند: من به عنوان یک طلبه نظر خود را بیان کردم و دولت باید مشی خودش مبتنی بر محاسبات خودش ادامه دهد.</p> <p>روز دوشنبه آقای مهندس میر حسین موسوی که در آن زمان نخست وزیر بود طی تماسی با روزنامه جمهوری اسلامی این مطلب را تکذیب کرد.</p> <p>مهندس میر حسین موسوی در این زمینه گفت: اینجانب به عنوان کسی که در زمان صدور حکم ارتداد سلمان رشدی رئیس دولت بودم اعلام می کنم در این زمینه دولت سوالی از حضرت امام (ره) نکرد و امام (ره) هم نه تنها چنین مطلبی به دولت نفرمودند بلکه توسط مرحوم حاج احمد آقا به اینجانب پیغام دادند که دولت موضع گیری کند.</p> <p>این پیغام را مرحوم حاج سید احمد آقا ظهر روز ۲۵ بهمن ۱۳۷۶ یعنی همان روز صدور حکم حضرت امام (ره) تلفنی به اینجانب رساندند و اینجانب به عنوان نخست وزیر بیانه ای تهیه کردم و قبل از ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز آن را در اختیار صدا و سیما قرار دادم که در اخبار ساعت ۲ بعد از ظهر و بعد از قرائت حکم امام (ره) از رادیو خوانده شد و در بعضی مطبوعات هم متن کامل آن به چاپ رسید در این بیانه علاوه بر اعلام یک روز عزای عمومی و دعوت از هسته های حزب الله در جهان اسلام جهت اقدامات لازم برای خشتی کردن توطئه جدید امریکا (انتشار کتاب آیات شیطانی) با صراحت اعلام شده است که دولت و ملت ایران در مقابل این توطئه کثیف ساکت نخواهد نشست و هر نوع اقدام مقتضی را برای جلوگیری از این دسیسه شوم به عمل خواهد آورد.</p>			

### دکتر لاریجانی و بحث انتخابات در خارج از کشور

منبع: هفته نامه امید جوان | تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۱۴ | نوع مطلب: خبر تحلیلی | نویسنده: -

اما مسئله مهمی که در این اثنا نباید فراموش کرد، کشیده شدن بحث انتخابات به محافل و مجامع سیاسی داخل و به خصوص خارج از کشور است. بعضی از افراد، کاندیداها و هواداران گروه‌ها، تمامی مسائل را به نوعی می‌خواهند به انتخابات ربط دهند. نمونه بارز آن مصاحبه‌های دکتر لاریجانی با آقای «نیک براون» انگلیسی است که موجی از مخالفت‌ها را برانگیخت و در جامعه ما با بازتاب فراوانی روبه‌رو بود. در پی انعکاس خبر ملاقات محمدجواد لاریجانی با یک مأمور وزارت خارجه انگلیس که در لندن صورت گرفت، مطبوعات و مجامع مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور در صدد یافتن متن این مذاکره برآمدند.

چند روز بعد اهم مطالب این مذاکره افشا شد و بلافاصله از سوی رسانه‌های گروهی موجی از اعتراض‌ها و تحلیل‌های مختلف پیرامون آن در سطحی وسیع مطرح شد. در متن منتشر شده مذاکره، مطالب جالبی وجود دارد که خالی از ابهام نیست. در این ملاقات «نیک براون» نماینده انگلیسی‌ها از افزایش جایزه اعدام سلمان رشدی توسط بنیاد پانزده خرداد سؤال کرده است، که لاریجانی در پاسخ می‌گوید: «مسئول بنیاد پانزده خرداد آقای صانعی است ایشان یکی از اعضای مجمع روحانیون مبارز می‌باشد. مجمع روحانیون مبارز هم از کاندیداتوری آقای خاتمی حمایت کرده است. موضع‌گیری بنیاد پانزده خرداد را باید یک نوع مانور تبلیغاتی برای مصرف داخلی دانست. تندیروها می‌خواهند که به آقای ناطق‌نوری فشار آورده تا از مواضع قبلی خود عدول نمایند، با مواضع آقای ناطق‌نوری و... و من هم آشنا هستید. ما تغییر مواضع نداده‌ایم؛ حداکثر باید انتظار داشت که آقای ناطق‌نوری در برابر این فشارها، سکوت اختیار نماید وگرنه نباید انتظار معجزه از ایشان داشت.

مأمور فوق در بخش دیگر اظهارات خود، از لاریجانی می‌پرسد: جنابعالی از حامیان جدی آقای ناطق‌نوری بوده و در این جهت تلاش می‌نمایید، درباره آقای ری شهری تا حدی مطلع هستیم، درباره آقای خاتمی بفرمایید و لاریجانی در پاسخ می‌گوید: انتخابات جدی در پیش داریم، آقای خاتمی یک فرد فرهنگی و شخصیت برجسته‌ای است. در بین روشنفکران و هنرمندان هم طرفداران زیادی دارد. آقای خاتمی کاندیدای جناح تندرو است، آقای صانعی رئیس بنیاد پانزده خرداد هم جناح آقای خاتمی است که امروز درباره جایزه، موضوعی را مطرح کرده است؟

براون همچنین می‌پرسد: «تعمق آقای خاتمی نسبت به آزادی بیان و مطبوعات تا چه حد است؟» لاریجانی در پاسخ می‌گوید: خاتمی شخصاً اهل تسامح و تعمق می‌باشد ولی گروهی که وی را حمایت می‌کنند، افراد تندرویی هستند.

لاریجانی همچنین در پاسخ به سؤال مأمور انگلیس درباره نتیجه دادگاه میکونوس و عکس‌العمل ایران می‌گوید: «قطعاً سفارت آلمان در تهران مورد تهدید واقع نخواهد شد... دیپلمات‌های آلمانی آسیبی نخواهند دید». متن مذاکره لاریجانی که از عناصر اصلی جناح راست می‌باشد این جناح را در موضعی انفعالی قرار داد و حتی جانبداری برخی از نیروهای وابسته این جریان نیز کمک چندانی به وی نکرد.

مهندس باهنر نماینده مردم تهران در سخنانی اظهارات لاریجانی را موضع فردی وی دانست و آقای بادامچیان نیز در پاسخ به سؤالی در همین زمینه گفت: «همه می‌دانیم که دکتر لاریجانی سابقه طولانی در رفت و آمد به خارج از کشور دارد و تحلیل‌گر هم هست، خودش را دعوت کنید و اجازه دفاع هم به او بدهید».

به دنبال همین ماجرا روزنامه رسالت نیز اقدام به درج مقاله‌ای از لاریجانی در محکومیت دادگاه میکونوس کرد که منجر به اعتراض روزنامه جمهوری اسلامی گردید این روزنامه نوشت: «یک نماینده مجلس شورای اسلامی که اخیراً به دلیل مذاکره‌ای «رسوا» با یک مأمور انگلیسی در لندن، مورد عتاب و طرد مسئولان قرار گرفته و پرونده سیاه دارد، دیروز در یکی از روزنامه‌های عصر به مناسبت ماجرای دادگاه میکونوس مقاله‌ای منتشر کرده و به آلمان و اروپا توییده است. این مقاله در ادامه می‌افزاید: انتشار چنین نوشتاری با نام این نماینده خطای، همان دامستان «آی دزد» را تداعی کرد».

### رئیس مجلس: سخنگویی ندارم

منبع: ماهنامه ایران فردا | تاریخ: اردیبهشت ۷۶ | نوع مطلب: خبر | نویسنده: -

به دنبال بحران سیاسی مطبوعاتی که پس از مصاحبه آقای محمد جواد لاریجانی در انگلیس (با مدیر کل وزارت امور خارجه انگلیس در بخش خاورمیانه) پدید آمد، مسئله به سرعت در موضوع انتخابات بازتاب یافت. از همین رو آقای ناطق‌نوری به سرعت دست به کار شد و عنوان نمود ایشان هیچ سخنگویی ندارد. اما آقای مرتضی نبوی در مجلس به شدت از آقای لاریجانی دفاع کرد. علی‌رغم شایعاتی که حاکی است تلویزیون از بخش تصاویر ایشان منع شده است. ولی وی در سفر آقای ناطق‌نوری به روسیه یکی از همراهان هیئت می‌باشد.

## چرا همه راه‌ها به انگلیس ختم می‌شود؟

منبع: هفته‌نامه پنج‌شنبه‌ها

تاریخ: ۱۳۷۵/۱۲/۲

نویسنده: -

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۷۵ در ستون نگاه خود از قول نویسنده‌اش آقای «ب - شریعتمدار» و تحت عنوان «تأمیلی در دو خیر» چنین می‌نویسد:

خبر اول: یک مراسم رسمی باشکوه هلموت کهل و مقامات عالی‌رتبه آلمان و بعضی از کشورهای دیگر، به افتخار یک صدمین سالگرد تولد «لودویگ ارهارد» صدر اعظم پیشین و پدر «معجزه اقتصادی» آلمان برگزار و از خدمات این اقتصاددان بزرگ تجلیل شد. ارهارد بعد از جنگ دوم جهانی، اداره امور اقتصاد شکست خورده و ویران آلمان را به دست گرفت و زیربنای لازم را برای ایجاد نظام اقتصادی جدید که بارفاه اجتماعی همراه شد، فراهم آورد. وی در سال ۱۹۷۷ در گذشته است.

خبر دوم: نایب رئیس کمیسیون روابط خارجی مجلس شورای اسلامی، در یک کنفرانس مطبوعاتی در لندن گفت، نامزد مورد حمایت وی «اقتصاد را جانی تازه خواهد بخشید، سیاست پولی محکمی به اجرا خواهد نهاد، بر بانک‌ها نظمی محکم برقرار می‌کند و امنیت سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد».

وی اضافه کرده است: «مایک دستگاه دولتی آماس کرده و ناشایست داریم»، «رفسنجانی خصوصی سازی را در اولویت قرار نداد... و ترجیح داده، بر طرح‌های زیربنایی تأکید ورزد تا بر سیاست پولی کشور برنامه سخت‌گیرانه‌تری اعمال کند» در حالی که از دید این نماینده مجلس «یک سیاست پولی مضبوط‌تر اثرات بردامنه‌تری خاصه بر نظام بانکی کشور دارد...»

آیا عملکرد یک وزیر اقتصاد در آلمان، که برخوردار از وفاق ملی و حمایت‌های جهانی و به دور از هرگونه فشار داخلی و خارجی فعالیت کرده، کشورش به عنوان خط مقدم رویارویی غرب و شرق آن روز، از همه امکانات برخوردار بوده است، معجزه تلقی می‌شود اما سازندگی ایران رنج‌دیده از سال‌های ستمشاهی و توطئه‌های داخلی پس از انقلاب و هشت سال جنگ تحمیلی، در شرایط فشارهای همه‌جانبه جهانی، ضعف و کم‌انضباطی و ناشایستی است؟

وانگهی، در حالی که یک صدمین سال تولد یک وزیر یا صدراعظم، ۲۰ سال پس از مرگش در یک مراسم ملی با فراملی با شکوه هر چه تمام‌تر برگزار می‌شود، آیا سزااست که به یک شخصیت عظیم انقلاب (ونه تنها یک رئیس جمهوری) در روزهای درخشان خدمتش جفا شود. و کلام آخر این که خالق خبر دوم که زمانی اهل منطق ریاضی بوده است، چگونه فاصله میان ماه خود تا ماه گردون رامساوی با صفر تلقی کرده و تن به چنان قیاس فارغ (ونه مع الفارق) داده است.

فارغ از آن قیاس، این سؤال بی‌پاسخ می‌ماند که چرا برای دفاع از نامزد مورد نظر، به تخریب سرمایه‌های انقلاب، در انتظار بیگانگان می‌پردازیم و اساساً چرا باید برای کسب پیروزی، افکار عمومی جهان را در اولویت قرار دهیم؟

۵شنبه‌ها: و حالا بشنوید حرف‌های ۵شنبه‌ها را درباره اظهارات آقای لاریجانی در لندن پایتخت انگلیس:

۱- اولین سؤال ما از مسئولان و به ویژه آقای لاریجانی این است که ایشان در لندن چه می‌کرده‌اند و مشغول انجام چه فعالیتی بوده‌اند و چرا برای بعضی‌ها همه راه‌ها به انگلیس ختم می‌شود؟

۲- اگر کسی در تهران یا یکی از شهرهای ایران از طریق تلفن یا رادیو بی.بی.سی. یک مصاحبه حتی در جهت اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران انجام دهد او را محکوم می‌کنیم. البته این محکومیت یک محکومیت به حق و به جاست. همه دلسوزان ملت و نظام مصاحبه با بی.بی.سی. و امثال بی.بی.سی. را خیانت به ملت و میهن می‌دانند.

سؤال اینجاست چطور یک فرد که شاید از نظر مقامات اجرایی بالاتر از آقای لاریجانی باشد و با بی.بی.سی. مصاحبه‌ای تلفنی داشته باشد، فوراً مورد انتقاد قرار می‌گیرد، اما وقتی آقای لاریجانی در لندن این اظهارات را می‌فرماید جای اشکال نمی‌تواند باقی باشد؟

آقای لاریجانی یک نماینده مجلس است. آیا هر نماینده مجلسی می‌تواند از تهران ببرد لندن و با لندنی‌ها مصاحبه کند و حرف‌های آنچنانی بزند؟ اگر بقیه نمایندگان مجلس مشابه حرکت آقای لاریجانی را انجام دهند چه اتفاقی می‌افتد؟

۳- همه دلسوزان نظام از حرکت زشت و ضدملی وزیر امور خارجه آلمان در توضیح خواستن از ایران پیرامون دستگیری فرج سرکوهی ناراحت شدند و خواستار پاسخگویی قاطعانه و کوبنده به وزیر امور خارجه آلمان هستند.

ما می‌گوییم این رفتار غیر منطقی و دخالت آشکار در مسائل داخلی یک کشور توسط وزیر امور خارجه آلمان ریشه در رفتار و حرکات برخی از مسئولان از جمله همین آقای لاریجانی دارد. وقتی نماینده مردم بلند می‌شود و می‌رود لندن و به خاطر چند تارای، هر چه از ذهنش در می‌آید در اختیار بیگانگان و نامحرمان قرار می‌دهد، وقتی برخی‌ها رفتار مسامحه‌کارانه در سیاست خارجی داشته باشند معلوم است وزیر خارجه آلمان «پرو» و «جسور» می‌شود و از ما پیرامون دستگیری شهروند عادی و خلافکار توضیح می‌خواهد. ما معتقدیم خیلی هم وزیر امور

خارجہ آلمان را نباید مزمت کنیم. اول گناه خودمان را بشوریم. بعد برویم سراغ تسویه حساب باوزیر امور خارجه آلمان.  
۴- اظهارات آقای دکتر لاریجانی در لندن این سؤال را به وجود می آورد که مگر قرار است انگلیسی ها در انتخابات ریاست جمهوری رأی بدهند.

مگر قرار نیست مردم در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند؟ پس چه لزومی دارد که آقای لاریجانی در «لندن» به نفع یک کاندیدای تبلیغات انتخاباتی می کند و سعی می کند از لندن رأی جمع کند.

۵- آقای لاریجانی اگر قرار است دولت آقای هاشمی رفسنجانی را نقد کنند و به نفع کاندیدای مورد نظر و رئیس جمهور آینده صحبت کنند و کنفرانس مطبوعاتی بگذارند بهتر است در تهران و برای مردمی که موکل شان هستند و از آنها رأی گرفته اند سخن بگویند نه در لندن و نه برای انگلیسی ها!

۶- یک سؤال دیگر هم داریم. حضور آقای لاریجانی در لندن همزمان با سالگرد صدور فتوای انقلابی امام خمینی علیه سلمان رشدی کافر، چه مفهومی دارد. آیا مسئولان به این سؤال ماباسخ خواهند داد؟

۷- آقای لاریجانی و امثال آقای لاریجانی باید بدانند که آقای هاشمی رفسنجانی اگر در برنامه های شان اشکالی داشتند همه با ایشان شریک جرم هستند. اگر اشکالی یا انتقادی به دولت آقای هاشمی رفسنجانی وارد است عین همان اشکال و انتقاد را می توان به مجلس هم وارد نمود. آقای لاریجانی هر گلی به سر دولت آقای رفسنجانی بزند، به سر خودش و مجلس هم زده است و بالعکس...

۸- آقای لاریجانی و امثال آقای لاریجانی باید بدانند که بالاخره ۴ سال یا ۸ سال بعد دوران کاندیدا و رئیس جمهور مورد نظر ایشان هم تمام خواهد شد. آیا اگر ۸ سال بعد در چنین روزهایی نایب رئیس کمیسیون روابط خارجی مجلس وقت بلند شود برود لندن و عین همین حرف هایی را که ایشان علیه دولت آقای هاشمی رفسنجانی زده اند، علیه دولت رئیس جمهور مورد علاقه شان بزنند، چه حالی پیدا می کنند. چه اتهاماتی علیه آن نایب رئیس کمیسیون روابط خارجی که زده نمی شود؟

۹- به راستی چرا همه راه ها از نظر بعضی ها به «لندن» و «انگلیس» ختم می شود؟

«نیک براون»، رئیس اداره خاورمیانه وزارت خارجه انگلیس در محل سفارت ایران در انگلیس با «محمدجواد لاریجانی» دیدار و مذاکراتی داشته است که آگاهی از پاره‌ای نکات آن برای مردم ایران حائز اهمیت فراوان است.

لاریجانی در قسمتی از مذاکره، خود را چنین توصیف می‌کند: «من نه اشغال سفارت امریکا در تهران را تأیید می‌کنم و نه اذیت و آزار دیپلمات‌های ایرانی در اروپا را، افرادی که از آقای خاتمی حمایت می‌کنند از اشغال سفارت امریکا در تهران حمایت نموده و آن را تأیید می‌کنند ولی افراد لیبرالی مثل من آن را تأیید نمی‌کنند».

این بیانات در پاسخ سؤال «براون» از موضع‌گیری ایران در قبال آلمان در صورت محکومیت ایران از سوی دادگاه آلمان است. «براون» انگلیسی شدیداً از منابع و مواضع آلمان حمایت می‌کند و علی‌رغم آن‌که لاریجانی به وی اطمینان خاطر می‌دهد که هیچ‌گونه تهدیدی در صورت محکومیت ایران سفارت آلمان را تهدید نمی‌کند، بارها در طول مذاکره با لحنی محترمانه ایران را تهدید می‌کند که: «اگر اقدامی علیه سفارت آلمان در تهران صورت گیرد واقعاً فاجعه خواهد بود». این در حالی است که سفارت ایران در آلمان بارها مورد هجوم قرار گرفته و پلیس آلمان از این تهاجمات جلوگیری نکرده است.

در جای دیگر «براون» می‌گوید:

(امروز خبر بدی درباره «رشدی» دریافت کردم که بنیاد پانزده خرداد جایزه ۲/۲ میلیون را دوباره مطرح نموده است. البته می‌دانم که این بنیاد، دولتی نیست ولی قطعاً این خبر تأثیر بدی در سه ماجرا خواهد گذاشت. بحث‌های مربوط به رشدی بین EU (اتحادیه اروپا) و ایران به مرحله انتظاری برای امضای وزارت خارجه ایران رسیده است. حتماً در مصاحبه مطبوعاتی جنابعالی سؤالات مشابهی از سوی خبرنگاران مطرح شد جواب شما چه بود؟)

لاریجانی، در پاسخ می‌گوید: «مسئول بنیاد پانزده خرداد آقای صانعی است. ایشان یکی از اعضای مجمع روحانیون مبارز می‌باشد. مجمع روحانیون مبارز هم از کاندیداتوری آقای خاتمی حمایت کرده است. موضع‌گیری پانزده خرداد را باید یک نوع مانور تبلیغاتی برای مصرف داخلی دانست. تدروها می‌خواهند به آقای ناطق نوری فشار آورده تا از مواضع قبلی خود عدول نماید. با مواضع آقای ناطق نوری و من هم آشنا هستیم. ما تغییر مواضع نداده‌ایم. حداکثر باید انتظار داشت که آقای ناطق نوری در برابر این فشارها سکوت اختیار نماید و گرنه نباید انتظار معجزه از ایشان داشت. بحث جدید رشدی در ایران را باید یک بحث داخلی برای انتخابات ریاست جمهوری دانست و به هیچ‌وجه یک بحث بین‌المللی نیست».

در سخنان لاریجانی چند نکته مهم وجود دارد. نخست آن که وی در دو موضوع مهم اشغال سفارت امریکا در تهران که در زمان امام خمینی (رض) انجام شده و مورد تأیید کامل ایشان بوده و نیز در حکم قتل سلمان رشدی که فتوای صریح امام خمینی است، موضعی مخالف و ضد موضع ولی فقیه دارد و برابر موضع‌گیری تصریح می‌کند. در حالی که این‌گونه موضع‌گیری از ناحیه ضعف و حقارت رانمی‌توان نوعی محافظه‌کاری و تقیه سیاسی یا نوعی پیچیده‌گویی و ابهام‌گویی سیاسی دانست و شگفت است که غرب در حمایت خود از رشدی چنین مصر و سخت‌گوش است. بدین علت که عقب‌نشینی ایران از موضع‌گیری امام خمینی در واقع صدور مجوز و امان نامه برای دشمنان اسلام است که پس از این با امنیت خاطر بتوانند هرگونه علیه اسلام و مقدسات آن قلم بزنند و اقدام نمایند و بانگ هیچ‌گونه اعتراضی را نیز نشنوند و در واقع با این عقب‌نشینی فضای ناامن کنونی را برای دشمنان اسلام امن سازند. بدیهی است که این عقب‌نشینی اهانتی بزرگ به حکم مقدس اسلام است که بی‌اعتباری و اهانت به یک حکم به این معناست که دیگر احکام اسلام را نیز به همین سادگی می‌توان با پافشاری و تهدید تغییر داد.

در حالی که «براون» انگلیسی از منافع و مواضع متحد کشور خود، یعنی آلمان چنین با سرسختی دفاع می‌کند، شگفت است که «لاریجانی» چنین با سهولت و سادگی مواضع ولی فقیه را زیر پا می‌گذارد و با آن رأی خوشایند غرب مخالفت می‌ورزد.

نکته دوم آن‌که لاریجانی در قسمت‌های مختلف مذاکره به نوعی به «براون» گوشزد می‌کند که آقای خاتمی و جناح او در مقابل ماو شما قرار دارند و طرف انگلیسی را تلویحاً از خطر پیروزی خاتمی در انتخابات آگاه می‌کند. در این نکته مفاهیم پنهانی وجود دارد، که بسیار قابل تأمل است.

در جای دیگر آمده است:

براون: «جنابعالی از حامیان جدی آقای ناطق نوری بوده و در این جهت تلاش می‌نمایید. درباره آقای ری شهری تا حدی مطلع‌ام. درباره آقای خاتمی بفرمایید».

لاریجانی: انتخابات جدی در پیش داریم. آقای خاتمی یک فرد فرهنگی و شخصیت برجسته‌ای است. در بین روشنفکران و هنرمندان هم

طرفداران زیادی دارد. آقای خاتمی کاندیدای جناح تندرو می‌باشد. آقای صناعی رئیس بنیاد پانزده خرداد هم جناح آقای خاتمی است که امروز درباره جایزه موضوعی را مطرح کرده است».

لاریجانی پیروزی جناح خاتمی را در انتخابات ریاست جمهوری به عنوان خطری جدی برای خواسته‌های نامعقول و نامشروع انگلیس و غرب گوشزد می‌داند و خود و جناح وابسته خود را دوستان وفادار و طرفدار منافع انگلیس و غرب معرفی می‌کند و این حقیقتی کتمان ناپذیر است که ملت ایران در آستانه انتخابات حساس و سرنوشت ساز آینده نزدیک باید بدان توجه کافی داشته باشند و با انتخابات اشتباه، استقلال و ارزش‌های انقلاب را در ورطه خطر و نابودی نیفتند. این موضع‌گیری‌ها در حالی است که لاریجانی و جناح او در داخل ایران همواره جناح خاتمی را به ضدیت با ولایت فقیه متهم می‌کنند و حال آنکه جناح خط امام به دلیل دفاع از آرمان‌های انقلاب و ولی فقیه به تندرستی متهم شده‌اند. «براون» تا آنجا مواضع لاریجانی را نرم و انعطاف‌پذیر می‌پندارد که حتی در مسائل جزئی و داخلی نیز مداخله می‌کند. مثلاً وی می‌گوید: «غرب نسبت به سرنوشت دو نفر بهایی در ایران و فرج سرکوهی و کمیته حقوق بشر نگران است» یا «کمیته حقوق بشر شما هم دوره طفولیت خود را می‌گذراند» و لاریجانی نیز از سرنوشت سرکوهی مانند «براون» اظهار نگرانی می‌کند و تأکید می‌کند که «باید برخوردهای افراطی یا غیرقانونی را از سیاست‌های کلی دولت‌ها جدا نمود».

در ادامه «براون» می‌گوید:

«اگر وزارت اطلاعات کار غیرقانونی نماید باید با آن برخورد نمود و افراد ذی‌ربط تنبیه گردند».

مقصود وی دستگیری سرکوهی و دو نفر بهایی یادشده که حتماً برای غرب افراد مهمی هستند، نه از آن رو که غرب حامی حقوق بشر است بلکه از آن رو که این افراد وابستگی‌هایی به غرب دارند و خدماتی برای آنان انجام داده‌اند.

در پاسخ لاریجانی می‌گوید:

«بله، با متخلف باید برخورد شود. البته باید یادمان باشد که مادر سرزمین شاهان زندگی می‌کنیم. سال‌های متممادی افراد در ایران احترامی نداشته‌اند. جامعه مدنی معنی و مفهومی نداشته است...»

یا در جای دیگر می‌افزاید: «جامعه مدنی در ایران مانند یک نهال نوپایی است که باید مراقب آن بود».

لاریجانی صراحتاً بیان می‌کند که مردم مسلمان ایران تمدن نیستند و این‌گونه برخوردها با دوستان وفادار غرب ناشی از بی‌تمدنی مردم ایران است! مردمی که سالیان پررنج درازی را برای دفاع از آزادی و استقلال خود در برابر فشارهای وحشیانه غرب تحمل کرده‌اند و قرن‌ها تمدن را پشت سر گذاشته‌اند و روزگاری که غرب دوره جاهلیت را طی می‌کرد، مردم ایران دارای تمدنی درخشان بوده‌اند. ظلم و ستم شاهان نیز بر مردم ایران با به واسطه استبداد بوده است با وابستگی و سرسپردگی آنان نسبت به استعمار و بیگانگان. ستمی که با رفتن شاهان مسلماً از بین نمی‌رود و برای مقابله با آن همواره باید هشیار بود. زیرا هرگاه که در حکومت مهره‌هایی سرسپرده وجود داشته باشند، این خطر کشور و مردم ایران را تهدید و قدرت‌های استعمارگر را خشنود می‌کند.

امام (رض) بارها انگلیس را بدتر از آمریکا و شوروی خواند. بدیهی است که انگلیس و دیگر کشورهای غربی منافع غیرقابل اغمازی در ایران و خلیج فارس دارند و تیرگی روابط آنان با ایران بیشتر به زیان آنان خواهد بود، لذا تلاش برای بهبود روابط با ایران بیش از آن که از سوی ما صورت می‌گیرد از سوی آنان باید انجام پذیرد. چرا که منافع آنان در ایران بیشتر از منافع ایران در غرب است.

بنابراین انتظار شایسته‌ای است که آنان از مواضع خصمانه خود علیه ایران عدول کنند و مسلماً زمانی که برخی دولت‌مردان ایران را دارای موضعی ضعیف و سست در برابر خود یابند می‌کوشند که ایران را وادار به عقب‌نشینی از مواضع برحق و قانونی خود نمایند.

مایه بسی تأسف و تأثر است که عزت به دست آمده ایران که ارمغان زیبای انقلاب اسلامی است توسط افرادی آگاه یا ناآگاه چنین پایمال شود. آنچه که مردم ایران انتظار دارند، این است که هرگونه اتخاذ مواضع و تدابیر سیاسی در مقابل بیگانگان و به‌ویژه دشمنان اسلام نباید منافی با ارزش‌های اسلامی و عزت و استقلال ایران و مردم این کشور باشد. حتی در مذاکرات پنهانی! پر واضح است که نرمی و تواضع رجال سیاسی ایران در برابر غرب نه تنها باعث تألیف قلوب آنان نسبت به اسلام و مسلمین نمی‌شود، بلکه از این نقطه ضعف بزرگ نیز همواره در جهت منافع نامشروع خود بهره برده‌اند. به‌علاوه این‌گونه تواضع از نظر قرآن در برابر دشمنان مردود و ناپسند است: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» این آیه هرگونه سلطه کفار را بر مؤمنان نفی می‌کند. بدین معنا که مؤمنان نباید سلطه کفار را بر خود بپذیرند. چنانچه از احکام فقهی اسلام بدست می‌آید نفی سلطه حتی شامل گفتار و برخورد و معاشرت و ... نیز می‌شود و در تمامی این موارد نیز مؤمنان و مسلمانان باید در موضعی برتر قرار گیرند.

لذا برای حل معضلات و مشکلات سیاسی باید با حفظ مواضع اصولی و اسلامی راه‌هایی مناسب یافت. امیداست خداوند ما را در پایداری بر ارزش‌های مقدس اسلامی که موجب عزت و اعتلای ایران و مردم است یاری فرماید.

لازم به ذکر است که بیانات محمد جواد لاریجانی و براون از متن تنظیم شده توسط سفارت ایران در انگلیس در تاریخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۱ نقل شده است.

واکنش صریح مهندس موسوی در قبال اظهارات «دکتر لاریجانی»

منبع: هفته نامه پنجشنبه‌ها

تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۴

نویسنده: نت

در پی انتشار مصاحبه آقای محمدجواد لاریجانی با یکی از روزنامه‌ها درباره مذاکرات خود با «نیک براون» رئیس اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه انگلیس و انتصاب مطالب خلاف واقع به حضرت امام خمینی در زمینه وظیفه دولت جمهوری اسلامی در قبال مسئله مسلمان رشتی مرتد و این که حضرت امام در پاسخ دولت در آن زمان فرمودند «من به عنوان یک طلبه نظر خودم را بیان کردم، دولت باید مشی خودش را مبتنی بر محاسبات خودش ادامه دهد»، آقای مهندس میرحسین موسوی که در آن زمان نخست‌وزیر بود این مطلب را تکذیب کرد و گفت:

اینجانب به عنوان کسی که در زمان صدور حکم ارتداد سلمان رشدی رئیس دولت بودم اعلام می‌کنم در این زمینه دولت سوالی از حضرت امام نکرد و حضرت امام هم نه تنها چنین مطلبی به دولت نفرمودند بلکه توسط مرحوم حاج احمد آقا به اینجانب پیغام دادند که دولت موضع گیری نکند. این پیغام را مرحوم حاج سید احمد آقا ظهر روز ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ یعنی همان روز صدور حکم حضرت امام، تلفنی به اینجانب رساندند و اینجانب به عنوان نخست‌وزیر بیانیه‌ای تهیه کردم و قبل از ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز آن را در اختیار صدا و سیما قرار دادم که در اخبار ساعت ۲ بعد از ظهر و بعد از قرائت حکم حضرت امام، از رادیو خوانده شد و در بعضی مطبوعات هم متن کامل آن به چاپ رسید. در این بیانیه، علاوه بر اعلام یک روز عزای عمومی و دعوت از هسته‌های حزب الله در جهان اسلام جهت انجام اقدامات لازم برای خنثی کردن توطئه جدید امریکا (انتشار کتاب آیات شیطانی)، با صراحت اعلام شده است که «دولت و ملت ایران در مقابل این توطئه کثیف ساکت نخواهند نشست و هر نوع اقدام مقتضی را برای جلوگیری از این دسیسه شوم به عمل خواهد آورد».

متن کامل بیانیه دولت جمهوری اسلامی به مناسبت صدور حکم تاریخی حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه مبنی بر ارتداد و واجب‌القتل بودن سلمان رشدی که در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ چهارشنبه ۱۳۶۷/۱۱/۲۶ به چاپ رسید، به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم  
انالله و انالیه راجعون

باتوجه به توطئه جدید شیطان بزرگ امریکا، که با انتشار مطالبی زهرآگین و توهین آمیز در مورد اسلام و قرآن و پیامبر اکرم (ص) قدمی تازه در راه خصومت عملی با اسلام و مسلمین برداشته است بنابه دستور رهبر کبیر انقلاب اسلامی فردا روز چهارشنبه ۱۳۶۷/۱۱/۲۶ در سراسر کشور عزای عمومی اعلام می‌گردد.

امروز که می‌رود تا اسلام ناب محمدی جان‌های خفته ملت‌های مظلوم و محروم جهان را بیدار سازد و فروغ آن راه‌هایی را به فرزندان انقلابی جهان، نشان داده است و امروز که ملت‌های دربند مسلمانان با تاسی از انقلاب اسلامی راه‌هایی خود را از سرنوشتی که ابرقدرت‌ها برای آنها تعیین کرده‌اند، یافته‌اند و بعد از آن که امریکا نتوانسته است علی‌رغم همه تلاش‌ها و توطئه‌ها، آهنگ روبه رشد گسترش مرزهای اعتقاد به اسلام ناب محمدی را سد کند و هر لحظه بیم انفجار انرژی متراکم ملت‌های اسلام منافع او را تهدید می‌کند، شیطان بزرگ تصمیم گرفته از راه تحریف، توهین و جعل تاریخ و حمله به مقدسات امت بزرگ اسلامی توسط قلم به مزدهای خود توطئه فوق را به انجام برساند. دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن قدرذاتی از همه مسلمانان غیرتمند که در سراسر جهان علیه این ترفند تجدد و کثیف امریکا به پا خاسته‌اند و با حرکت شورانگیز خود نشان داده‌اند که برای حراست از مرزهای حرمت و قداست اسلام حاضرند از جان خود بگذرند، ضمن تبریک و تسلیت به خانواده‌هایی که فرزندان آنها به دلیل اعتراض به امریکا در یک کشور اسلامی آماج گلوله سلاح‌های مشکوک قرار گرفته‌اند و به لقاالله پیوستند، اعلام می‌کند که دولت و ملت ایران در مقابل این توطئه کثیف ساکت نخواهد نشست و هر نوع اقدام مقتضی را برای جلوگیری از این دسیسه شوم به عمل خواهد آورد.

ما از همه ملت‌های اسلامی دعوت می‌کنیم در مقابل این هجوم تازه استکبار جهانی به سرکردگی امریکا علیه اسلام، مسلمین، قرآن و پیامبر اسلام ساکت نشینند و صدای اعتراض آمیز خود را علیه این عمل شیطانی بلند کنند.

ما از همه هسته‌های حزب الله در جهان اسلام می‌خواهیم که عمق این توطئه سیاه را درک کنند و ضمن گسترش آگاهی ملت و جامعه فردا، اقدامات لازم را برای خنثی کردن آن به کار گیرند.

ما به همه دولت‌های اسلامی توصیه می‌کنیم تا خود را مقابل توده‌های میلیونی مسلمانان خشمگین قرار ندهند و همراه ملت خود نفرت و خشم خود را علیه این اقدام تحریک آمیز امریکا نشان دهند.

میرحسین موسوی نخست‌وزیر  
۱۳۶۷/۱۱/۲۵

ضمناً یادآور می‌شویم حضرت امام خمینی در وصیت‌نامه سیاسی خود در خصوص نسبت دادن مطالب خلاف به ایشان هشدار داده و مرقوم فرمودند «بسمه تعالی در زیر این وصیت‌نامه ۲۹ صفحه‌ای و مقدمه، چند مطلب را تذکر می‌دهم.

۱- اکنون که من حاضرم، بعضی نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود. لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود مورد تصدیق نیست مگر آن که صدای من یا خط و امضای من باشد یا تصدیق کارشناسان، یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشیم».

واکنش انجمن اسلامی مدرسان دانشگاه‌ها

منبع: هفته نامه پنجشنبه‌ها

تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۴

نوع مطلب: مقاله

نویسنده: -

انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها با ارسال نامه‌ای سرگشاده برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی با انتقاد از مذاکره دکتر لاریجانی با دیپلمات انگلیسی در لندن خواستار برکناری وی از سمت‌های مدیریت مرکز پژوهش‌های مجلس و مرکز تحقیقات فیزیک نظری شدند.  
در این نامه آمده است:  
ماجرای فضاحت‌بار ملاقات و مذاکره محمد حداد لاریجانی با نیک‌ساز، مدیر، خواه، مانع‌آباد، وزارت خارجه انگلیس، در خوش‌سنانه‌تون، فرض، مصداق

### اظهارات دکتر لاریجانی در لندن

منبع: هفته نامه توس

تاریخ: ۱۳۷۶/۱۲/۶

نوع مطلب: خبر

نویسنده: —

دکتر محمد جواد لاریجانی، در یک کنفرانس مطبوعاتی در «لندن» گفته است: «فکر می‌کنم اگر ناطق نوری در انتخابات برنده شود، برای اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی مهم در موقعیت خوبی قرار خواهد داشت. ناطق نوری اقتصاد را جانی تازه خواهد بخشید، سیاست پولی محکمی را به اجرا خواهد نهاد، بر بانک‌ها نظمی محکم برقرار می‌کند و امنیت سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. ناطق نوری فعالیت اقتصادی بخش خصوصی را تشویق می‌کند، دولت را از فعالیت‌های مالی و اقتصادی برکنار می‌دارد و از ابعاد دولت خواهد کاست.» وی افزود: «مایک دستگاه دولتی آماس کرده و ناشایست داریم. کوچک کردنش فرایندی پرمراست است، اما اهمیت زیادی دارد. ناطق نوری با رفسنجانی فرق دارد، زیرا ناطق برنامه خصوصی سازی شرکت‌های دولتی را با سرعت بیشتری انجام خواهد داد. خصوصی سازی حوزه‌ای است که ناطق نوری قصد دارد با شدت و سرعت بیش از رفسنجانی پیش ببرد. رفسنجانی با خصوصی سازی مخالف نبود، اما آن را در اولویت قرار نداد. ناطق نوری طرفدار سیاست پولی محکم‌تری در مقایسه با سیاست رفسنجانی است.» از او سؤال شد شایعه‌هایی در مورد وزیر خارجه شدن او در صورت انتخاب شدن ناطق نوری در میان است، لاریجانی که عضو شورای امنیت ملی نیز هست، گفت: «اینها مسائلی است که درباره‌شان تصمیم‌گیری می‌کنیم.» وی ادامه داد: «علی‌اکبر ناطق نوری خواهان استقلال بیشتر بانک مرکزی است.»

### چرا «دکتر لاریجانی» محاکمه نمی‌شود؟

منبع: هفته نامه توس

تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۱۱

نوع مطلب: مقاله

نویسنده: —

اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور (تحکیم و وحدت) در سالروز قطع رابطه سیاسی با آمریکا بیانیه‌ای درباره اظهارات دکتر محمد جواد لاریجانی در ملاقات با یکی از مسئولان وزارت خارجه انگلستان صادر کرد. در این بیانیه پنج صفحه‌ای آمده است: «اخیراً در سطح برخی محافظت سیاسی متن مذاکره فی مابین نیک‌براون - رئیس اداره خاورمیانه وزارت خارجه انگلیس - و آقای محمد جواد لاریجانی نماینده مجلس شورای اسلامی و ریاست مرکز پژوهش‌های مجلس در قالب ۷ برگ سند منتشره از اداره کل غرب اروپای وزارت امور خارجه، مطالبی مطرح شده که بخش‌هایی از آن حاوی نکات زیر است: «... براون - امروز خبر بدی درباره رشدی دزیافت نمودم که بنیاد پانزده خرداد جایزه ۲/۲ میلیونی را مجدداً مطرح نموده است. البته نمی‌دانم که این بنیاد دولتی نیست ولی قطعاً این خبر تأثیر بدی در ماجرا خواهد گذاشت. بحث‌های مربوط به رشدی بین EU و ایران به مرحله انتظاری برای امضای وزارت خارجه ایران رسیده است. حتماً در مصاحبه مطبوعاتی جنابعالی سؤالات مشابهی از سوی خبرنگاران مطرح شد، جواب شما چه بود؟ لاریجانی - مسئول بنیاد پانزده خرداد آقای صانعی است. ایشان یکی از اعضای مجمع روحانیون مبارز می‌باشد. مجمع روحانیون مبارز هم از کاندیداتوری آقای خاتمی حمایت کرده است. موضع‌گیری پانزده خرداد را باید یک نوع مانور تبلیغاتی برای مصرف داخلی دانست. تدروها می‌خواهند که به آقای ناطق نوری فشار آورده تا از مواضع قبلی خود عدول نماید. با مواضع آقای ناطق نوری و من هم آشنا هستید. ما تغییر مواضع نداده‌ایم. حداکثر باید انتظار داشت که آقای ناطق نوری در برابر این فشارها سکوت اختیار نماید وگرنه نباید انتظار معجزه از ایشان داشت. بحث جدید رشدی در ایران باید یک بحث داخلی برای انتخابات ریاست جمهوری دانست و به هیچ وجه یک بحث بین‌المللی نیست. امروز خبرنگاران هم سؤالاتی درباره رشدی مطرح نمودند که طبق روال معمول پاسخ دادم. براون - جنابعالی معمولاً برخورد خوبی با رسانه‌ها داشته‌اید. بنابراین حتماً مصاحبه خوبی شده است. در هر حال امضای نامه مربوط به رشدی از سوی ایران بسیار مهم است. هرچه زودتر باید مسئله نامه حل و فصل گردد.»

لاریجانی - اگر EU بتواند در زمان باقی‌مانده از دولت آقای هاشمی به توافق برسد، موقعیت خوبی خواهد بود. در حالی که موضوع رشدی اولویت درجه یک برای دولت بعدی نخواهد داشت دولت بعدی درگیر مسائل مختلفی شده و فرصت کافی برای موضوع رشدی نخواهد داشت.

براون - جنابعالی از حامیان جدی آقای ناطق نوری بوده و در این جهت تلاش می‌نمایید. درباره آقای ری شهری تا حدی مطلع‌ام، درباره آقای خاتمی بفرمایید.

لاریجانی - انتخابات جدی در پیش داریم، آقای خاتمی یک فرد فرهنگی و شخصیت برجسته‌ای است. در بین روشنفکران و هنرمندان هم طرفداران زیادی دارد. آقای خاتمی کاندیدای جناح تندرو می‌باشد. آقای صانعی رئیس بنیاد پانزده خرداد هم جناح آقای خاتمی است که امروز درباره جایزه موضوعی را مطرح کرده است.

براون - تحمل آقای خاتمی نسبت به آزادی بیان و مطبوعات تا چه حد می‌باشد؟

لاریجانی - خاتمی شخصاً اهل تسامح و تحمل می‌باشد ولی گروهی که وی را حمایت می‌کنند افراد تندروی هستند... من نه اشغال سفارت امریکا در تهران را تأیید می‌کنم و نه اذیت و آزار دیپلمات‌های ایرانی در اروپا، افرادی که از آقای خاتمی حمایت می‌کنند از اشغال سفارت امریکا در تهران حمایت نموده و آن را تأیید می‌کنند ولی افراد لیبرالی مثل من آن را تأیید نمی‌کنند. معتقدم باید طبق اصول و مقررات بین‌المللی با مسائل برخورد شود.

براون - سابقه ایران در جریان اشغال سفارت امریکا در تهران هیچ‌گونه احترامی را برای کنوانسیون وین باقی نگذاشت...

ملاحظات - نفر دوم سفارت در ملاقات حضور داشت.

درباره این مطالب که با سربرگ وزارت امور خارجه انتشار یافته چند نکته حائز اهمیت وجود دارد:

۱- آیا اوراق مذکور از سندیت رسمی برخوردار است یا خیر؟ اگر سندیت ندارد و مجعول است چرا وزارت خارجه تا امروز که قریب به یک‌ماه از انتشار آن می‌گذرد نسبت به تکذیب آن اقدامی ننموده است.

۲- اگر این اوراق دارای سندیت می‌باشد، چرا آقای محمدجواد لاریجانی به عنوان یک مجرم سیاسی و کسی که مسائل داخلی کشورش را در اختیار سیاستمداران انگلیسی قرار می‌دهد دستگیر و محاکمه نمی‌شود؟ البته مفاد مطالب عنوان شده توسط ایشان به زبان‌ها و انحاء گوناگون در مواقعی دیگر نیز بارها مطرح شده و علی‌رغم آن که با شخص وی مستقیماً از جانب امام راحل برخورد گردیده مع‌هذا همچنان به ارائه خط مشی سیاست خارجی مورد نظر جناح راست سنتی ادامه داده و در حال حاضر نیز به عنوان تنوریسین و مغز متفکر آن جناح به ایفای نقش مشغول است.

۳- به راستی اگر یکی از افراد منتسب به دیگر جناح‌ها ده‌ها مرتبه رقیق‌تر از مطالبی که آقای لاریجانی در ملاقات دوستانه‌اش به براون گفته، مطلبی را عنوان می‌کرد، جناح تمامت‌خواه بارها انداختن تبلیغات همه‌جانبه و استفاده از صدا و سیمای خود چه عکس‌العملی نشان می‌داد؟ آیا به جرم وطن‌فروشی او را به قوه قضائیه معرفی و درخواست اعدام وی را در ملأ عام نمی‌کرد؟ آیا تمامی کسانی که به نحوی در تأیید و حمایت از وی حرفی زده یا اقدامی کرده بودند را به اتهام همکاری با جاسوسان بیگانه تعقیب و دستگیر نمی‌کرد؟ آیا...

پس چگونه است که اکنون در برابر این حرکت ناصواب، سیاست سکوت و انتظار را پیش گرفته‌اند؟ همگان حتی آقای نیک براون هم می‌دانند که آقای محمدجواد لاریجانی در تلاش جهت حاکمیت مطلق چه جریانی است ولی آن جریان با افشای این اسناد و نیز انتشار مطالبی که آقای لاریجانی در لندن با روزنامه‌های غربی مطرح کرده از کنار مسئله به سادگی گذر کرده‌اند؟

۴- جناحی که آقای محمدجواد لاریجانی به عنوان تنوریسین سیاسیشان ایفای نقش می‌نمایند، مخالفان خود در رقابت‌های انتخاباتی مجلس پنجم را با برچسب ناچسب «لیبرال» به جامعه معرفی نمود، این در حالی است که آقای لاریجانی با افتخار به براون انگلیسی می‌گوید: «... افرادی که از آقای خاتمی حمایت می‌کنند از اشغال سفارت امریکا در تهران حمایت نموده و آن را تأیید می‌کنند ولی افراد لیبرالی مثل من آن را تأیید نمی‌کنند...»

سخن بی‌برده آقای لاریجانی بیانگر حضور قابل ملاحظه لیبرال‌ها در جناح راست سنتی می‌باشد و شعارهای ضدلیبرالی آقایان در جریان انتخابات مجلس پنجم، به قول خود ایشان صرفاً «مسائلی مقطعی و دارای مصرف داخلی بوده است».

رسمیت نداشتن قطع رابطه سیاسی میان ایران و امریکا این آزادی عمل را برای جریان مشتاق روابط با بیگانگان فراهم آورده که در اجلاس دوس مذاکراتی فی مابین امریکایی‌ها و برخی افراد صورت گیرد و آقای نیک براون در ملاقات دوستانه‌اش از آقای لاریجانی درخواست مفاد مذاکرات را بنماید.

در پایان بار دیگر متذکر می‌گردد که مردم و نیروهای حزب‌اللهی پیرو خط امام باید این هشدار امام را که فرموده‌اند:

«... هر کس در هر مقام که خیال‌سازش با شرق و غرب را داشت بی‌محابا و بدون هیچ ملاحظه‌ای او را از صفحه روزگار براندازد که سازش با شرق و غرب، خودباختگی و خیانت به اسلام و مسلمین است.»

نصب‌العین خویش قرار داده و افشا و طرد پیروان اسلام امریکایی را به عنوان ملاک و معیار اصلی و تعیین‌کننده در صحنه انتخابات ریاست جمهوری قلمداد نمایند.

### عامل مذاکره با غرب! در مشهد

منبع: هفته نامه توس

تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۱۵

نوع مطلب: خبر

نویسنده: —

اخیراً استاد دومین گردهمایی بازنشاسی اندیشه‌های شهید مطهری در شهرستان مشهد با دعوت از آقای محمدجواد لاریجانی، عامل مذاکره ننگین با مدیرکل وزارت خارجه انگلستان، جهت انجام سخنرانی در تالار ابن هیثم مرکز تربیت معلم شهید بهشتی به یک اقدام غیرقابل توجیه برای امت انقلابی و آگاه و همیشه در صحنه مشهد مقدس دست زده است.

از آنجا که مقام عظمای ولایت فقیه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) پس از این مذاکره ننگین و شرم‌آور و اعتراضات گسترده مردم و تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی و تقاضای مؤکد بر دستگیری و محاکمه ایشان و عزل و نصب از نمایندگی مجلس، ایشان را از عضویت در «مجمع تشخیص مصلحت نظام» خلع کردند، چه توجیهی دارد که دفتر نمایندگی ولی فقیه در خراسان و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و مدیریت دانشگاه فردوسی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و مدیریت دانشگاه و چند نهاد و ارگان دیگر از چنین شخصیت معلوم‌الحال و منفور که به کیان و عزت ایران اسلامی توهین کرده است دعوت کنند تا درباره استاد شهید علامه مرتضی مطهری سخنرانی نماید و برای نسل جوانی که ایشان را مظهر خیانت به آرمان‌های انقلاب و راه امام و فرمایشات مقام معظم رهبری می‌داند سخن برانند. لاریجانی که آقای ناطق نوری و مهندس باهنر و آیت‌الله استادی هم وی را از خود ندانسته و مذاکره را صرفاً یک عمل شخصی و بعضاً آن را محکوم کرده‌اند، در مشهد به دنبال چه چیزی است.

### درخواست محاکمه دکتر لاریجانی در یک محکمه قضایی

منبع: هفته نامه توس

تاریخ: ۱۳۷۶/۳/۱۲

نوع مطلب: مقاله

نویسنده: —

در طول هجده سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی حوادثی رخ داده‌اند که ارزیابی آنها فراتر از بررسی عملکرد افراد و جریانات موجود سیاسی است و از تباط و تنگاتنگ با منافع ملی کشورمان داشته است؛ بنابراین واکنش در برابر وقایعی از این دست حمایت همه‌جانبه و فراگیری را می‌طلبد زیرا وقتی به یکی از اصول کلی نظام و خط‌مشی‌های اساسی انقلاب تعرضی شود تمامی آحاد ملت برخورد فرض می‌دانند در برابر آن سکوت نکنند. به عنوان مثال وقتی بحث مذاکره مستقیم با امریکا مطرح شد جایگاه حقیقی و حقوقی شخص مطرح کننده، در برابر آن موضع‌گیری کردند و از ملت بیدار و هوشیار ایران اسلامی انتظاری جز این نمی‌رفت.

این مطلب را کیهان هوایی در شماره ۱۲۳۰ خود نوشت و یادآور شد مذاکرات دکتر محمدجواد لاریجانی با «نیک براون» - رئیس اداره خاورمیانه وزارت خارجه انگلیس - و برخورد حمایت‌آمیز برخی از مطبوعات داخلی با وی، پس از انتشار این مذاکرات در داخل، قابل بررسی است.

لاریجانی در ملاقات خود با دیپلمات انگلیسی در مورد سلمان رشدی مرتد که به خاطر اهانت به مقدسات مسلمانان با موضع‌گیری صریح حضرت امام خمینی (ره) مواجه شد و همچنین درباره رأی دادگاه می‌کونوس آلمان - که به مقدسات ملت ایران توهین کرد - وارد مذاکره شد.

این اقدام به لحاظ حساسیت‌های ویژه جامعه اسلامی بازتاب وسیعی در بین اقشار مختلف مردم داشت. تاجایی که برخی همفکران وی در کنفرانس‌های خبری و اظهار نظرهای رسمی از عملکرد او در لندن دفاع نکردند و گفتند باید خود لاریجانی پاسخگوی اظهاراتش در ملاقات با دیپلمات انگلیسی باشد.

بنابراین بسیار به جا و پسندیده بود که لاریجانی و بعضی همفکرانش دست‌کم به خاطر حفظ سلامت فضای انتخابات، در این باره سکوت می‌کردند. اما متأسفانه دانشگاه علوم اسلامی رضوی و روزنامه قدس (وابسته به آستان قدس رضوی) به جای علت این مصلحت عمومی، نه تنها در برابر این موضوع خویشتنداری نکردند، بلکه با دعوت از وی در یک جلسه سخنرانی حول محور مهم «حکومت» و «ولایت» قصد تظہیر شخصیت لاریجانی را داشتند. وی نیز با استفاده از این موقعیت ابتدا در این سخنرانی که در روزنامه قدس (۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۶) منتشر شد ضمن توضیحی در مورد روند موضع‌گیری‌های استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی و جایگاه دین در نظام سیاسی و مدنی طی یک پرسش و پاسخ به توجیه عملکرد خود در برخورد با دیپلمات انگلیسی پرداخت و گفت: حدود سه هزار مذاکره‌از بنده در اسناد محرمانه وزارت خارجه ثبت و ضبط است. وی افزود: ولی فردی با اغراض مختلف و ریاکارانه اولین بار در ستاد تبلیغاتی یکی از نامزدها در اصفهان آن را مطرح کرد که این ظلمی است به بنده که کلاً آن را بخشیدم.

این در حالی است که عده‌ای از صاحب‌نظران سیاسی کشورمان معتقدند لاریجانی به خاطر نوع موضع‌گیری‌اش در برابر دیپلمات انگلیسی باید در یک محکمه قضایی مورد بازخواست قرار گیرد و جا داشت آستان قدس رضوی با درک شرایط حساس کشور در خدشه‌دار کردن فضای انتخاباتی سهیم نمی‌شد.

## لاریجانی همه را به جان هم انداخت!

منبع: هفته نامه توس

تاریخ: ۱۳۷۶/۳/۲۶

نوع مطلب: مقاله

نویسنده: امیر شهلا

در بهمن ماه سال گذشته محمد جواد لاریجانی - رئیس سازمان پژوهش های مجلس و نائب رئیس کمیسیون خارجه مجلس - ضمن سفری به کشور انگلستان باب گفتگویی را با نیک براون - مدیرکل آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه انگلستان - گشود که تأثیرات القایی خاصی را بر انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری کشور گذاشت. گرچه حتی الامکان از سوی جناح های رقیب سعی شد تا محتوای این گفتگو اصطکاکی با انتخابات حاصل نیابد اما موضوع این نشست از دیدگاه گروه های خط امام (ره) چنان مهم بود که هر چند یکبار به انتقاد از این مباحثه برمی خواستند. لاریجانی در مصاحبه با روزنامه ایران، هدف از این سفر را کمک به معالجه فرزندش خواند و خاطر نشان کرد: «در زمانی که در لندن بودم دولت بریتانیا از کاردار ایران در لندن تقاضا کرد که نماینده ای از طرف دولت بیاید و با من صحبت کند. من موضوع را با کارشناسان سفارت در میان گذاشتم. آنها مصرأ و مؤکداً نظر داشتند که این دیدار صورت بگیرد»<sup>(۱)</sup>

از جمله مسائلی که در این نشست میان طرف ایرانی و مدیرکل آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه انگلستان مطرح می شود و سوژه اصلی طرح انتقادات را فراهم می آورد مسئله سلمان رشدی و تسخیر لانه جاسوسی بود. لاریجانی در مورد مسئله ارتداد سلمان رشدی به نیک براون عرض می کند:

«بحث جدید رشدی در ایران باید یک بحث داخلی برای انتخابات باشد و به هیچ وجه بحث بین المللی نیست. مسئول بنیاد ۱۵ خرداد - که برای سر سلمان رشدی جایزه ۲/۲ میلیونی گذاشته است - آقای صانعی است ایشان یکی از اعضای مجمع روحانیون مبارز می باشند. مجمع روحانیون مبارز هم از کاندیداتوری آقای خاتمی حمایت کرده است. موضع گیری ۱۵ خرداد را باید یک مانور تبلیغاتی برای مصرف داخلی دانست. تدروها می خواهند که به آقای ناطق نوری فشار بیاورند تا از مواضع قبلی خود عدول نماید. با مواضع آقای ناطق نوری و من هم آشنا هستیم ما تغییر موضع نداده ایم»<sup>(۲)</sup> گرچه لاریجانی بعدها این متن را مخدوش خواند و در گفتگو با ایران مصرأ اظهار داشت: «هیچ احدی نمی تواند در فتوای حضرت امام (ره) خدشه وارد کند یا لغوش کند» اما چاپ و تکثیر اعلامیه دانشجویان حزب الله مشهد با عنوان «انگلیس نوکر خلقه به گوش امریکاست» که متن کامل گفتگوی اردشیر لاریجانی را در انگلستان به طبع رسانیده بود بازتاب گسترده ای در ایام تبلیغاتی انتخابات هفتم داشت. از آن به بعد هرگاه روزنامه های جناح مقابل خط امام مطلبی را در مورد احساس خطر از تکرار مجدد مشروطیت به چاپ می رساند جزایید بومیه ای این جناح نیز مطلبی در مورد علل مشروطیت و نقش انگلیس در آن تهیه و نشر می دادند: عصر ما نشریه ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در پاسخ به آقای ناطق نوری که گفته بود: «برای جلوگیری از تکرار مشروطیت کاندیدا شدم». از ایشان پرسید: «آیا نامزدهای دیگر، وابسته به دربار یا سفارت انگلیس هستند و در صدد تکرار ماجرای مشروطیت اند؟»

روزنامه سلام نیز با چاپ نقل قول یکی از خوانندگانش نوشت: «کسانی که مردم را از تکرار مشروطیت می ترسانند یادشان رفته که شیخ فضل الله نوری گفت: «مشروطیتی را که از دیگ پلو سفارت انگلیس سر در آورد نمی خواهیم».

بعد از گذشت حدود دو هفته از این کش و قوس ها و به دلیل حساسیت فوق العاده انتخابات ماجرای لاریجانی که یک مجله آلمانی از این ماجرا با عنوان لاری گیت<sup>(۳)</sup> تعبیر کرد، کم کم در حال فراموشی بود که با سر در آوردن فشرده مذاکرات لاریجانی با نیک براون انگلیسی از صندوق پستی نمایندگان مجلس، موضوع از شدت و حدت بیشتری برخوردار شد.

نمایندگان طرفدار نیز وقتی دیدند نشریات غرب از لاریجانی به عنوان وزیر امور خارجه کابینه ناطق نوری یاد می کنند دست از دفاع کشیدند و حتی المقدور به جرگه بی طرفان پیوستند. در روزهای پایانی اسفندماه و زمانی که مطبوعات مانور زیادی بر موضوع لاریجانی می دادند ناطق نوری اعلام داشت که: «بنده سخنگویی ندارم و هر حرف و سخنی داشته باشم خودم رسماً اعلام می کنم». در همین اثنا لاریجانی در مصاحبه مطبوعاتی خود با روزنامه ایران اعلام کرد که: «جناب آقای ناطق نوری که فرمودند من سخنگو ندارم، ظاهراً همه نامزدهایی که در صحنه هستند هیچ کدام سخنگو اختیار نکرده اند و این یک موضوع بدی هم نیست. یعنی هم می شود سخنگوی رسمی انتخاب بکنند و هم انتخاب نکنند. اگر ماها هم سخنی گفته ایم موضع خود را بیان کرده ایم. به خصوص من که همواره نظرات خودم را می گویم». به واقع اردشیر لاریجانی سعی داشت تا بیشتر از این آتش مباحثه خود را نیفزاند و جناح اکثریت را دستخوش مطامع مطبوعاتی قرار ندهد. بعد از اعلام بی نیازی ریاست مجلس از داشتن سخنگو دکتر روحانی نائب رئیس مجلس که در کمیسیون خارجه، لاریجانی معاون اوست و در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی نیز با وی همکاری می کند، از نفوذ و اعتبار خود بهره جست و از فراکسیون اقلیت مجلس درخواست کرد از پیگیری ماجرای گفتگوی لاریجانی در لندن دست بردارند. با طرح این مطلب لاریجانی موضوع را پایان یافته دید و خود را برای شروع کار مطبوعاتی و حتی ملاقات های رسمی به عنوان نائب رئیس کمیسیون خارجه مجلس آماده می کرد که موضوع سفر رئیس مجلس به مسکو پیش آمد. با قطعی شدن این سفر لاریجانی هم به جهت دانستن زبان و مهارت در گفتگو با خارجیان شال و کلاه نمود تا همراه هیئت اعزامی - اما این بار در رکاب ریاست مجلس - به مسکو سفر نماید. همین امر باعث شد تا روزنامه جمهوری اسلامی که تا آن زمان خود را مستقیماً درگیر مسائل حاشیه ای نکرده بود با چاپ مقاله ای

تحت عنوان «جایزه برای خاطلی» انتقاد شدید خود را از همراهی لاریجانی با هیئت بلندپایه ایرانی اعلام داشت. جمهوری در قسمتی از مطلب خود آورده بود:

«جگونه چنین فردی می‌تواند به عنوان یکی از همراهان آقای ناطق نوری عازم سفر شود و از این طریق خود را تظهير نماید». با جاب این مطلب و بازتاب آن در صحنه سیاسی کشور ماجرای سفر لاریجانی به همراه رئیس مجلس به روسیه منتفی شد. اما لاریجانی بعدها در پاسخ به این سؤال که چرا جنابعالی در ترکیب هیئت اعزامی همراه آقای ناطق نوری به روسیه حضور نداشتید می‌گوید: «این که من در سفر مسکو نبودم، این البته انتخاب خود من بود و دلیل عمده‌اش حوادثی بود که در آستانه این سفر در روابط ما با اروپا اتفاق می‌افتاد ترجیح داده در داخل کشور باشم و به مسؤلان تا جایی که بتوانم کمک کنم، مشورت بدهم؟!». به جرأت می‌توان گفت این سفر جزء معدود سفرهایی بود که لاریجانی مجلسیان را همراهی نمی‌کرد و یا عذر او را برای این سفر خواسته بودند! پیام امروز در آخرین شماره خود نوشت: «اما این بار در هیئتی که خبرنگاران سلام و کاروکارگر هم بدان دعوت نشده بودند ترجیح داده شد که لاریجانی همراه نباشد. در همین ایام بود که در متنی محرمانه، خلاصه گفتگوهای او در لندن دست‌به‌دست شده. لاریجانی وقتی در بحبوحه این تنش‌ها قرار گرفت در مصاحبه با ایران اذعان داشت که قصد دارد یک دادخواست و شکایت را به محاکم عدل جمهوری اسلامی تسلیم نماید. لاریجانی در یکی از مصاحبه‌ها، خود را سرباز کوچک نظام معرفی کرد و افزود: «من مخالف این هستم که شخصیت نامزدها مورد سؤال قرار گیرد». این ماجراها مقارن بود با بازگشت ناطق نوری از سفر مسکو که وی با شرکت در یک مصاحبه مطبوعاتی تبلیغاتی (!) در پاسخ به سؤال خبرنگار سلام گفت: «گفتگوی یک نماینده مجلس را در لندن باید از جریان‌های سیاسی دور کرد تا هیچ شبهه‌ای پیدا نشود. این موضوع مقداری رنگ سیاسی پیدا کرده است». از سوی دیگر در اردیبهشت ماه سال جاری خانم جلودارزاده - نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی - که به دعوت انجمن اسلامی دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد برای شرکت در یک جلسه پرسش و پاسخ به مشهد عزیمت نموده بود و در پاسخ به سؤالی پیرامون گفتگوی لاریجانی به نیک‌براون گفت: «دوستان من گمان نکنند که چنین مسائلی موجب خراب شدن یک گروه یا جناح سیاسی می‌شود بلکه چنین اقداماتی مایه خفت همه ماست و بنده هر وقت فکر مباحثه آقای لاریجانی به ذهنم خطور می‌کند عرق شرم بر پیشانی‌ام نقش می‌بندد». بعد از آن در کلیه جلسات پرسش و پاسخ در تمامی شهرها و دانشگاه‌ها سؤالات فراوانی در مورد این ماجرا مطرح می‌شد هفته‌نامه ارزش‌ها ارگان جمعیت دفاع از ارزش‌های اسلامی نیز که جزء اولین‌هایی بود که پرده از ماجرای این گفت و شنود برداشت از قول حاجت‌الله والمسلمین حسینیان نوشت: «لاریجانی خیال کرده سال ۱۳۲۰ است که سفارت انگلیس برای ما سفیر و وزیر تعیین کند. کیهان هم پس از مدت‌ها سکوت بالاخره برای آگاهی خوانندگان وارد گود شد و از جناح اکثریت پرسید «بالاخره موضع شما در برابر کسی که در گفتگو با مقامات انگلیسی مقدسات مردم را به بازی گرفت چیست؟» نشریه شلمچه ارگان انصار حزب‌الله تهران نیز به ناچار وارد معرکه شد و با طرح این سؤال که: «آقای لاریجانی آیا شما لیبرال هستید؟» گفتگویی را با وی ترتیب داد. عصر ما نیز بارها و بارها تشکل‌های همسو و جمعیت مؤتلفه را مورد سؤال قرار داد. عصر ما در یکی از شماره‌های خود به درج مطلبی پرداخت با عنوان «فصلی جدید و خطرناک در ارتباط با چهره‌های سیاسی با بیگانگان» که در آن مطلب رجایی خراسانی و لاریجانی را همسنگر و هم‌فکر لقب داد.

روزنامه سلام نیز در یکی از شماره‌های خود مطلبی را تحت عنوان «لیبرالیسم در لباس نو» از خانم صدیقه و سمعی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران به دست چاپ سپرده که اشاره‌ای داشت به بخشی از صحبت محمدجواد لاریجانی با نیک‌براون که در آن لاریجانی جناح خاتمی را تندرو و آقای صناعی را جزء مجمع روحانیون مبارز معرفی کرده بود. اما مهم‌ترین و مهلک‌ترین ضربه زمانی به اردشیر لاریجانی وارد آمد که وی در گفتگو با روزنامه ایران گفته بود: «بعد از فتوای تاریخی حضرت امام (ره) کشورهای اروپایی سفیران خود را فرا خواندند و برخورد سیاسی کردند. دولت در آن زمان از حضرت امام (ره) سؤال کردند که نحوه برخورد ما چه باشد؟ حضرت امام (ره) در پاسخ فرمودند: «من به عنوان طلبه نظر خودم را بیان کردم دولت باید مشی خودش را مبتنی بر محاسبات خودش ادامه بدهد. فردای آن روز مهندس میرحسین موسوی برای نخستین بار پس از هشت سال سکوت وارد صحنه سیاست شد و با ارسال نامه‌ای به روزنامه جمهوری اسلامی - که مدتی خود سردبیری آن را به عهده داشت - این سخن را بی‌اساس دانست و گفت: «امام (ره) نه تنها چنین مطلبی را به دولت نفرمودند بلکه توسط حاج احمد آقا به این جانب پیغام دادند که دولت موضع‌گیری کند». به زعم بسیاری از سیاستمداران این آخرین تیری بود که از ترکش جناح خط امام خارج شد و بازتاب این محرک چنان بود که طرفداران لاریجانی از مقام دفاع وی دست برداشتند و در مواردی به وی انتقاد نیز کردند. پیام امروز در شماره هیجدهم خود می‌نویسد: «ناطق نوری رئیس مجلس در چند باری که مورد پرسش قرار گرفت دیگر نه تنها دفاعی نکرد بلکه خود را کاملاً از لاریجانی جدا کرد. مرتضی نبوی نیز که تئوریسین جناح راست سنتی خوانده می‌شود و در ابتدای ماجرا در نطقی از رئیس خود در مرکز پژوهش‌ها به عنوان دانشمند متعهد و فرزانه (!) یاد کرده بود که علیه او توطئه چیده شده، این بار گفت که از نظر اعتقادی به متن گفتگوها ایراد وارد است و مهندس باهنر نیز اعلام کرد که «تشکل‌های همسو سخنگو ندارند و حرف‌هایی که زده می‌شود مواضع شخصی افراد است و سخنان محمدجواد لاریجانی در لندن را نیز می‌توان به همین گونه تعبیر کرد». و سرانجام انتخاباتی آزاد، سالم و میلیونی برگزار شد و اراده مردم پنجمن مجری کشور را در هفتمین دوره برگزید. بعد از انتخابات نیز مسئله لاریجانی فراموش نشد و خوانندگان سلام خواستار ادامه روند این ماجرا شدند. اولین بیانیه رسمی که خواستار محاکمه قضایی و رسیدگی به جرایم لاریجانی شده بود بیانیه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور بود که خواستار به جریان افتادن پرونده مذاکره محمدجواد لاریجانی با دیپلمات انگلیس شد. در ستون «الو سلام» روزنامه سلام، هر روز

می‌توان توهمات بسیار مردم را در مورد مسئله اردشیر لاریجانی مشاهده کرد. کیهان هوایی نیز در یکی از شماره‌های خود نوشت: «مذاکرات لاریجانی و نیک‌براون قابل بررسی است». همان طوری که اردشیر لاریجانی در تاریخ قبل از انتخابات در یک مصاحبه با روزنامه ایران بیان نموده بود به فاصله کوتاهی توانست پس از طرح شکایات علیه آقای دکتر نجفقلی حبیبی دبیر انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌های سراسر کشور در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۲۰ در یک دادگاه ویژه دکتر حبیبی و دکتر صدیقه و سمعی را به پای میز محاکمه بکشاند و آنان را محکوم کند.

روزنامه عصر ما در آخرین شماره خود - شماره ۷۱ با چاپ مقاله تحت عنوان «ضرورت به جریان افتادن پرونده مذاکرات لندن» پس از بیان لزوم روی کار آمدن پرونده این مذاکره می‌نویسد: «چرا در حالی که برای مثال شکایت یکی از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی علیه فردی موسوم به حسین‌الله کرم به خاطر انتساب تهمت الحاد به وی بیش از یک سال قبل تقدیم قوه قضائیه شده است و همراه این شکایت مدارک و اسناد کاملی نیز ارائه شده تا به حال هیچ اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است. اما شکایت آقای محمدجواد اردشیر لاریجانی به فاصله کوتاهی در یک دادگاه ویژه مستقر در دبیرخانه قوه قضائیه مورد بررسی قرار می‌گیرد و حکم آن نیز در فاصله دو روز مانده به انتخابات ریاست جمهوری اعلام می‌شود؟».

خانم دکتر و سمعی در متن دفاعیه‌اش که در تاریخ ۱۳۷۶/۴/۱۷ در نشریه «عصر ما» به چاپ رسیده بود پیش از هر چیز اظهار تعجب نمود که امروز به جای آقای لاریجانی، بر صندلی اتهام نشسته است.

لاریجانی در شکوائیه خود خانم و سمعی را متهم نموده بود که وی را به عنوان لیبرال، ضدیت با ولایت فقیه، وابستگی به اجانب و ضد انقلاب معرفی کرده است. دکتر و سمعی در دفاعیه خود با آوردن گوشه‌ای از مصاحبه لاریجانی از قول وی می‌نویسد: «من نه اشغال سفارت امریکا در تهران را تأیید می‌کنم و نه از اذیت و آزار دیپلمات‌های ایرانی در اروپا را. افرادی که از آقای خاتمی حمایت می‌کنند از اشغال سفارت در تهران حمایت نموده‌اند ولی افراد لیبرالی (!) مثل من آن را تأیید نمی‌کنند».

همچنین آورده است:

«لاریجانی به روزنامه‌نگاران گفت: فتوای آیت‌الله خمینی علیه سلمان رشدی دارای ارزش حقوقی نیست و او خود گفته است که این فتوی جز خود او را متعهد نمی‌کند».

خانم و سمعی در ذیل دفاعیه خود ریاست دادگاه را مورد سؤال قرار داد و گفت: آیا نمونه‌های فوق که بخشی از موضع‌گیری آقای لاریجانی است مصداق ضدیت با ولایت فقیه و حضرت امام (ره) نمی‌باشد؟ به هر حال این پرونده‌ای بود که قبل از آغاز تبلیغات انتخاباتی گشوده شد و می‌توان گفت در بسیاری موارد انتخابات را تحت الشعاع خود قرار داد و هنوز پس از گذشت قریب بیست و پنج روز از انتخابات جریان دارد.

- خط امام از کار لاریجانی خیلی ناراحتند!
- خوب حق دارند یکی از احکام ولایت فقیه در مورد سلمان رشدی زیر سؤال رفته.
- ای بابا دیروز که سروش اساس حکومت ولایتی را زیر سؤال می برد و نشریات هم کیش آقایان، ولایت فقیه را یک حکم فاشیستی می دانستند و همیمانان امروزشان ولایت را وکالتی کردند، اینها دم برنیاورند!
- خوب اینها که گفتی از خودشان هستند وگرنه می دیدی آنها را هم چگونه خائن می نامیدند.
- اینها ناراحتند که لاریجانی در خارج، این حرف ها را به انگلیسی ها زده.
- خوب. سروش مگه در آلمان توی آن جلسه مجرمانه این حرف ها را نزد؟ مگر در نوشته هایش نگفت چون انسان در غرب برتر بر ایدئولوژی است ولی در شرق ایدئولوژی برتر بر انسان است و این اشتباه است، به خاطر همین حکم قتل سلمان رشدی صادر شد!!
- سروش آدم علم است نه سیاست!
- خوب مگر مهاجرانی آدم سیاست نبود بطور محاکمه اش نکردن؟ وقتی رابطه مستقیم با امریکا را مطرح کرد.
- ببینم آقایان وقتی نماینده شیراز در مجلس امام و شاه را با هم مقایسه کرد و گفت: که من نه از شاه می ترسیدم نه از امام، پس چرا او موقع ساکت بودند؟ خوب لابد چون نزدیک انتخابات نبود.
- اصلاً ببینم دیروز که نماینده مجلس گفت: تاکی از منافع ملی خرج ارزش ها کنیم، این آقایان کجا بودند؟
- لابد داشتند ارزش ها را خرج منافع شخصی می کردند.
- گفتی اینها با زیر سؤال رفتن اشغال لانه جاسوسی خیلی ناراحت می شوند؟
- پس چطور وقتی سحابی در جشنواره مطبوعات گفت: برکار دانشجویان (پیرو خط امام) عقلانیت حاکم نبوده، آقایان اعتراض نکردن؟ چون احتیاج داشتند که سحابی از کاندیدای اونا برای ریاست جمهوری حمایت کند!
- اینها یادوری بی برای مردم مخالفتند، لاریجانی اگه بیادورک و راست بگه من لیبرالم، ولایت را قبول ندارم، اون وقت بهتره تا بیره خارج برای دشمنان بگه.
- خوب اگه روراستی خوبه پس چطور این آقایان در دوره امام مدافع سرسخت «ولایت مطلقه فقیه» بودند و جوان های مردم را در مقابل اسلام امریکایی ها! قرار می دادند ولی بعدش گفتند ما اون وقت هم ولایت مطلقه را نپذیرفته بودیم فقط چون امام بود چیزی نمی گفتیم یا گفتند: به حضرت عباس ما ذوب در ولایت امام هم نبودیم یا گفتند همه مواضع امام را نمی پسندیم!؟
- خوب تو چقدر عوامی، چون اون موقع نون توی این حرف ها بود.
- یعنی می خواهی بگی اینا به امام هم دروغ می گفتند!؟
- ای راستی، بازاری، اسلام امریکایی، از این حرف ها نزن!!
- بابا حرف حساب اینا این هستش که نباید خدمات دولت و سردار سازندگی زیر سؤال برود آن هم در خارج و پیش روی دشمن.
- راستی روزنامه سلام سه سال پیش رو نخوندی؟ سبب زمینی به قرون گرون می شده تو مان تو سر دولت خدمتگزار می زدن!؟
- بالاخره لاریجانی این حرف ها رو زده یا نه؟
- مگه فرقی هم می کنه وقتی قراره با همه اشتباهات مسئولان معامله سیاسی و جناحی بشه این یکی هم روش، یعنی این که ما در برابر هزاران تخلف شهرداری و ... ساکت باشیم چون هم پیمان ماست یا این که گروکشی کنیم و بگیریم در مورد بنیاد جانبازان اگر تحقیق کنید ما از مخابرات تحقیق و تفحص می کنیم یا این که ...
- پس قبول داری که لاریجانی هم اگر این حرف ها را زده باشد مقصر اصلی همین آقایان هستند!
- یعنی اگر در موارد مشابه با این حرف ها برخورد شده بود، مثل این آدم توی بوق می رفتند و به حق و ناحق رسوای عالم می شدند هیچ وقت لاریجانی و جرأت مذاکره این چنینی پیش نمی آمد.
- این آقایان شاکی هستند که چرا با او مصاحبه شده.
- خوب ما به حلقوم و قلم تبعیض آمیز آقایان نمی توانیم اعتماد کنیم تاکی ما واقعیت ها یا مسائل را حتماً باید از زبان اینها بشنویم. مخاطب نشریه ما می خواهد حقیقت را بداند وقتی دیده شده که در موارد مشابه این آقایان معترض، در برابر تخلفات و اراجیف دیگران سکوت کرده یا حتی مدافع شده اند چگونه به آنها اطمینان کند!!
- اصلاً لاریجانی می گه من این حرف ها را نگفتم.
- گفتیم که فرق نمی کنه گفته باشه یا نگفته باشه، وقتی معامله با ارزش ها، بین سیاسیون ما عرف شده چه فرق می کنه که لاریجانی این حرف را زده باشد یا مهاجرانی، شعله سعدی، بهزاد نبوی، سروش یا کرباسچی و نوربخش یا آقای کروی...  
یا حالا سلام گفته باشد یا رسالت؟

مصاحبه با دکتر لاریجانی

منبع: هفته نامه شلمچه

تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۱۵

نویسنده: —

شلمچه: اخیراً شایعه شده که کار آن قدر بالا گرفته که از دفتر مقام معظم رهبری شما را از رفتن به مسکو به همراه آقای ناطق نوری منع کرده‌اند. حتی بالاتر از این هم شنیده شده گویا می‌خواهند شما را از مسئولیت‌هایی که دارید عزل کنند. آیا این اخبار را تأیید می‌کنید؟

لاریجانی: البته آنچه که مقام معظم رهبری بفرمایند روی چشم من است ایشان مولای من است و من سرباز او هستم. او چه مرا تشر بزند برای من ذخیره‌ای است چه مرا مورد تشویق قرار بدهد، من خود را به عنوان سرباز مقام رهبری می‌دانم و مولای خودم را برای تمجید از خودم نمی‌دانم، مولای من آنچه را که مصلحت است می‌کند، چه بخواهد مرا تشویق یا توبیخ کند. اما آنچه را که شما فرمودید خیر سفر به مسکو این خیر تکدیب می‌شود. من نمی‌توانم برای دفتر مقام معظم رهبری صحبت کنم من می‌خواهم بگویم بهتر است دوستان ما در رقابت سیاسی جو شایعه را کنار بگذارند.

بباید سر اصل مطلب، این هدیه الهی است که مشارکت سیاسی مردم باشد. هدیه الهی این بوده است که مردم بتوانند رأی بدهند و رئیس جمهورشان را انتخاب کنند. ما بیایم شکر این نعمت را به جا بیاوریم. شکر این نعمت این است که رقابت سیاسی را مثبت کنیم. ما چینی فکر می‌کردیم! برنامه‌ها مان چیست؟ ما که هستیم سابقه‌مان چیست؟ این که بیایم طرف مقابل را خراب کنیم، کفران نعمت است. من معتقد هستم که این راه کفران نعمت راه را باز می‌کند که دشمنان ما جو را متشنج کنند. بیایند شایعه‌سازی کنند و اذهان مردم را خراب کنند. هیچ‌کدام از اینها به نفع نظام نیست. البته من دلی پر از امید دارم. خداوند متعال این نظام را تا امروز حفظ کرده به برکت خون شهیدان و به برکت جانبازی‌هایی که برای نظام شد. ان‌شاءالله، باز هم حفظ خواهد کرد تا وقتی که سایه ولایت هست این نظام مورد عنایت الهی خواهد بود.

شلمچه: بحث سفارت امریکا (لانه جاسوسی امریکا) در این نامه مطرح شده؛ در اینجا آمده است شما و همفکران شما مخالف تصرف سفارت امریکا بودید، شما گفتید این مخالف بودم، حتی این جمله را گفتید که «من به عنوان یک لیبرال مخالف بودم» با این حساب دو سؤال هست: شما مشخص کنید که لیبرال هستید یا نه؟

چون واقعاً مردم به دنبال مصداق لیبرال‌ها هستند. حالا اگر یکی مستقیماً شجاعتش را داشت و گفت لیبرال هستم، ما خیلی خوشحال می‌شویم که مردم دیگر به او رأی ندهند. گفته شده شما ظاهراً جای دیگری گفتید من لیبرال هستم، تکلیف ما را مشخص کنید که لیبرال هستید یا نیستید؟

لاریجانی: من می‌توانم بگویم که این متن اتفاقاً بعضی از قراین موجود را دارد که با نوعی سفارش تهیه شده.

در انتخابات دوره پنجم این را آقای بهزاد نبوی مطرح کرد که در این کشور لیبرال وجود دارد و لاریجانی است و در یک مصاحبه‌ای گفته که من لیبرال هستم. اینها این جمله «من لیبرال هستم» را ظاهراً احتیاج داشتند. در این متنی که اینجا می‌بینید که مجعول هست اینجا هم می‌بینید که پیدا می‌شود.

ظاهراً این جمله مورد نیازی هست که بسیار آن را به کار می‌برند. من پاسخ سؤال‌های شما را صریح و روشن می‌دهم، آنچه که در مذاکره بود دقیقاً این است، من به آنها در مورد حمله به سفارتخانه‌ها گفتم: کارنامه جمهوری اسلامی بسیار روشن است، در حالی که کارنامه غربی‌ها بسیار خراب، این همه به سفارت‌ها و کنسولگری‌های ما حمله کرده‌اند. او در جوابش گفت: شما در ایران به سفارت امریکا حمله کردید.

گفتم: اشغال لانه جاسوسی کار مردم است، مردم سیاست‌های غلط امریکا و دشمنی امریکا را دیدند و به خشم آمدند و این قلیان خشم مردم است. البته سفارتخانه‌هایی که در چارچوب قوانین بین‌المللی کار کنند تحت حمایت دولت هستند. هر کسی ویزا می‌گیرد و وارد کشور ما می‌شود اگر در تابلوی مقررات مربوط کار کند در دارالسلام و دارالامن است مگر این که خلاف آن را عمل کند.

لانه جاسوسی امریکا سفارتخانه نبود بلکه مرکز توطئه علیه نظام بود. هیچ وقت در کنوانسیون‌های بین‌المللی اجازه چنین کاری را نمی‌دهند. دیپلمات کسی نیست که خلاف مقررات را انجام دهد دیپلمات بودن مقرراتی دارد. چه دیپلمات‌های ما در دنیا رعایت می‌کنند و چه دیپلمات‌های کشورهای دیگر در ایران و هر که خلاف آن را بکند با آن برخورد می‌کنیم. البته اگر خلاف هم نکند مورد حمایت ماست. هیچ‌کس نمی‌تواند به آنها دست بزند. نظام ما از آنها پشتیبانی می‌کند. برای او توضیح دادم که وقتی لانه جاسوسی توسط مردم (من تأکید دارم روی نقش مردم اینجا) تسخیر شد دولت ما نهایت سعی را کرد این قضیه به نحو احسن خاتمه پیدا کند.

شلمچه: امام در جایگاه رهبریت نظام از این موضوع دفاع کرده بود، در اشغال لانه جاسوسی ...

لاریجانی: من درباره اشغال لانه جاسوسی در هیچ جا از صحبت‌های حضرت امام (ره) ندیدم که امام بگوید کار دولت است.

شلمچه: ایشان به عنوان رهبر نظام آن موقع از این کار دفاع کردند یا نه؟

لاریجانی: علت دارد. مقام معظم رهبری، ولایت عظمی بر شئون مملکت دارد. آن چیزی که مهم است این است که آیا در زمان حضرت امام (ره) لانه جاسوسی توسط دستور دولت تسخیر شده یا نه؟ من به طور صریح می‌دانم که کار مردم بود و حضرت امام کار مردم را حمایت کردند، نه کار

یک دولت را، انجام حقیقت این کار توسط مردم بود و دولت این کار را نکرد.

شلمچه: موقعیت سیاسی شما آن موقع چه بود؟

لاریجانی: من در آن زمان عضو اصلی شورای سرپرستی صدا و سیما بودم.

شلمچه: موضع گیری رسمی داشتید؟

لاریجانی: موضع گیری های متعددی داشتم.

شلمچه: درباره اشغال سفارت چه موضعی گرفتید؟

لاریجانی: موضع گیری ما این بود که دولت امریکا به جای این که سال های زیادی که به ما ظلم کرده بیاید جبران کند، آمده و مرکز سفارت خودش را مرکز توطئه قرار داده است. این حق مسلم ملت است که بر علیه این اقدام قیام کنند.

شلمچه: پس آن موقع شما حمایت کردید؟

لاریجانی: مسلم حرکت مردم مورد حمایت همه مردم بود. شما نمی توانید سراغ داشته باشید یک آدم دلسوز و علاقمند به این ملت را در آن زمان که از این کار ناراحت شده باشد. مردم وقتی کارهای امریکا را می دیدند از دلشان خون می چکید. امریکا جنایت می کرد.

در مورد لیبرال بودن، این کاری که دوستان می کنند خیلی ناشیانه عمل می کنند به خاطر این که من اشاره کردم ۱۲ سال پیش، این کتاب و مقالاتی در استراتژی ملی را نوشتم یک فصل آن در رد فکر لیبرال در باب حکومت و نقد فکر نهضت آزادی هست که چرا نهضت آزادی فکرش باطل است. در باب حکومت بعد از آن دو سه کتاب، نظم بازی گونه، کتاب حکومت، کتاب کاوش های نظری در سیاست خارجی، من به تفصیل این نظریه لیبرالیسم را نقدش کردم. در کتاب نقد دینداری و مدرنیسم تقریباً یک محور ثابت هر سه کتاب این است. این سوء استفاده ای که اینها می کنند از خود کلمه لیبرال این است که در بیان ایده های خودم راجع به ساختارهای مختلف اقتصادی لیبرالیسم بحثی است راجع به ساختار سیاسی. من در یک مصاحبه ای وقتی توضیح می دادم که من در ساختار سیاسی معتقد به نظام ولایت فقیه هستم، نظام ولایت فقیه، بعد همین جور آمدیم به ساختار اقتصادی. گفتم من معتقد نیستم که کارها باید دولتی باشد کارها باید آزادانه و لیبرال باشد و مردم باید در آن مشارکت داشته باشند. کلمه لیبرال در این قسمت که به کار رفته به معنای این که ما زمینه را برای مردم باز بگذاریم تا مردم مشارکت کنند، این غیر از مشی لیبرالی است که در مبنای سیاسی و اعتقادی است. بعضی از رنده های سیاسی آمدند این کلمه را از آنجا گرفتند و گفتند پس خودت گفتی من لیبرال هستم. من اعتقاد دارم این روش اسلامی نیست. ولی کسی راجع به لیبرالیسم این همه نوشته و نظراتش را به فارسی و انگلیسی و حتی زبان عربی پخش شده لیبرال است؟ من نقد لیبرالیسم کردم راجع به او اگر بخواهیم و بگویم که او لیبرال است یا نه نمی توانی یک جمله ای را خارج از موضوع در بیاوری، این که من طرفدار این هستم که دولت باید کوچک باشد و مردم زمینه رشد باید داشته باشند. این نظر را من دارم ممکن است بعضی ها بیایند همین نقد را کنند بیایند بگویند آقای لاریجانی دولت بهتر است در امور تصدی داشته باشد. دیگر سوء استفاده از کلمه لیبرال به نظرم یک کار سیاسی و خائنانه به مردم است. یعنی می خواهند سر مردم کلاه بگذارند.

شلمچه: آیا به نظر شما یک جریان می تواند بگوید که من در فرهنگ رادیکال هستم و در سیاست میانه رو و در اقتصاد لیبرال؟! یا این که می تواند در فرهنگ لیبرال عمل کند و در اقتصاد بگوید ما رادیکالیسم و در سیاست میانه رو؟

لاریجانی: اگر دقیق باشی من می توانم پاسخ رسمی و دقیقی به شما بدهم ما اگر محور را فکر اسلامی بگذاریم، هم بارادیکالیسم به معنای دقیق کلمه فاصله دارد، هم به اصطلاح با راستگرایی فاصله دارد، هم با چیزی که اسمش را می گذارند لیبرال. البته اعتدال به معنای دقیق این کلمه از فضایل اخلاقی است. ما در اسلام صفت اعتدال را به عنوان یکی از فضایل قبول داریم. احداث بسیار زیادی داریم در قرآن، مفهوم قسط و مفهوم قصد بر همین معنایی اعتدال است. همانا معنا از اعتدال این است. من می خواهم بگویم اسلام دین میانه روی به معنای اسلامی است اما نه به معنایی که غربی ها به کار می برند. بنابراین بهترین چیز این است که خودمان را بر محور مفاهیم اسلامی تنظیم کنیم. اما اگر بخواهیم از این خارج شویم، اصلاً محور مفاهیم اسلامی را بگذاریم کنار و درباره محور مفاهیم غربی بحث کنیم، به نظر من امکان ندارد کسی مدعی لیبرالیسم فرهنگی باشد و مدعی رادیکالیسم اقتصادی باشد.

شلمچه: این که شما می فرمایید معتقد به عدم تمرکز در بخش دولتی هستید یعنی همین تعریفی که می کنند و می گویند سرمایه داری سنتی. شما قائل به سرمایه داری سنتی هستید؟

لاریجانی: سرمایه دار سنتی عمدتاً در بخش تجاری بازار است.

اگر مقصود این باشد جوابش منسلمانه است. تجارت فی نفسه کار خوبی است. کشور ایران ۳۰۰۰ سال سابقه تجارت دارد. تجارت در قدیم خیلی پیشرفته تر از الان بوده. الان تجارت، واردات است. در قدیم تجارت بین المللی می شده یعنی تجارت ایرانی اینجا که سعدی علیه رحمه برای ما نقل می کند جزیره کیش محل تجارت بین المللی بوده. سعدی در گلستان می گوید تجار از زنگبار بار می گرفتند و می آمدند و می رفتند چین و از چین جنس می گرفتند و می آوردند به هند و عوارضش به ایران می رسید. تجار ایرانی این جور بودند. لذا وقتی شما به چین می روید می بینید که اولین مسجدی که در چین تأسیس شد در سال نودم هجری است. نود سال بعد از هجرت اولین تجار ایرانی رفتند آنجا مسجد ساختند و هنوز اسلام در ایران مستقر نشده بود. ولی عده ای از ایرانی ها مسلمان شده بودند. اینها در آنجا مسجد ساختند. سنگ روی مسجد به فارسی است. حتی وضوخانه دارد به جای محل وضو روی سنگ نوشته وضوخانه، آنهایی که زنگ هستند در امور تجارت باید مثل قدیم

ایران، باید از زنگبار ببرند. چین، از چین بگیرند ببرند هندوستان و به نفع ملت ما باشد البته یک شعبه از کار اقتصادی بسیار خوب است اما من معتقد نیستم تنها این کار باشد. کار صنعتی و کار تولیدی چه در زمینه کشاورزی و چه در زمینه صنعت جاهای بسیار مهمی است که ما باید میدان را برای مردم باز کنیم، بسیار کار مهمی است. دولتی بودن ممکن است در زمان‌هایی ضروری باشد، تا یک مدتی هم لازم باشد اما مسلم باید کار به دست مردم باشد.

دولت هر چقدر بزرگ‌تر باشد فسادش بیشتر، تنبلیش بیشتر و آفتش بیشتر است. شلمچه: این که می‌گویید کارشناسان نظمه در آن جلسه حضور داشتند و متن مذاکرات را تهیه می‌کردند آیا در اعلام نظرات با شما مشارکت داشتید؟

لاریجانی: گاهی در بعضی مسائل مشورت می‌کردیم، در مذاکرات رسمی رسم است که رئیس مذاکره کننده گاهی با کارشناسان خودش هم مشورت می‌کند اما طبیعی است مواضع ما خودم است و من مسئول بیان مطالب هستم آنها یادداشت می‌کردند.

شلمچه: شما مسئول بیان مواضع خودتان هستید این برای روزی است که وزارت امور خارجه مطالب شما را پخش کند. آن وقت شما به عنوان آقای لاریجانی این بحث را کردید یا به عنوان نماینده مردم این موضع را گرفتید یا به عنوان یک نماینده سیاسی یک جناح این حرف را زدید؟

لاریجانی: به طور صریح من به عنوان شخص لاریجانی صحبت کردم. اگر من هیچ سمتی نداشته باشم چون در دنیا من را می‌شناسند با من مصاحبه می‌کنند. گاهی ممکن است مطلبی را هم به ایران از طریق من انتقال بدهند. این در دنیا متداول است. ما هم گاهی پیغامی را به کشوری می‌دهیم گاهی از افرادی که سمتی هم ندارند استفاده می‌کنیم بنابراین آنچه که من گفتم به عنوان شخص لاریجانی قطع نظر از هیچ کدام از سیاست‌هایی را که من دارم، البته این که چرا غربی‌ها پیام را از طریق من به نظام دادند این مسئله خود آنهاست.

شلمچه: یعنی شما در یک مذاکره رسمی رفتید شرکت کردید و آنجا حرف‌های شخصی خودتان را مطرح کردید ما این گونه برداشت کنیم؟! لاریجانی: آن گونه که من گفتم در آن مذاکره بخشی پیام است که به نظام است و بخشی اظهار نظر خودم است طبیعی است که نظر خودم را بیان کردم آن قسمت که در مورد نظام است عموماً نظام منتقل می‌کند و آن قسمت که اظهار نظر خودم است همه‌اش اظهار نظر خود منظور می‌شد. البته آنچه که اظهار نظر خودم است من معتقدم اظهار نظر من و نظام فاصله‌ای ندارد.

شلمچه: شما می‌گویید لیبرال نیستید و آقایان هم می‌گویند. یکی از مسئولان جریانات سیاسی سخنرانی کرده‌اند و گفته‌اند که لیبرال‌ها فقط جبهه ملی هستند و نهضت آزادی مصداق لیبرال در جهت سیاسی مملکت ما وجود دارد یا نه به نظر شما چگونه است؟

لاریجانی: به نظر من بسیار جدی وجود دارد. اگر وجود نداشت مقام معظم رهبری با این قاطعیت وارد میدان نمی‌شد. اولین محک برای شناخت لیبرال‌هاست، سؤال باید بکنیم که شما اساس مشروعیت حکومت را بر چه می‌دانید؟

اگر آنها گفتند اساس مشروعیت بر هر چیز غیر از ولایت فقیه است این فرد آدم لیبرالی است یا دارای فکر سیاسی نادرست است. عدالت در فکر اسلامی ما اصل است. می‌خواهم بگویم خیلی ساده است شاید برسید مشروعیت حکومت به چه هست؟ چه حکومتی مشروع است؟ اگر ملاکشان ولایت فقیه بود این بالیبرالیسم همانگی ندارد. اگر ملاکشان این بود که مشروعیت می‌تواند جعلی باشد؟ مثل «قرارداد اجتماعی» این اولین شاخص‌های لیبرالی است. دومین شاخص لیبرالی که با هم خونی دارد مثل نسبی‌گرایی است. اگر کسی گفت که ما حق نداریم شما هر که به دین خود پنج تا مطلب گفت پنج تا مطلب کنار هم، همه باید مساوی هم در جامعه پخش بشویم. یکی گفت این کار بد است یا این کار خوب است. مساوی همدیگر هستند. اخلاق اصیل نداریم درست و غلط نداریم. به نظر من این آدم لیبرال است.

شلمچه در اقتصاد چی؟

لاریجانی: آن هم مثل همین است.

تفکر لیبرال هم می‌تواند سوسیالیسم باشد هم می‌تواند سرمایه‌دار، در غرب هر دو تایش وجود دارد. بنابراین تفکر لیبرال می‌تواند نسخه‌اش اقتصاد دولتی باشد.

شلمچه: شما گفتید اقتصاد متمرکز را قبول ندارید؟

لاریجانی: بله

شلمچه: اقتصاد بازار آزاد را مشخصاً لیبرالیسم دانستید و به آن هم قائل نیستید؟

لاریجانی: اقتصاد بازار به معنای متداول غربی‌اش را حتماً با آن موافق نیستم.

من معتقدم اگر بر مبنای فکر اسلامی جلو برویم در همین مسئله برنامه‌های توسعه ما در برنامه‌های توسعه در برنامه دوم نظر مقام رهبری آمده که عدالت اجتماعی باید مبنای باشد؛ یعنی شما که به سمت حالت توسعه یافتگی می‌خواهید حرکت کنید باید عدالت اجتماعی فراموش نشود. خوب حالا عدالت اجتماعی را بیاییم در شاخص‌های اصلی پیاده کنیم، شعار که به درد نمی‌خورد عدالت اجتماعی در بخش درآمد، در توزیع درآمد، در نرخ تورم و در چیزهای دیگر، خود اینها را اگر ما محک قرار دهیم به نظر من نرخ رشد ما را می‌تواند تعیین کند. من می‌خواهم بگویم اگر ما واقعاً وارد کار بشویم چرا عدالت اجتماعی باید مطرح بشود، این مبنای فکری هم دارد. من معتقد نیستم مقام معظم رهبری صرفاً فرمودند عدالت اجتماعی زیربنای فکری است، لذا من معتقد هستم ما شرح را محور قرار دهیم. مطابق فکر اسلامی، اقتصاد صد در صد دولتی به نظرم این اصل اسلامی نیست. اقتصاد بازار آزاد که در آن بسیاری از افراد جامعه له می‌شدند و در عوض نرخ رشد در جامعه بالا می‌رود، سرآمد قطع نظر از

توزیع درآمد بالا می‌رود. به نظر من این هم نیست. ما نسبت به فقر ایمان مسئول هستیم و نسبت به ضعیفان مسئول هستیم. عدالت اجتماعی یعنی همین. ما به شرع توکل کنیم با راهنمایی شرع جلو برویم ان شاء الله.

به آن ساختاری که مرز شرع است می‌رسیم. این که مدل جدید باشیم عیبی نیست من دیدم که بعضی‌ها در مذاکراتشان در بعضی میزگردها می‌گویند آقا شما بگویید شما کدام مدل را دارید قطعاً بگویید که هیچ کدام از این مدل‌ها را نداریم ما یک تمدن جدید داریم زمینه‌سازی می‌کنیم. این تمدن همه چیزش جدید است مگر مدل ولایت مطابق مارکسیستی یا مطابق سرمایه‌داری یا بازار آزاد است، هیچ کدام. مدل ولایت مستقیم اسلامی مبنای جدید است. امر به معروف و نهی از منکر غیر از توراتس غربی است و غیر از اختناق شرقی است. خیر اصلاً یک مبنای جدید است از ارتباطات جدید. یک فردی می‌تواند جلوی خلیفه بایستد و او را به حق دعوت کند یعنی می‌خواهم بگویم که ما دنبال مدل جدید هستیم اتفاقاً باید دنبالش باشیم ان شاء الله مدل جدید اسلامی به وجود می‌آید.

شلمچه: آخرین بحثی که داریم این است که ما به عنوان مردم بعضی وقت‌ها یک سری حرف‌های سیاسی که از سیاسیون (مثل شماعو ...) می‌شنویم، بعضی وقت‌ها معنی الفاظ را گم می‌کنیم مثل استکبار و ...

ما صحبت‌های مقام معظم رهبری را در عید گوش می‌کنیم که ۱۸ سال است که می‌گوییم مرگ بر امریکا و اگر ۱۸۰ سال دیگر هم امریکا استکبار داشته باشد باز هم می‌گوییم مرگ بر امریکا ولی در بعضی وقت‌ها توی این قضیه طوزی رفتار می‌کنیم که با امریکا دشمنیم به خاطر سود انبار کردن پول‌هایمان. اولاً در رابطه با مسئله امریکا نظر شما چیست؟

شما امیدوار هستید مثلاً مادر دولت آینده بیایم با امریکا رابطه برقرار کنیم!!؟

لاریجانی: دولت آینده هر کس که باشد هر جناحی، سیاست خارجی اش مثل چارچوب دیگر سیاست‌ها در چارچوب مقام معظم رهبری باشد. هیچ دولتی نمی‌تواند در جمهوری اسلامی بیرون از این چارچوب‌ها کار کند. نکته دوم در مورد امریکا؛ مقام معظم رهبری نظر بسیار صریحی دارد. بعضی‌ها فکر می‌کنند این یک نظریه شعاری است. بنده معتقدم بسیار نظر مستدلی است بسیار استقلالی و قوی. نظر آقا عمده‌تاً بر این حرکت است که ببینید امریکا رفتارش در دنیا چه جور است مشککش با ما در کجاست!!؟ اگر ما این دوتا را بفهمیم ما در رفتار با دنیا دنبال چه هستیم و چرا امریکا هیتلر هم می‌خواست دنیا را بگیرد. در دنیا داعیه جهان‌گشایی دارد این در تاریخ اولین بار نیست در تاریخ بوده است. فرعون می‌خواست دنیا را بگیرد، چنگیز می‌خواست دنیا را بگیرد، هیتلر می‌خواست دنیا را بگیرد، ناپلئون می‌خواست دنیا را بگیرد. جهان‌گشایی یک مرض است که ویژگی خودکامگان تاریخ است و قابل بررسی هم هست. بزرگان این را بررسی کرده‌اند. بنابراین ما با کشوری روبه‌رو هستیم که مبنای سیاستش جهان‌گشایی است. شما الان اعلام مواضع و اصول استراتژیک امریکا را نگاه کنید. هر سال که رئیس جمهور امریکا می‌آید به کنگره اعلام می‌کند اولین اصل سیاست خارجی در امریکا رهبری دنیا می‌باشد خوب چه کسی به شما اعلام کرده که رهبر دنیا بشوید؟ چه دارید که رهبر دنیا بشوید؟ خودکامگی استکبار یعنی همین یعنی یک حکومتی که احساس کند می‌خواهد حاکم دنیا شود.

ما دقیقاً این را قبول نداریم یعنی ما معتقد هستیم که سلطه را نباید پذیرفت ایران پرچمدار این حرف است. ثابت کردیم که می‌شود چون در دوره‌ای می‌گفتند آقا حرف شما حق است ولی نمی‌توانید. ما ثابت کردیم ما معتقدیم همه ملل باید آزاد باشند مسلمین در درجه اول و خودمان در رأس آنها. نکته آخر من این است که فحوه برخورد دولت جمهوری اسلامی با امریکا و نحوه موضع‌گیری دیپلمات‌های ما اینها البته تابع اقتضای خودش می‌تواند باشد یعنی شما نباید انتظار داشته باشید آن بیانی که رهبر دارند کارشناسان وزارت خارجه در مذاکرات همان را داشته باشند. این اتفاقاً از نظر من کاردرستی نیست. می‌خواهم بگویم اقتضا در کار دیپلماتی ما این است. البته نظامی که مبتنی بر ولایت است ولی چراغ دارد راهدار جلو می‌رود و نمی‌گذارد مردم ذهنشان مشوش بشود من می‌خواهم بگویم که این انتظار کاری را باید ملت ما بدانند. گاه ممکن است وزیر خارجه ما ببینیم به یک فردی لبخند بزند یا این که گرم دست یکدیگر را گرفته‌اند این دلیل نمی‌شود که ما بگوییم وزیر خارجه معتقد هستند و تمام مشکلاتشان با آن حل شده، نه این جور نیست وزیر خارجه ما مثل بقیه نظام همان نظر نظام را دارد، می‌داند دوست کیست و دشمن کیست اقتضای کارش همین است. من این چیزهایی را که گفتم فکر می‌کردم ما جو انتخابات را بگذاریم توی رقابت مثبت. من تأسف می‌خورم که شکرانه نعمت انتخابات را با پخش شایعات و تخریب و اینها که شاهد هستند بعضی‌ها انجام می‌دهند ولی ان شاء الله تصحیح می‌کنند. این مطالبی را که برای شما گفتن احساس کردم که برادران ما در جریان این مسائل باشند.

با تشکر از سؤالات صریح شما و از مطالبی که شما بیان کردید از شما تشکر می‌کنم و برایتان آرزوی توفیق دارم.

شلمچه: با تشکر و امید آن که ان شاء الله، روزی متن اصلی این مذاکرات افشا شود و اگر شما در بیان مواضع نظام مرتکب این اشتباه بزرگ شده‌اید مردم تکلیف‌شان را با شما بدانند و اگر سایرین این متن به قول شما جعلی را منتشر کرده‌اند مورد بازخواست مردم و امت حزب الله قرار گیرند.

موضوع گیری رئیس قوه مقننه

منبع: هفته نامه شما

تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۱۱

نوع مطلب: خبر

نویسنده: —

آقای ناطق نوری در مورد مذاکره آقای لاریجانی با یک مقام وزارت خارجه انگلیس در لندن گفت آقای لاریجانی نه از طرف مجلس و نه از طرف بنده مأموریت داشته است و خودش هم مدعی است که پاسخ دارم که چه گفتم. وی افزود: خلاصه مذاکره با مشروح آن متفاوت است من هر دو نسخه را خواندم بنده به متن مشروح مذاکرات هم انتقاد داشتم وی مسئول کار خودش می باشد.

محکومیت دکتر نجفقلی حبیبی و خانم صدیقه و سمنی

منبع: هفته نامه شما

تاریخ: ۱۳۷۶/۳/۸

نوع مطلب: خبر

نویسنده: —

دادگاه عمومی ویژه تهران آقای دکتر نجفقلی حبیبی و خانم صدیقه و سمنی را به خاطر اهانت و هتک حرمت و نشر اکاذیب نسبت به آقای دکتر محمد جواد لاریجانی مجرم شناخت. رئیس دادگاه هر یک از این افراد را در خصوص اهانت و هتک حرمت با رعایت بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به یک میلیون ریال جزای نقدی و در خصوص نشر اکاذیب به دو ماه حبس تعزیری محکوم کرد.

انتقاد «حسین الله كرم» از مذاكرات لندن

منبع: ماهنامه صبح

تاریخ: ۱۳۷۶/۳/

نوع مطلب: خبر

نویسنده: —

حاج حسین الله كرم با محكوم نمودن حرکت محمد جواد لاریجانی در ملاقات با یکی از مسئولان وزارت خارجه انگلیس و به ویژه سخنان وی درباره تسخیر لانه جاسوسی و ماجرای رشدی مرتد گفت: «حزب الله از این که کسانی با ناجوانمردی، از پشت به امام خنجر زده و با اعلام پزیرال بودن، صحت حرکتی را که به تعبیر امام انقلاب دوم ملت ما بوده است، زیر سؤال می برد، به شدت خشمگین است و برایش هیچ فرقی ندارد که تفکرات لیبرالی که در مقابل آقا مطرح می شود از سوی چه فرد یا جناحی است. دانشجوی سیاسی حزب الله مسلماً به این حرکت و نظایر آن اعتراض داشته و هشدار می دهد اما متأسفانه نکته ای که حتماً باید قید شود این که بسیاری از تشکل های دانشجویی موجود با توجه به منافع برخی جناح ها و خط های سیاسی بیرون از دانشگاه موضع می گیرند. ندای مظلومانه حزب اللهی ها آن روزی که سر و ش در جلسه ای با دیپلمات های آلمان در پشت درهای بسته به تبادل نظر و ارائه راهکار به آلمانی ها مشغول بود و نسبت به شخص وی تردید امنیتی وجود داشت به دلیل حمایت جناحی خاص، غریب ماند.

## ۱- مقدمه

آقای محمد جواد لاریجانی، نماینده مجلس شورای اسلامی، علی‌رغم مشغله فراوان «برای کمک به معالجه یکی از افراد خانواده»<sup>۱</sup> سفری طولانی به لندن داشتند. با توجه به این که ایشان نایب رئیس کمیسیون روابط خارجی مجلس، هستند، سفر مزبور منشأ برخی از شایعات گردید. نامبرده «هنگامی که از محل سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن عازم فرودگاه برای بازگشت به میهن عزیز بود ... جمعی از رسانه‌های غربی از طریق سفارت، تقاضای گفتگوی کوتاهی درباره مسائل ایران، به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی کردند ...»<sup>۲</sup>

آقای لاریجانی در این مصاحبه «تلویحاً» از دولت کنونی انتقاد و ساختار دولت ایران را آماس کرده و ناشایست خوانده و از جمله کوتاهی‌های دولت را عدم اتخاذ یک سیاست پولی محکم، جدی نگرفتن استقلال بانک مرکزی و در اولویت قرار ندادن فرایند خصوصی سازی عنوان کرد و افزود «اگر جناح دلخواه ایشان در انتخابات آینده پیروز شود، دولت آینده ایران اقتصاد کشور را جانی تازه خواهد بخشید، سیاست پولی محکمی را اجرا خواهد کرد، بر بانک‌ها نظم حاکم خواهد شد، امنیت سرمایه را خواهد افزود، بخش خصوصی را تقویت خواهد کرد، دولت را از تصدی در امور مالی اقتصاد باز داشته و ابعاد آن را کوچک خواهد کرد»<sup>۳</sup>.

در پی این مصاحبه روزنامه همشهری انتقاد به دولت «آن هم در سطحی کاملاً بین‌المللی»<sup>۴</sup> و رها کردن «این همه رسانه داخلی- و در رأس آنها صدا و سیما»<sup>۵</sup> و متوسل شدن به رسانه‌های خارجی برای انتقاد از آقای هاشمی را مورد نقد و اعتراض قرار داد.

روزنامه جمهوری اسلامی نیز در عکس‌العمل نسبت به مصاحبه مزبور طی سرمقاله‌ای تحت عنوان «نقطه آغاز سقوط»<sup>۶</sup> ضمن انتقاد به «طرح گلایه در سرزمین دشمن» و «اظهارات و مرادفات مشکوک و غیراصولی» به حق اعلام کرد: «این نقطه شروع بسیار خطرناکی است که برخی تصور کنند کاندیدای ریاست جمهوری بایستی مقبولیتی هم از دیدگاه غرب داشته باشد تا بتواند امتیازاتی را به سوی کشور سرازیر کند. این نقطه آغاز سقوط ما ... است». این روزنامه قاطعانه خواسته است که «از این نماینده مجلس در بازگشت به تهران، جداً بدون تعارف، بازپرسی شود و او در موضع متهم به ملت و نظام و مراکز مسئول پاسخ دهد که چرا و با کدام اجازه و انگیزه چنین مطالبی را اظهار کرده است؟»

آقای لاریجانی که احتمالاً تصور نمی‌کرد، اظهارات مزبور در مطبوعات داخلی منعکس شود، دست به توجیه مصاحبه خویش زده و اعلام کرد که «در فرهنگ غرب اگر بگویم دو مسئول یا شخصیت سیاسی عین هم هستند نه خدمتی به آن دو کرده‌ایم و نه خدمتی به نظام سیاسی کشور! همچنین موارد اختلافی که ذکر کرده‌ام با توجه به مصالح نظام بوده است، یعنی با توجه به عواملی که می‌تواند سرمایه‌گذاری در ایران را تشویق نماید ... مختلف بودن، هنرمندی می‌خواهد و با شعار کار تمام نمی‌شود. ما همه باید در این امر تمرین کنیم. ضمناً برای حیثیت خارجی نظام بهترین موضع ملی این است که دنیا ایران را محل رقابت اندیشه‌ها و برهان‌های مختلف ببیند ...»<sup>۷</sup>

ایشان به این حد نیز اکتفا نکرده و ضمن تأیید تقریبی تمامی اخبار منتشره در مورد مصاحبه‌شان و ضمن اعلام این که «بیش از ۲۰ رسانه غربی از آن نقل کردند»<sup>۸</sup>، در یک «فرار به جلو» به ظاهر ماهرانه، نتیجه‌گیری می‌فرمایند که «برخی دوستان ما در مطبوعات داخل کشور سرکار گذاشته شده‌اند»<sup>۹</sup> و در مصاحبه با خبرنگاران، به شکل نامطلوب‌تر و البته با موضع‌گیری بسیار قاطع ضدصهیونیستی که با مشرب همیشگی ایشان سازگار است! مطلب فوق را به صورت زیر تکرار کردند: «رادیو اسرائیل بعضی از دوستان ما را سرکار گذاشته است»<sup>۱۰</sup>.

نامبرده در ادامه سیاست «فرار به جلو»ی خویش طی سرمقاله دیگری، تحت عنوان «سیاسی باشیم»<sup>۱۱</sup> ناصحانه و از موضع تعلیم و تأدیب، از معترضان و جناح‌های مخالف خواسته است «سه اصل» «شفاف»، «صریح» و «معتدل» بودن را «فراموش» نکنند. در تشریح شفافیت فرموده‌اند «... طرح مسائل کدر کننده اذهان اقدامی نادرست است. ناز و کرشمه سیاسی، این که اگر ما نباشیم دیگر هیچ، فریاد انحصارطلبی سر دادن، پشت سر شخصیت‌های برجسته نظام مخفی شدن هیچ کدام فکر سیاسی کردن نیست. اینها همه بازی است. فکر سیاسی این است که ببینیم در کجا هستیم؟ برای چه چالش‌هایی باید آماده باشیم و چگونه؟»

در تبیین صراحت می‌فرمایند: «عقاید خود را روشن بیان کنیم تا مردم راحت‌تر انتخاب کنند. امروز در لفافه صحبت از خطر دیکتاتوری کردن، صراحت نیست ... صرفاً خود را فدایی و سینه‌چاک شخصیت برجسته انقلاب آقای هاشمی رفسنجانی اعلام کنیم کافی نیست ... کسانی که در مجلس سوم بدترین حملات را به ایشان می‌کردند و در طول مجلس چهارم سیاست تعدیل اقتصادی را خیانت آشکار به کشور می‌دانستند، نمی‌توانند به جای بیان روشن عقاید و سیاست‌های خود در امور مهم و جاری کشور، صرفاً به مریدی آقای هاشمی اکتفا کنند».

و بالاخره در بیان اعتدال نیز چنین آورده‌اند: «اعتدال یعنی در میان‌گرایی‌های مختلف همواره بر مدار درست بچرخیم ... برای معتدل بودن باید از سوءظن پرهیز کنیم».

آقای لاریجانی هم‌زمان با درج مقاله و پس از آن، در ادامه توجیهات قبلی، به مصاحبه‌های مختلف با مطبوعات داخلی پرداختند. در یکی از این مصاحبه‌ها به منظور تکذیب انعکاس خبری مصاحبه خود در لندن فرمودند: «تنها خبرگزاری رویتر و بخش فارسی رادیو اسرائیل عمده مطالب

خود را تحت عنوان انتقاد یا حمله شدید لاریجانی به آقای هاشمی رفسنجانی مطرح کردند...<sup>۱۳</sup> ولی در «پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران در مورد این که آیا روبرو سخنان شما را تحریف کرده است، گفت: «من روبرو را نخوانده‌ام»<sup>۱۴</sup> در همین مصاحبه نامبرده مدعی شد: «من به عنوان یک طرفدار پر و پا قرص آقای هاشمی معروف هستم و به این کار هم افتخار می‌کنم»<sup>۱۵</sup> نامبرده در یک مصاحبه اختصاصی تفصیلی با روزنامه اخبار نیز برای توجیه مصاحبه لندن گفت: «... افراد باید کاندیداهای مورد نظر خود را در داخل یا خارج، به هر نحوی که می‌توانند معرفی کنند... معرفی به جهان با تلاش برای جلب حمایت، تفاوت دارد»<sup>۱۶</sup> و در بخش دیگری می‌فرماید «... اگر بنا باشد هر کاندیدا یا گروهی که قصد دارد به مشکلات کشور اشاره کند، عده‌ای فریاد سر دهند که ای داد و ای بیداد، علیه آقای هاشمی صحبت می‌کنید، یک جو اختناق خیلی بدی ایجاد خواهد کرد... هیچ کس نباید به جای این که نظر خود را نسبت به مسائل اعلام کند، پشت سر آنان (مقامات عالی‌رتبه نظام) پنهان شود. به نظر من این فقر و ضعف یک تفکر سیاسی است. بیان مشکلات در وضع موجود، انتقاد از آقای هاشمی نیست... تمرین کنیم که چگونه می‌توانیم برادر باشیم اما همدیگر را نیز نقد کنیم. هنر مختلف بودن را بیاموزیم. (نه این که) ادعای تسامح داشته باشیم، به محض این که کسی نظری مخالف ما ابراز داشت، باران ناساز را بر او بباریم!»<sup>۱۷</sup>

علی‌رغم این همه، روزنامه‌های همشهری و جمهوری اسلامی باز هم به نقد مواضع آقای لاریجانی پرداختند و بالاخره مناظره در این مرحله با سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی، خاتمه یافت. در سرمقاله مزبور آمده است:

«آنچه موجب تأسف است، توقع نابه‌جای بعضی افراد و جناح‌های سیاسی است که جز تصدیق‌کننده نمی‌خواهند... مایل هستند که یک عمر در داخل، مطابق مصرف داخلی خرف بزنند و در خارج مطابق مصرف خارجی و این هر دو را مطابق مصالح نظام بدانند... اینها را می‌توان مولود زیادخواهی‌ها و خودبزرگ‌بینی‌های این افراد دانست... اگر مطبوعات می‌نوشتند که همین افراد چرا روزگاری کنار گذاشته شدند و چه کسانی دست آنها را گرفتند و چگونه شد که بر جرائم اعمالشان قلم عفو کشیده شد، قطعاً امروز به جرم انتقاد از این همه ناسپاسی، متهم به همسویی با رادبو اسرائیل و دوری از اخلاق اسلامی و... نمی‌شدند و این‌گونه افراد هم توسط مردم انتخاب نمی‌شدند... در عین حال هنوز هم دیر نشده است... روزنامه‌ها می‌توانند پرونده‌ها را هر وقت که صلاح بدانند، باز کنند...<sup>۱۷</sup> و شاید همین جملات مانع ادامه سیاست فرار به جلوی طرف مقابل گردیده و دیگر پاسخی از سوی آقای لاریجانی که یکی از سخنگویان برجسته هم طیف‌های خویش است، شنیده نشد. گرچه همفکران اصولگرایان به خونخواهی ایشان پرداخته‌اند که ان‌شاءالله به آنها نیز خواهیم پرداخت.

آنچه فوقاً طرح شد گزارش تفصیلی مصاحبه آقای لاریجانی در لندن و انعکاس آن در رسانه‌های خارجی و داخلی بود.

ممکن است تصور شود که پرداختن به یک مصاحبه کوتاه کم‌اهمیت، آن هم از سوی فردی که نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت نظام و کشور ندارد، بیش از حد لزوم بوده است، خصوصاً این که روزنامه‌های پرتیراژ به دفعات به نقد اقدام نابه‌جای آقای لاریجانی پرداخته‌اند و دیگر نیازی به کنکاش بیشتر در این زمینه نیست.

عصر ما معتقد است که مصاحبه آقای لاریجانی در لندن، مصاحبه‌ها و یادداشت‌های متعدد ایشان در رسانه‌های داخلی و موضع‌گیری جناح‌های مختلف سیاسی و برخی از ارگان‌ها در این زمینه، بسیار درخور اهمیت بوده و مسائل مربوط به آن هرچه بیشتر باز و بر ملا شود، راهنمای مردم و افکار عمومی خواهد بود. با توجه به چنین اهمیتی، ذیلاً به:

- طرح چند پرسش از آقای لاریجانی و تذکر چند نکته به ایشان؛

- طرح یک پرسش از وزارت امور خارجه؛

- طرح مطالبی با «تشکل‌های همسو»ی ایشان؛

و چند نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

## ۲- چند پرسش جدید از آقای محمدجواد لاریجانی و چند تذکر به ایشان

در این مبحث بنا نداریم از ایشان سؤال کنیم:

- چگونه می‌توان یک روز به سلک مریدان آقای هاشمی پیوست، روز دیگر که احساس می‌شود باد از سمت دیگر می‌وزد، در جمع کسانی قرار گرفت که صحبت از عدم کفایت همان آقای هاشمی می‌کنند و بالاخره روز سوم هنگامی که باز هم احساس نیاز به حمایت‌های علنی و غیر علنی آقای هاشمی برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری وجود دارد دوباره «طرفدار پر و پا قرص آقای هاشمی» شد و به این کار افتخار کرد و در همان حال «افتخار!» در محافل انگلیس به خاطر «مصلحت نظام!» از عملکرد ایشان انتقاد کرد؟!

- چرا در خارج و در میان خارجی‌ها و خصوصاً لندن‌نشینان از سیاست دولت خویش انتقاد می‌کنند؟

- چرا نسبت به ولی نعمت سابق خود ناسپاسی کرده‌اند؟

- چرا به عدم اجرای سیاست‌هایی انتقاد کرده‌اند که در آغاز، جناحشان پشتیبان و مشوق سرسخت آن بوده است و همین که مشکلات و بحران‌ها آغاز می‌شود، با چرخش ۱۸۰ درجه‌ای به مخالفت ظاهری با اجرای همان سیاست‌ها می‌پردازند و امروز با چرخش مجدد، البته از باب سلیقه خبرنگاران انگلیسی و احتمالاً امریکایی، به عدم اجرای سیاست‌های سابق‌الذکر انتقاد می‌کنند؟

چرا در مصاحبه خود در لندن کوچک‌ترین اشاره‌ای به شعارها و سیاست‌های به ظاهر اصلی خود برای انتخابات آتی ریاست جمهوری یعنی ضرورت مقابله با تهاجم فرهنگی، حفظ ارزش‌های انقلاب، عدالت اجتماعی و مبارزه با لیبرال‌ها نکردند؟ آیا در انگلستان نیز همچون زمان

تصویب برنامه دوم توسعه نسبت به «عدالت اجتماعی» غفلت داشته‌اند؟ ما به دنبال دریافت پاسخ برای این سؤالات نیستیم چرا که در روزهای اخیر نوع این موارد توسط روزنامه‌ها مطرح و مورد نقد قرار گرفته است.

هدف ما گفتگو با آقای لاریجانی و همفکرانشان از موضعی دیگر است و مطالب زیر با همین رویکرد مطرح شده است:

آقای لاریجانی فرموده‌اند: «در فرهنگ غرب اگر بگوییم دو مسئول یا شخصیت سیاسی عین هم هستند نه خدمتی به آن دو کرده‌ایم و نه خدمتی به نظام سیاسی کشور... برای حیثیت خارجی نظام بهترین موضع ملی این است که دنیا ایران را محل رقابت اندیشه‌ها و برهان‌های مختلف ببیند...»

سؤال این است که اگر تکرر و «مختلف بودن» برای نظام سیاسی کشور مفید و ضروری است و «همه باید این امر را تمرین کنند»، چرا شما و دوستانتان از تشکیل «مجمع روحانیون مبارز»، «جمعی از کارگزاران سازندگی»، «جمعیت دفاع از ارزش‌ها» و... در مقاطع مختلف بر آشفتید و برخی را به تفرقه افکنی در میان مسلمین و خصوصاً روحانیت متهم کردید، گروهی را تهدید به اعلام جرم نمودید، همراهان جمعی دیگر را در شهرستان‌ها به اشکال مختلف مورد تهدید قرار داده و می‌دهید؟ اگر «عین هم» بودن خوب نیست، چرا در انتخابات ریاست جمهوری اصرار بر اجماع همه بر روی نامزد مورد نظر خود دارید؟ و بالاخره چرا فقط دنیا باید ببیند ایران محل رقابت اندیشه‌هاست؟ و اگر رقابت اندیشه‌ها و مختلف بودن بد است، چرا شما و طیف «اصولگرایان» در مقابل «دنیای» استکبار نمی‌ایستید و بر «اصول محکم» خود پای نمی‌فشارید؟

— اعلام کرده‌اند: «معرفی [نامزدی به ریاست جمهوری] به جهان با تلاش برای جلب حمایت تفاوت دارد».

سؤال این است که اگر «معرفی» نامزد ریاست جمهوری پیش از انتخاب، آن هم به لندن‌نشینان و به گونه‌ای که آنها را برای «سرمایه‌گذاری در ایران... تشویق نماید»، «جلب حمایت» نیست، پس جلب حمایت چیست؟ اگر کاندیدای مورد نظر انتخاب نشد و فرد دیگری رئیس جمهور شد که دیدگاه‌های نامزد ریاست جمهوری طیف آقای لاریجانی را در جهت جلب سرمایه‌ها و... لندن‌نشینان نداشت، تکلیف «مصالح نظام» چه می‌شود؟

آقای لاریجانی طرح انتقاد از عملکرد دولت آقای هاشمی را در لندن و در حضور لندن‌نشینان، «خدمت به نظام سیاسی کشور» و در جهت «مصالح نظام» دانسته‌اند! اگر چنین است، چرا انتقاد دیگران از برخی عملکردهای دولت آقای هاشمی، آنهم در داخل کشور، «دشمنی با پیامبر» تبلیغ می‌شود؟

آقای لاریجانی می‌فرماید: «اگر بنا باشد هر کاندیدا یا گروهی که قصد دارد به مشکلات کشور اشاره کند، عده‌ای فریاد سر دهند ای داد و ای بیداد، علیه آقای هاشمی صحبت می‌کنید، یک جو اختناق خیلی بدی ایجاد خواهد کرد».

سؤال این است که «اگر کاندیدا یا گروهی قصد دارد به مشکلات کشور اشاره کند، عده‌ای فریاد سر دهند که ای داد و ای بی‌داد، علیه آقای روحانیت صحبت می‌کنید»، «مخالف هاشمی، دشمن پیغمبر»، «ولایت گریز» «لیبرال» و... هستید آیا چنین برخوردهایی هم «یک جو اختناق خیلی بدی ایجاد خواهد کرد» یا خیر؟!

— سؤال این است که انتقادات آقای لاریجانی از سیاست‌های اقتصادی آقای هاشمی از چه موضعی صورت می‌گیرد؟ از موضع انقلابی و عدالت‌خواهی یا از موضع راست و حمایت بیشتر از «بازار»، «اقتصاد راننی»، «اقتصاد دلالی» و استراتژی حاکمیت آن بر تولید؟ آیا مشکل آقای هاشمی این است که در امر خصوصی‌سازی جدی نبوده است یا این که کارخانه‌ها را به بخش خصوصی دلخواه ما نداده و به قول معروف ترین نشریه طنز کشور در «چهل سال بعد»، دولت را نیز به طور کامل به بخش خصوصی واگذار نکرده است؟

سؤال این است: چرا در کشورهای خارجی و خصوصاً در اروپا و امریکا، حتی از وزیران و مقامات بلند پایه دولتی ایران، جز در موارد استثنایی و به هنگام وقوع مسائل مهمی که بازتاب جهانی دارد، درخواست کنفرانس مطبوعاتی نمی‌شود، ولی ده‌ها خبرنگار مقیم لندن از آقای لاریجانی، که مهم‌ترین سمت‌شان، نیابت ریاست کمیسیون روابط خارجی مجلس است، درخواست مصاحبه می‌کنند؟ پاسخ‌های ایشان در بیش از ۲۰ نشریه منعکس می‌شود؟ آیا این درخواست به علت علاقمندی آنان به طرح دیدگاه‌های ایشان در سطح جهان است یا دلایل دیگری وجود دارد که برای مردم ما ناشناخته است؟

سؤال این است که آقای لاریجانی با چه مجوزی در مصاحبه‌ای که توسط سفارت جمهوری اسلامی ایران و در محل سفارت انجام می‌شود، به تبلیغ نامزد یک جناح می‌پردازند؟ آیا این اقدام ایشان سوء استفاده از امکانات دولتی برای یک جناح نیست؟

۳- وزارت امور خارجه ایران نیز باید به این سؤال بسیار مهم پاسخ دهد که سفارت ایران در لندن به چه منظوری برای آقای لاریجانی کنفرانس مطبوعاتی ترتیب داده است؟ اگر بهانه کنفرانس سالروز انقلاب شکوهمند اسلامی بوده است؟ (ادعای آقای لاریجانی)، چرا در چنین مصاحبه‌ای به ایشان اجازه «معرفی» نامزد ریاست جمهوری یک جناح و تبلیغ برای وی داده شده است؟ اگر وزارت خارجه مخالف این اقدام بوده، چه اقدامی قبال آن صورت داده است و اگر موافق بوده، آیا به نمایندگان همه جناح‌ها اجازه تبلیغ کاندیدای خود را در محل سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران می‌دهد؟ اگر چه اغلب جناح‌های خودی که به زعم آقای لاریجانی و همفکرانش «غیراصولگرا» هستند، هرگز حاضر نبوده و نیستند که از باب خوشایند خارجی‌ان، حتی از ایشان و جناحشان، در خارج از کشور انتقاد کرده و «برای جلب سرمایه‌ها و... خارجی» به «معرفی» کاندیدای خود به لندن‌نشینان بپردازند.

حال که آقای لاریجانی «شفافیت» و «صراحت» را به جای «غیرمدون بودن» که شعار سال قبل‌شان بود، برگزیده‌اند، از ایشان می‌خواهیم «شفاف»

و «صریح» به سؤالات زیر پاسخ دهند:

- ۱- آقای لاریجانی، علت عزل شما از سمت مدیرعاملی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، در کمتر از ۱۲ ساعت، توسط امام راحل چه بود؟
  - ۲- عزل شما از سمت معاونت امور بین الملل وزیر امور خارجه به دستور چه کسی صورت گرفت و علت آن چه بود؟
  - ۳- «جرایم اعمال» و «پرونده‌هایی» که روزنامه جمهوری اسلامی تهدید به بازکردن آنها کرده است، کدامند و چه محتوایی دارند؟ البته آقای لاریجانی نیک می‌دانند که روش عصر ما «افشاگری، تهمت به اشخاص و ...» نیست، ولی چون خودشان ما را به شفافیت و صراحت توصیه فرموده‌اند، سؤالات خود را بی‌پرده، مطرح کردیم.
- علاوه بر سؤالات فوق، چند توصیه مفید در سرمقاله «سیاسی باشیم» روزنامه رسالت به قلم آقای جواد لاریجانی وجود دارد، که ذیلاً به ذکر نکاتی درباره آنها می‌پردازیم:
- ۱- آقای لاریجانی در سرمقاله فوق توصیه کرده‌اند که «شفاف باشیم» و برای این منظور خواسته‌اند «پشت سر شخصیت‌های برجسته نظام مخفی نشویم».
- ما هم معتقد به شفافیت و مخفی نشدن پشت سر این و آن هستیم، ولی این فرمایشات رازببند یکی از اعضای مؤثر جناحی که روش متداولش پشت سر «روحانیت»، «ولایت»، «رهبری» و ... مخفی شدن و به جای برخورد فکری با مخالفان، تنها حربه‌اش متهم کردن آنان به «ضدیت با روحانیت»، «ولایت»، «نبوت» و ... است، نمی‌دانیم، امیدواریم که همگی به این توصیه آقای لاریجانی ملتزم باشیم.
- ۲- توصیه دوم آقای لاریجانی در سرمقاله مزبور، صراحت است. ما هم کاملاً با ایشان هم عقیده‌ایم که باید «عقاید خود را روشن بیان کنیم تا مردم راحت‌تر انتخاب کنند».

۴- سخنی با گروه‌های همسوی آقای لاریجانی

به هنگام نگارش بخش‌های قبلی، این مقاله، هنوز جناح آقای لاریجانی در مورد مصاحبه و اظهارات و نوشته‌های بعدی نامبرده موضعی اتخاذ

هر دلیل، تنهایی «معرفی» از طریق وسایل ارتباط جمعی، اقدام کرده است.

لازم به ذکر است که محترم‌ها، احد شاهد عملکرد ده‌ها از جناح آقای لاریجانی، بوده‌ایم که بیانگر تأیید موضع ایشان در مصاحبه اخیر در لندن.

جمهوری پیروز شد می باید «هنر مختلف بودن را بیاموزد».

۳- همه جناح‌ها، «ایران را محل رقابت اندیشه‌ها و برهان‌های مختلف» دانسته و آن را برای «حیثیت ... نظام بهترین موضع ملی» می‌دانند.

۴- همه جناح‌ها پذیرفته‌اند که اگر «کاندیدا یا گروهی قصد دارد به مشکلات کشور اشاره و «انتقاد کند». عده‌ای [حق ندارند] فریاد سر دهند که ای داد و ای بیداد، علیه آقای هاشمی [جامعه روحانیت، شورای نگهبان و ...] صحبت می‌کنید» و این عمل «یک جو انتقاد خیلی بدی ایجاد خواهد کرد».

«بیان مشکلات در وضع موجود» انتقاد از آقای هاشمی [روحانیت، فقها، شورای نگهبان و ...] نخواهد بود.

۵- همه طیف‌ها اعلام می‌کنند: «هیچکس نباید به جای این که نظر خود را نسبت به مسائل اعلام کند، پشت سر [مقامات عالی‌رتبه نظام] پنهان شود... این فقر و ضعف یک تفکر سیاسی است ... صرفاً خود را فدایی و سینه چاک [یک] شخصیت برجسته، اعلام کنیم، کافی نیست ...» «پشت سر شخصیت‌های برجسته نظام مخفی شدن، ... فکر سیاسی کردن نیست ... بازی است». «صرفاً مریدی آقای هاشمی [جامعه روحانیت و ...] کافی نیست».

۶- همه گروه‌های سیاسی «تسامح مدنی» پیشنهادی جناح آقای لاریجانی را پذیرفته و به توصیه ایشان تمرین می‌کنند «که چگونه می‌توانیم برادر باشیم، اما همدیگر را نیز نقد کنیم» و اجازه «نفس کشیدن» به مخالف فکری خود می‌دهیم.

۷- همه گروه‌ها و تشکل‌های طرفدار انقلاب و نظام تأکید می‌کنند که به جای انگ زدن به دیگران و مخفی شدن پشت سر شخصیت‌ها و نهادها، به «به بیان روشن عقاید و سیاست‌های خود در امور مهم و جاری کشور» بپردازند.

۱- نامه آقای محمد جواد لاریجانی به روزنامه همشهری، همشهری، ۱۴ اسفند ۱۳۷۵.

۲- سرمقاله «ملاحظه و فائده»، به قلم محمد جواد لاریجانی، رسالت، ۳۰ بهمن ۱۳۷۵.

۳- «خدمات خادمان را پاس داریم»، یادداشت روز، همشهری، مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۹.

۴ و ۵- همان منبع.

۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵/۱۱/۳۰.

۷- «پاسخ محمد جواد لاریجانی»، همشهری، ۱۳۷۵/۱۱/۲۹.

۸ و ۹- سرمقاله «ملاحظه و فائده»، رسالت، مورخ ۳۰ بهمن ۱۳۷۵.

۱۰- کار و کارگر، اول اسفند ۱۳۷۵.

۱۱- وصال، اول اسفند ۱۳۷۵.

۱۲- کار و کارگر، اول اسفند ۱۳۷۵.

۱۳- همان منبع.

۱۴- همان منبع، آیا بهتر نبود آقای لاریجانی می‌فرمودند «من به عنوان یک طرفدار پروپا قرص آقای هاشمی معروف بودم» و امروز مصلحت نظام! «ایجاب می‌کند که طرفدار پروپا قرص دیگری باشم و احتمالاً فردا نیز براساس همین مصلحت مرید شخصیت دیگری خواهم بود؟»

۱۵- اخبار، دوم اسفند ۱۳۷۵.

۱۶- اخبار، دوم اسفند ۱۳۷۵.

۱۷- «سرمقاله آینه شکستن خطاست»، جمهوری اسلامی، پنجم اسفند ۱۳۷۵.

۱۸- برجسی که در انتخابات دوره پنجم، توسط جناح آقای لاریجانی، به برخی از رقبای زده شد.

۱۹- سرمقاله «روح نظام اسلامی»، رسالت، مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۹.

۲۰- همان منبع.

۲۱- اوصاف آقای محمد جواد لاریجانی از دیدگاه مدیر مسئول روزنامه رسالت، رسالت، ۱۳۷۵/۱۲/۱۳.

۲۲- میزان حضور آقای محمد جواد لاریجانی در برنامه‌های رادیو تلویزیونی، بخش سخنرانی‌های انتخاباتی آیت‌الله مهدوی کنی در صدا و سیما، پوشش خبری بی‌سابقه، برای سفر طولانی نامزد انتخاباتی یک جناح به استان مازندران و ... نمونه‌هایی از این امکان گسترده است.

جالب این جاست که حتی در میزگردی که با برپایی آن، صدا و سیما تلاش می‌کند «بی‌طرفی» خود را حفظ نموده و اعتقاد خود را به ایجاد زمینه برخورد آزاد و اندیشه‌ها به «اثبات» برساند، از هریک از جناح‌های خودی یک نفر و از جناح آقای لاریجانی دو نفر (آقایان عسگر اولادی و مرتضی نبوی)، در میزگرد حضور می‌یابند. البته قطعاً پاسخ صدا و سیما این خواهد بود که از نمایندگان جناح‌ها دعوت به عمل نیامده و مدعوین شخصیت‌های متدینی هستند و تصادفاً هم چنین ترکیبی حاصل شده است!؟

## ماجرای یک مذاکره

منبع: هفته نامه عصر ما

تاریخ: ۱۳۷۶/۱/۲۳

نوع مطلب: مقاله

نویسنده: —

اخبار جسته و گریخته‌ای که در مطبوعات درباره مذاکره محرمانه میان آقای جواد لاریجانی نماینده مجلس شورای اسلامی و نیک براون رئیس اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه انگلستان مطرح می‌شود، بسیاری را متحیر کرده و نسبت به اصل خبر و ماجراهایی که بر آن رفته است سؤالات گوناگونی را می‌پرسند ما برای آن که سیر این ماجرا درجایی ثبت شود به مراحل آن اشاره‌ای می‌کنیم.

اولین بار هفته نامه ارزش‌ها به گونه‌ای سربسته از مذاکراتی خبر داد که در سفر پیش از عید آقای لاریجانی به لندن صورت گرفته بود. این هفته نامه نوشت: اخیراً شنیده‌ایم آقای محمد جواد لاریجانی غیر از مصاحبه معروف خود در لندن که با واکنش‌های شدیدی در داخل کشور مواجه شد در بهمن ماه گذشته دیداری نیز با آقای نیک براون از سیاستمداران برجسته انگلیسی داشته‌اند. گفته می‌شود موضع نامبرده در این گفتگو بسیار شنیدنی است به ویژه پیرامون تسخیر لانه جاسوسی امریکا و حکم ارتداد سلمان رشدی و جایزه رو به افزایش بنیاد پانزده خرداد برای حکم مذکور «العهدۃ علی الراوی» (ارزش‌ها، شماره ۱۱، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰)

پس از آن متن این مذاکره به صورت متواتر در دست بعضی خواص دیده شد که با دیده تعجب به آن می‌نگریستند و در خصوص صحت و سقم آن استفسار می‌کردند و شایعات فراوانی نقل محافل نرورزی عناصر سیاسی بود.

ستون مشهور «الوسلام» صحنه دیگری از طرح مسئله بود که پاره‌ای از خوانندگان، سؤالاتی را می‌پرسیدند و جواب‌های سربسته‌ای می‌شنیدند ذیلاً بعضی از این پرسش و پاسخ‌ها درج می‌شود.

\* این لیبرال چیه و کیه که همیشه نزدیک انتخابات پیدا می‌شود؟

سلام: لیبرالی که نزدیک انتخابات پیدایش می‌شود، کاری به کارش نداشته باشید پس از انتخابات خودش می‌رود! ولی لیبرالی که پیش از انتخابات هست پس از انتخابات هم هست و در خیلی جاهای مهم حضور دارد همان کسی است که خودش به انگلیسی‌ها گفته است: من لیبرال هستم اگر کاری با ایشان دارید از روابط عمومی مجلس شورای اسلامی سؤال کنید شاید دستتان به دامش برسد! (سلام ۱۳۷۶/۱/۱۰)

\* اخیراً در جایی در مهمانی عید شنیده شد یکی از نمایندگان مجلس در مسافرتی که به انگلیس داشتند مذاکرات محرمانه و احياناً توافق‌هایی با مسئولین انگلیسی داشتند می‌خواستیم بدانیم این قضیه چقدر صحت دارد؟

سلام: اگر محرمانه و با انگلیسی‌ها بوده است که بعید است خبر نگاران و روزنامه نگاران داخلی محرم این گونه مذاکرات باشند! به نظر می‌رسد که با وزارت خارجه یا آقای ... و یا انگلیسی‌ها، یا هر سه و یا هر دو باید اجازه دهند تا این راز سر به مهر به عالم سمر شود!

(سلام ۱۳۷۶/۱/۱۰)

در همین اوان بود که از سوی حجه الاسلام و المسلمین ناطق نوری مصاحبه‌ای منتشر شد مبنی بر این که ایشان سخنگویی ندارند و سخنانی که

از سوی بعضی افراد این جا و آنجا مطرح شده نظر شخصی آنهاست، این امر مورد استقبال روزنامه جمهوری اسلامی قرار گرفت. بعداً نوبت «راوی» در روزنامه کار و کارگر رسید که جنبه‌های نامکشوفی از بین مذاکرات را بر ملا کرد و به طور ضمنی مدعی شد در اخبار مذاکره با لندن نشینان توسط رقبای آقای لاریجانی در عرصه دیپلماسی صورت گرفته است. همچنین روزنامه جمهوری اسلامی از رئیس محترم مجلس درخواست کرد که در سفرش به مسکو از آقای لاریجانی به عنوان ملتمز رکاب استفاده نکند.

\* انتظار این بود که شخص مزبور به طور کلی طرد و دست او از کلیه مناصب و مراکز رسمی کشور قطع گردد و حتی انتظار می‌رفت نماینده دیگری که شاید بدون اطلاع از عمق ماجرا- از بلندگوی مجلس از فرد یاد شده حمایت کرد نیز برای جبران هم که شده نطق خود را تصحیح می‌کرد و تبری خود را از همکار خاطی خود اعلام می‌نمود.

انتظار این است که آقای ناطق نوری همان‌طور که در سخن، حساب خود را از این فرد و امثال او جدا کرده‌اند، در عمل نیز چنین کنند و اجازه تطهیر شدن و مطرح شدن به کسی که دل در گرو دشمنان انقلاب دارد، ندهند

(جمهوری اسلامی ۱۳۷۶/۱/۲۰)

دست آخر هم روزنامه کار و کارگر مباحثات میان آقای فاکر نماینده مشهد را با خبرنگاران پارلمان منتشر کرد در این خبر که با عنوان «گزارشی که دیگر محرمانه نیست» آمده است: «هفت برگ کاغذ از یک گزارش محرمانه که سربرگ آن مزین به نامه اداره رمز وزارت امور خارجه و متن آن حاوی مذاکرات دکتر محمد جواد لاریجانی با نیک براون رئیس اداره خاورمیانه وزارت خارجه انگلیس بود تمامی نگاه‌های موجود در مجلس

را به سوی دکتر لاریجانی چرخاند. نمایندگان مجلس که سعی داشتند از هرگونه اظهار نظر در مورد اظهارات دکتر لاریجانی در ملاقات با مقام انگلیسی خودداری کنند بعضاً با مراجعه به آقای لاریجانی در صدد اطمینان یافتن از صحت و سقم گزارش مزبور و شنیدن پاسخ‌های احتمالی بودند.

آقای فاکر نماینده مشهد هرگونه اظهار نظر را به بررسی بیشتر موکول کرد و گفت آقای لاریجانی مدعی است متن منتشر شده توسط وزارت امور خارجه تمام واقعیات را منعکس نکرده و قول داده که متن واقعی مذاکرات خود را در اختیارمان بگذارد (کار و کارگر ۱۳۷۶/۱/۲۱).

از اینجا معلوم شد که متن دومی هم تهیه شده است (ظاهراً برای تلطیف متن اول) و در هر حال این متن مورد تأیید آقای لاریجانی قرار گرفته و خود شخصاً به توزیع آن مبادرت کرده است. از مقایسه این دو متن بر می‌آید که هر چند تلاش شده بعضی از نکات زهر آلود متن اول گرفته شود و رقیق گردد با این وجود جوهر مذاکرات، شرم آور و رسواست. دفتر تحکیم وحدت نیز طی صدور بیانیه‌ای (در تاریخ ۱۳۷۶/۱/۲۰) به

شناخت و قباحیت این مذاکره اشاره کرده خواهان محاکمه آقای لاریجانی شده است.

انتقاد از دولت، مجاز یا غیر مجاز

منبع: هفته نامه عصر ما

تاریخ: ۱۳۷۶/۱/۲۳

نوع مطلب: مقاله

نویسنده: —

آقای مرتضی نبوی قائم مقام آقای لاریجانی در مرکز پژوهش‌های مجلس در نطق قبل از دستور خود در تاریخ یکشنبه ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ با اشاره به انتقاداتی که به مصاحبه رئیس مرکز مذکور در انگلیس شده بود، اظهار داشت: «کسانی که امروز مدعی آزادی سیاسی شده‌اند، آیا نظرشان این است که شخصیت والای جناب آقای هاشمی و خدمات ارزنده سازندگی ایشان مانع از این است که بعضی عملکردها و سیاست‌های اجرایی دولت یا بعضی دستگاه‌ها مورد نقد قرار گیرد؟»

وی در ادامه تلویحاً اکثریت مجلس سوم را مورد انتقاد قرار داد و گفت: «یادشان رفته از این تربیون مجلس چوب لای چرخ دولت گذاشته می‌شد، یا در روزنامه‌های خود سیاست‌ها و برنامه دولت را شکست خورده اعلام می‌کردند و ادعا می‌شد وضع بدتر شده است؟»  
در مورد مطالب فوق اشاره به نکات زیر را ضروری می‌دانیم:

۱- ایراداتی که از سوی جناح خط امام در مجلس سوم به سیاست تعدیل اقتصادی مورد نظر جناح متبوع آقای مرتضی نبوی وارد می‌شد، این بود که سیاست تعدیل یا اقتصاد بازار نه تنها با قانون اساسی هماهنگ نمی‌باشد بلکه متناسب با ساختار اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران نیز نیست و واردات بی‌رویه، که مورد علاقه جناح خاص بود، موجب اتلاف منابع و ضربه به تولید داخلی است و ... در عین حال همواره احترام ریاست محترم جمهوری از سوی جناح اکثریت مجلس سوم در نطق‌ها رعایت می‌شد.

۲- ما حق همه نیروها و جناح‌های سیاسی می‌دانیم که در هر شرایطی و با رعایت جنبه‌های حقوقی و اخلاقی به نقد سیاست‌ها و یا عملکردهای سایرین بپردازند. از این جهت تفاوتی بین شخصیت‌ها و متصدیان پست‌ها، به استثنای مقام رهبری، قائل نبوده و نیستیم. بنابراین هیچ‌گاه به کسی اعتراض نکرده و نخواهیم کرد که چرا به انتقاد از دیگران پرداخته است. اما اگر فرد، گروه و یا جناحی مواضع متناقضی اتخاذ کند آن را افشا کرده و به نقد علل و یا دلایل این تغییر موضع می‌پردازیم و این اقدام را گامی برای شفاف سازی صحنه سیاست کشور و جلوگیری از فرصت طلبی و نان به نرخ روز خوری ارزیابی می‌کنیم.

۳- اعتراض جناح خط امام به مصاحبه آقای لاریجانی در لندن این بود که وی:  
اولاً: چرا در نزد بیگانگان به انتقاد از سیاست‌های دولت پرداخته است؟

ثانیاً: چرا این حق را برای سایر جناح‌های خودی در دورن کشور و از جمله در مجلس شورای اسلامی که بهترین محل برای طرح چنین مسائلی است قائل نبوده است؟

ثالثاً: چرا در دور سفرات جمهوری اسلامی ایران به معرفی و تبلیغ یکی از نامزدهای انتخاباتی پرداخته است. و در جهت جلب حمایت انگلیس‌ها تلاش کرده است؟

رابعاً: چرا به ولی نعمت خود پشت کرده است؟ و به مخالفت با «هاشمی» یعنی کسی که وی به پشتوانه شعار «حمایت از هاشمی» به درون مجلس راه یافته، پرداخته است؟

۴- جناح متبوع آقای مرتضی نبوی برخلاف حمایت‌های جدی و پیگیر از سیاست تعدیل اقتصادی، زمانی که این سیاست‌ها آثار منفی به بار آورده، مسئولیت آن را به گردن گرفت و انتقادات را صرفاً متوجه دولت کرد. این جناح در آستانه انتخابات مجلس پنجم ضمن انتقاد از سیاست‌های مزبور در مورد شخص آقای هاشمی نیز حریم‌ها را حفظ نکرد و تا آنجا پیش رفت که صحبت از بررسی عدم کفایت سیاسی وی به میان آورد.

۵- با توجه به مطالب فوق ملاحظه می‌شود که به زعم آقای مرتضی نبوی، توهین به ریاست محترم جمهوری، انتقاد از دولت و زیر سؤال بردن سیاست‌های آن در انگلستان و برای بیگانگان حرکتی براساس آزادی است، اما انتقاد سازنده از سیاست‌های اقتصادی آن هم در مجلس شورای اسلامی که معمولاً باید جزو کارهای عادی نمایندگان تلقی شود، «چوب لای چرخ دولت گذاشتن تلقی می‌شود».

۶- مدیر مسئول متحرم روزنامه رسالت نهایتاً تصریح نکرد که آیا می‌توان به انتقاد از سیاست‌های دولت آقای هاشمی پرداخت یا نه؟ چون اگر پاسخ مثبت باشد، اکثریت نمایندگان مجلس سوم که با حمایت امام راحل به مجلس راه یافتند: جر می‌مر تکب نشده‌اند و اگر پاسخ منفی باشد، نمی‌توانند از اقدام رئیس خود یعنی از انتقادات آقای لاریجانی در مصاحبه مطبوعاتی خود در لندن دفاع کنند.

با گذشت زمان ابعاد اقدامات آقای جواد لاریجانی در جلب حمایت دولت انگلیس آشکارتر می‌شود. با افشای بخشی از مذاکرات آقای لاریجانی با «نیک براون» رئیس اداره خاورمیانه وزارت خارجه انگلیس، فصل نوینی در تاریخ سیاسی بعد از انقلاب ایران گشوده شد. «عصر ما» در آخرین شماره سال جاری در مقاله اصلی خود با عنوان «معرفی رئیس جمهور آینده به جهانیان» به بررسی بی‌عادی از این رسوائی که تا آن زمان آشکار شده بود پرداخت و اکنون که وجوه دیگری از مواضعه و تبانی «سیاستمدار فرزانه متعهد» و «سرباز انقلاب» با دولت فخریه بریتانیا، از پرده برون افتاده است، می‌توان با صراحت و روشنی بیشتری درباره این بدعت خطرناک سخن گفت. قبل از هر چیز باید یادآوری کنیم تفاوت ماهوی میان مصاحبه و مذاکرات اخیر آقای لاریجانی، در لندن با موارد مشابه وجود دارد. نقد ما به اقدامات اخیر آقای لاریجانی، نقد و تفکر معتقد به نزدیکی با انگلیس و امریکا، مخالفت با فتوای امام (ره) در مورد سلمان رشدی و اشغال لانه جاسوسی، معتقد به هماهنگی با آن دو کشور در براندازی رژیم عراق به جای صلح با آن دولت و مذاکره با یک دولت خارجی و ... نیست سخن بر سر مواضعه و تبانی با بیگانگان استعمارگر و دارای سابقه سلطه دیرین بر کشور، محرم دانستن آن دولت حتی بیش از جناح‌های خودی، دادن اطلاعاتی به بیگانگان که هیچ ربطی به آنها ندارد... و اقداماتی ناقض استقلال و منافع ملی است. یکی از محورهای مذاکره رئیس اداره خاورمیانه وزارت خارجه انگلیس با آقای جواد لاریجانی، انتخابات آتی ریاست جمهوری و مواضع کاندیداهای این انتخابات است.

در خصوص مضمون مذاکرات فوق، توجه خوانندگان عزیز را به نکات زیر جلب می‌کنیم.

۱- مهمترین دست آورد سیاسی انقلاب اسلامی خارج کردن ایران از مدار جاذبه قدرت‌های غربی (به خصوص امریکا و انگلیس) بود که در شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» مردم شهید داده ایران متجلی است.

انقلاب اسلامی مرکز ثقل تصمیم‌گیری‌های کلان و راهبردی نظام را از «لندن و واشنگتن» به داخل کشور منتقل کرد و لذا هر حرکتی که در خلاف جهت مذکور باشد اقدامی «ارتجاعی» و «ضد انقلابی» است. در حقیقت سفره دل را نزد مقامات کشوری بیگانه آن هم انگلستان که سابقه دیرپای استعماری در کشور ما دارد و اصلی ترین متحد امریکا، دشمن شماره یک نظام جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود نقض «ميثاق ملی»، «خطوط قرمز» و «قواعد همزیستی سیاسی» میان جناح‌های درون نظام است. اکنون معلوم می‌شود «معرفی کاندیدای خود به جهانیان» در حقیقت استمداد از قدرت‌های استعماری برای پیروزی در انتخابات بوده است، سنت سینه‌ای که پس از پیروزی انقلاب برای اولین بار رخ داده و چنانچه به ریشه‌یابی آن پرداخته نشود و این تفکر قلع و قمع نگردد ریشه‌های آن در تار و بود بافت سیاسی ایران تنیده خواهد شد و خدای ناکرده بر سر این ملت همان خواهد رفت که در دوره قاجار رفت.

۲- سازمان مجاهدین انقلاب در بیانیه تحلیلی سیاسی شماره دوم خود (در تاریخ ۱۳۷۲/۶/۱۸) در نقد نامه آقای رجائی خراسانی که در آن بر قراری روابط دیپلماتیک با امریکا حلال مشکلات کشور خوانده شده بود متذکر شد.

«به نظر می‌رسد که تهیه و تنظیم نامه، کار یک فرد نیست بلکه حاصل همفکری گروهی صاحبان تفکر نزدیکی با امریکا است و یا دست کم این گروه، نویسنده را به تهیه آن ترغیب و تشویق کرده‌اند».

اکنون که بیش از سه سال از آن تاریخ می‌گذرد، صحت پیش‌بینی ما ثابت شده و معلوم می‌گردد عده‌ای نتوانسته‌اند و یا نخواسته‌اند که به نقد مواضع خود بپردازند و دیدگاه خود را در زمینه نزدیکی با دولت‌های استعماری اصلاح نمایند مگر آنکه با طرد و انزوای سخنگوی مذکور، این عده راه درازی در پیش خواهند داشت تا بنیان‌های نظری و تحلیل‌های خود را تصحیح نموده و به عنوان افرادی که شایستگی کسب مقامات حکومتی را در جمهوری اسلامی ایران دارند، به حیات سیاسی خود ادامه دهند.

۳- ما مکرراً گفته‌ایم علی‌رغم دیدگاه‌های تنگ نظرانه و انحصارطلبانه یک جناح خاص کماکان آن را جزو نیروهای خود محسوب می‌کنیم مگر آن که «بخواهد خارج از چارچوب قانون اساسی رفتار نماید و یا خدای ناکرده دست استمداد به سوی نیروهای بیگانه دراز کند» (عصر ما شماره ۶۵) و اکنون با بر ملا شدن مذاکرات آقای جواد لاریجانی با عناصر بیگانه اگر آثار ندامت و جبران مافات در جناح مذکور دیده نشود و به طرد و افشای علنی چنین عناصری که منسوب به آن طیف هستند دست نزنند، در دیدگاه‌های سابق خود تجدیدنظر خواهیم کرد ما به یاد خوانندگان محترم می‌آوریم اولین بار که همه جناح‌ها و نیروهای سیاسی به آقای لاریجانی به دلیل برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی در داخل سفارت ایران در لندن و برای معرفی کاندیدای خود به جهانیان و جلب سرمایه‌های غربی اعتراض کردند همفکران وی (و به خصوص قائم مقام آقای لاریجانی و مدیر مسئول روزنامه رسالت) به صحنه آمدند و با یک «فرار به جلو»، دفاع غلاظ و شدادی از او کرده او را با صفاتی نظیر «سیاستمدار فرزانه متعهد» و «متقد تیزبین» و «سرباز انقلاب» ستودند و به ماله کشی رفتار وی پرداختند.

۴- اگر سال‌ها پیش که برای اولین بار نقطه‌های سیاهی در پرونده آقای جواد لاریجانی مشاهده شد، مسئولین صرفاً به عزل وی از معاونت وزارت خارجه اکتفا نمی‌کردند وی اکنون چنین بی‌پروا همدلانه با مقامات انگلیس به مذاکرات نمی‌نشست و امروز نیز مسئولین محترم که به لغزش‌های فراوان وی واقفند چنانچه قاطعانه با این بدعت خطرناک برخورد نکنند تضمینی برای جلوگیری از چنین اقداماتی وجود نخواهد داشت.

۵- به قرار اطلاع آقای لاریجانی در مذاکره با مقام انگلیسی، صریحاً خود را لیبرال معرفی کرده است. گرچه در متن توزیع شده توسط ایشان، ادعا شده که اظهارات مزبور همراه با خنده بوده است؛ ولی دم خروس مصاحبه ۱۷۴/۱۰۳ ایشان با روزنامه اخبار، که طی آن موضع خود را در سیاست خارجی «لیبرال و باز» معرفی کرده بود، مانع از این می‌شود که باور کنیم تکرار عبارت مزبور از سوی ایشان، صرفاً یک شوخی و مزاح

سیاسی با دیپلمات انگلیسی بوده است. خصوصاً که سبک و سیاق مذاکرات نشانگر برخورد لیبرالی نامبرده با مسائل مختلف بوده است. جالب است که شعار اصلی انتخاباتی جناح متبوع آقای لاریجانی (که هرگز مصاحبه سابق الذکر ایشان را تکذیب نکرد) در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، مبارزه با لیبرال‌ها و جلوگیری از ورود آنها به مجلس بود!

۶- به قرار آقای لاریجانی در مذاکرات خود با مقام انگلیسی، پیام دیگری به دولت انگلیس ابلاغ کرده است و طی آن توصیه کرده که انگلیس، امریکا و ایران با کمک به گروه‌های میانه‌روی عراقی که «ریشه‌دار، معتدل و عاقل» هستند، رژیم عراق را سرنگون نمایند، به شکلی که منافع امریکا و انگلیس هم تهدید نشود؟!

سه سال و نیم پیش از این نیز آقای رجائی خراسانی همسنگر دیرین آقای لاریجانی در نامه معروف‌شان نوشته‌اند که «اگر امریکا می‌توانست بر سرآینده عراق با ما به توافق برسد و برای ترکیب حکومت بعد از صدام طرح قابل اعتمادی با همکاری و توافق جمهوری اسلامی مبادرت کرده بود ولی ماعلاً شرایطی را به وجود آورده‌ایم که امریکا مجبور شده بدون مشارکت و همکاری و حتی مشورت ما راه حل مطمئنی برای معضل عراق پیدا کند».

ما همان موقع در قبال این فرمایشات نوشتیم:

«نویسنده مشخص نکرده است که این اعتماد و اطمینان چگونه می‌تواند از سوی جمهوری اسلامی ایران تأمین شود روشن است هدف امریکا و انگلیس، سلطه بر عراق و منابع نفتی آن است. آیا منظور از جلب اعتماد و اطمینان امریکا این است که ما به سلطه دولت‌های مذکور به عراق رضایت داده و با آنها در مورد چنین آینده‌ای به توافق برسیم؟ چنین امری احتیاج به توافق ما ندارد و امریکا و انگلیس کلیه نیروهایی را که تاکنون مورد حمایت ما بوده‌اند جذب و با تشکیل «کنگره ملی عراق» برای سرنگونی رژیم صدام به فعالیت و همکاری کشانده و چتر

سیاسی و دیپلماتی که با ما همکاری داشته‌اند سرنگون کردند و اکنون در حال تلاش برای بازسازی عراق است» (پایه شعله، ۱)

دفاع از فعالیت‌هایش مدعی شد که: «افراد باید کاندیداهای مورد نظر خود را در داخل یا خارج به هر نحوی که می‌توانند معرفی کنند، معرفی به جهان با تلاش برای جلب حمایت، تفاوت دارد (اخبار دوم اسفند ۷۵) و ما همان موقع سؤال کردیم «که اگر معرفی نامزد ریاست جمهوری پیش از انتخابات آن هم به لندن نشینان و به گونه‌ای که آنها را برای سرمایه‌گذاری در ایران تشویق نماید، جلب حمایت نیست، پس جلب حمایت چیست؟» (عصر ما، همان)

حال که ابعاد اقدامات آقای لاریجانی برای جلب حمایت از کاندیدای مورد نظر روشن شده است ما منتظر هستیم که همفکران وی این اقدام و نیز مواضع سابق خود را چگونه توجیه خواهند کرد؟

۱۲- این نکته را هم باید به همه کسانی که از تکرار تجربه مشروطیت نگرانند گوشزد کرد که بخش اعظم تجارب تلخ بعد از انقلاب مشروطه و به خصوص پیدایش دولت پهلوی ناشی از ائتلاف جناح‌هایی از داخل با قدرت‌های بیگانه و در رأس آنها انگلستان بود و سرکوب روحانیت و اساساً همه نیروهای ملی، آزادی‌طلب و عدالت‌خواه جز با ائتلاف شوم میان استبداد پهلوی و استعمار انگلیس تحقق پیدا نکرد. لذا این عزیزان باید توجه کنند که برقراری چنین روابطی با دولت استعمارگر بریتانیا می‌تواند خدای ناکرده مقدمه‌ای برای انحراف نظام جمهوری اسلامی و با حداقل استحاله کامل آن باشد.

۱۳- عصر ما همان موقع که بازتاب وسیع کنفرانس مطبوعاتی آقای لاریجانی در لندن را با جراید انگلیسی مشاهده کرد این پرسش را مطرح نمود که:

«سؤال این است چرا در کشورهای خارجی و خصوصاً در اروپا و آمریکا و حتی از وزیران و مقامات بلند پایه دولتی ایران، جز در موارد استثنائی و هنگام وقوع مسائل مهمی که بازتاب جهانی دارد، درخواست کنفرانس مطبوعاتی نمی‌شود، ولی ده‌ها خبرنگار مقیم لندن از آقای لاریجانی که مهمترین سمتشان، نیابت ریاست کمیسیون روابط خارجی مجلس است، درخواست مصاحبه می‌کنند و پاسخ‌های ایشان در بیش از ۲۰ نشریه منعکس می‌شود؟» (عصر ما شماره ۶۵)

اکنون روشن می‌شود که این همه هورا کشیدن و مسابقه جراید انگلیسی در نشر افکار و فرمایشات این «سیاستمدار فرزانه و متعهد» از کجا نشأت می‌گیرد و انعکاس وسیع عقاید این «سرباز انقلاب» توسط رادیو اسرائیل «چه کسانی را سرکار گذاشته است».

۱۴- چند ماه پیش آقای جواد لاریجانی که از اشغال کابل توسط گروهک سیا ساخته طالبان به جد آمده بود در وصف آنان چنین افاضه فرمود: «مهارت این گروه در استفاده از فرصت‌ها و به کارگیری همه امکانات بسیار چشمگیر است. گروه طالبان از تعلق دینی مردم خوب استفاده می‌کنند. در تطمیع فرماندهان، هم مهارت دارند و هم سخاوت و بالاخره در نمایش قدرت تا آنجا که زمینه داشته باشند هم دریغ ندارند به نظر من رهبری این گروه تاکنون از خود لیاقت خوبی نشان داده و این برای آینده افغانستان باعث امیدواری است.» (رسالت ۷۵/۹)

و این طنز زمانه و مکرر تاریخ است که با افشای ابعاد واقعی خط مشی جماعتی معلوم می‌شود که توصیفات مذکور در واقع وصف الحال خود آنها بوده است. حقیقتاً که این دسته نیز در «استفاده از فرصت‌ها»، «به کارگیری همه امکانات»، «استفاده خوب از تعلق دینی مردم»، «مهارت و سخاوت در تطمیع فرماندهان» و بالاخره «نمایش قدرت (بخوانید سرکوبی مخالفین) تا آنجا که زمینه داشته باشد». همچون «طالبان» لیاقت خوبی از خود نشان داده‌اند. تنها خطای آنان اشتباه گرفتن ایران با افغانستان است.

با توجه به اهمیت موضوع، ما باز هم در این باره سخن خواهیم گفت.

۱- مقدمه:

به دنبال انعکاس مصاحبه محمد جواد اردشیر لاریجانی توسط خبرگزاری‌ها، انتقادات گسترده‌ای علیه آن در مطبوعات داخلی مطرح، اقدام وی بدعتی خطرناک در جهت طرح مسائل داخلی کشور با بیگانگان شناخته شد. نامبرده با گستاخی و جسارت هرچه تمام‌تر مطبوعات داخلی را متهم به «سرکار گذاشته شدن توسط رادیو اسرائیل» نمود و قائم مقام وی در مرکز پژوهش‌های مجلس و مدیر مسئول روزنامه رسالت نیز با استفاده از تریبون مجلس شورای اسلامی، انتقادکنندگان را شدیداً مورد تهاجم قرار داد و از وی به عنوان «سرباز انقلاب» و «سیاستمدار فرزانه و متعهد» یاد کرد.

چند روزی نگذشت که مذاکرات آقای اردشیر لاریجانی با یک مأمور انگلیسی، که در سفر طولانی ایشان به لندن صورت گرفته بود، افشا شد و این مذاکرات همسو با مصاحبه پیش گفته کذایی بود، که این بار به صورت خصوصی و در اطاقی در بسته با یک مأمور کهنه کار انجام شده بود. افشاگری مزبور، بار دیگر گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی و وسایل ارتباط جمعی کشورمان را به عکس‌العمل وسیعی واداشت و انتقادات شدیدی به مذاکره کننده وارد شد. این بار دیگر کسی قادر به حمایت علنی از آقای اردشیر لاریجانی نشد و عموم دوستان او در برخورد با مردم و مطبوعات، اقدام وی را عملی فردی خوانده و حاضر به اظهار نظر درباره آن مذاکرات نشدند، ولی در عین حال با طرح جملاتی نظیر «حرف او را هم شنید» و «اجازه دفاع هم به او بدهید» به طور غیرمستقیم به جانبداری از وی پرداختند.<sup>۱</sup>

روزنامه رسالت نیز به منظور اعاده حیثیت وی، اقدام به درج سرمقاله‌ای از نامبرده درباره رأی دادگاه می‌کونوس نمود، تا شاید فضای موجود علیه وی را تا حدودی تعدیل کند، ولی این اقدامات نیز عکس‌العمل‌های تندی به دنبال داشت.<sup>۲</sup>

به هر حال، به غیر از جناح متبوع، تمامی جناح‌های خودی، علی‌رغم این که مایل به خلط اقدام خطرناک اردشیر لاریجانی با مسئله انتخابات و اختلافات جناحی نبودند، به نوعی موضع‌گیری در قبال آن پرداختند.<sup>۳</sup>

عکس‌العمل محمد جواد اردشیر لاریجانی در قبال این حمایت در بدو امر بسیار منفعلانه بود و پس از ناکامی در کسب تأییدی از مسئولان، تلاش کرد با ارائه یک گزارش جدید از مذاکرات به نمایندگان برخی جناح‌ها، که نسبت به گزارش افشا شده قبلی قدری تلطیف شده بود، به تعدیل مواضع آنها پردازد و چون از این اقدام طرفی نیست، بار دیگر استراتژی فرار به جلو را پیش گرفت و اولاً مذاکرات را «رسمی» و «به درخواست دولت انگلیس»<sup>۴</sup> و به شکل مبهمی در جهت انجام یک مأموریت، عنوان کرد. ثانیاً «ضمن تکذیب مطالبی که آقای حسینیان با (اگر) و (اما) به [وی] نسبت داده‌اند، از درگاه خدای سبحان برای ... ایشان طلب مغفرت»<sup>۵</sup> نمود و بالاخره اعلام کرد که «متن شکایتی را علیه روزنامه‌هایی که آغازگر این جو بوده‌اند تنظیم کرده‌ام»<sup>۶</sup>!

عصر ما، به دلایلی که ذیلاً تقدیم خواهد شد، بنا نداشت تا پایان انتخابات ریاست جمهوری، مسئله مذاکرات رسوای لندن را به طور گسترده در دستور کار خود قرار دهد، ولی حمایت‌های غیرمستقیم بعضی افراد و نشریات و سیاست تهاجمی جدید آقای اردشیر لاریجانی و تهدید جرایم توسط ایشان، مارا نگران تغییر موضع شاکتی و متهم کرد<sup>۷</sup> لذا ناچار به طرح مجدد مسئله شدیم.

از آنجا که معتقدیم هنوز ابعاد فاجعه مذاکرات لندن به خوبی باز نشده است و همین امر سبب شده که برخی از همفکران آقای اردشیر لاریجانی و حتی دیگران قبح این اقدام را درک نکنند، لذا در این مقاله بدو به تشریح و تحلیل دقیق اقدام آقای اردشیر لاریجانی می‌پردازیم و در انتها نیز سخنی با کلیه طیف‌های خودی و مسئولان خواهیم داشت.

۲- اهم مطالب مذاکرات آقای اردشیر لاریجانی با مأمور انگلیسی

۲-۱- در مورد مذاکرات لندن، بدو متنی تحت عنوان «اهم مطالب» افشا شد و پس از اوج‌گیری حملات علیه آن، متن دومی تحت عنوان «متن کامل مذاکرات» از سوی طرف مذاکره کننده ایرانی به طور غیرمستقیم در اختیار ما قرار گرفت. گرچه دو متن تفاوت محتوایی چندانی با یکدیگر ندارند، ولی کاملاً مشخص است که متن دوم صورت مذاکرات محمد جواد اردشیر لاریجانی، پس از طرح انتقادات شدید به متن اول، به گونه‌ای تهیه شده که برخی از حساسیت‌ها را کاهش داده با قسمت‌هایی را آنچنان مبهم کند که دیگر قابل فهم و در نتیجه قابل انتقاد نباشد. البته در این مورد وزارت خارجه موظف است توضیحات کافی در اختیار مسئولان و افکار عمومی قرار دهد. تاریخ تهیه متن اول ۱۳۷۶/۱۱/۲۶ و تاریخ دومی در عین حال که نامعلوم است، ولی با توجه به زمان انتشار (چند روز قبل) و چگونگی طرح مطالب، به نظر جدید می‌رسد. پس از پرداختن به مطالب مهم و تفاوت‌های دو متن متذکر می‌شویم، مواردی در متن اول، که علی‌القاعده باید خلاصه‌تر از متن دوم باشد، وجود دارد که در «متن کامل مذاکرات» حذف و به عبارت بهتر «ناقص» شده است. حداقل ۲۰ جمله از جای جای «اهم مطالب» مذاکرات آقای اردشیر لاریجانی، در «متن کامل مذاکرات» حذف شده، که تقریباً تمامی آنها، به ضرر ایشان بوده است. در عین حال شاخ و برگ‌های زیادی نیز به متن اول در جهت تلطیف اظهارات نامبرده اضافه شده است. علی‌رغم همه این تغییرات، متن دوم به ناچار وجود و طبعاً صحت مطالب متن اول (اهم مطالب) را تأیید کرده است!<sup>۸</sup>

در مقدمه متن دوم آمده است: «اهم مطالب قبلاً مخابره شد. به علت فوریت، متن کامل این مذاکرات بنا به درخواست مرکز، به شرح ذیل مخابره می‌گردد.»<sup>۹</sup>

۲-۲- تشریح و تحلیل مطالب مهم مذاکرات و اختلاف دو متن در مورد آنها

برای سهولت متن اولیه منتشر شده از مذاکرات آقای لاریجانی را با مأمور انگلیسی که عنوان آن «اهم مطالب» است، به همین نام و به متن دوم که دارای عنوان «متن کامل مذاکرات» است، با همین عنوان، در موارد زیر اشاره خواهیم کرد:

- در مقدمه «اهم مطالب» آمده است:

«نیک براون ... به دنبال دیداری که در ایران داشته، درخواست کرد که در محل سفارت به دیدن آقای لاریجانی بیاید. در «متن کامل مذاکرات»، دیدار قبلی نیک براون با لاریجانی حذف شده است. حال آن که سبک و سیاق مذاکرات «متن کامل مذاکرات» به گونه‌ای است که وجود مذاکرات قبلی را تأیید می‌کند.

در این مقدمه، ملاقات بنا به درخواست نیک براون عنوان شده است، ولی اردشیر لاریجانی «این مذاکرات را یک نشست رسمی و با موافقت مقامات رسمی کشور، به منظور دریافت پیام مقامات انگلیسی»<sup>۹</sup> اعلام کرده است، تا به این ترتیب فشار حملات علیه خود را کاهش دهد. تا آنجا که ما اطلاع داریم هیچ «مقام رسمی کشور» از مذاکرات نامبرده مطلع نبوده و «هیچ پیام خاصی» هم در این مذاکرات برای دولت ایران دریافت نشده است.

در ابتدای مذاکرات نیک براون از اقدام بنیاد پانزده خرداد در افزایش جایزه اعدام سلمان رشدی ابراز نگرانی کرده و جویای نظر اردشیر لاریجانی می‌شود. وی در پاسخ و در متن «اهم مطالب» چنین می‌گوید: «مسئول بنیاد پانزده خرداد آقای صانعی است. ایشان یکی از اعضای مجمع روحانیون مبارز می‌باشد. مجمع روحانیون مبارز هم از کاندیداتوری آقای خاتمی حمایت کرده است. موضع‌گیری پانزده خرداد را باید یک نوع مانور تبلیغاتی برای مصرف داخلی دانست. تندروها می‌خواهند که آقای ناطق نوری فشار آورده تا از مواضع قبلی خود عدول نماید. با مواضع آقای ناطق نوری و من هم آشنا هستید. ما تغییر مواضع نداده‌ایم. حداکثر باید انتظار داشت که آقای ناطق نوری در برابر این فشارها، سکوت اختیار نماید و گرنه نباید انتظار معجزه از ایشان داشت... امروز خبرنگاران هم سؤالاتی درباره رشدی مطرح نمودند که طبق روال معمول پاسخ دادم.»

«براون: جنابعالی معمولاً برخورد خوبی با رسانه‌ها داشته‌اید. بنابراین حتماً مصاحبه خوبی شده است...»

در «متن کامل مذاکرات» کلیه عبارات برجسته شده در فوق (با خط کشی)، حذف و جملاتی نظیر «مسئله سلمان رشدی ابعاد مختلفی دارد. از بعد اعتقادی ... و مزبور به جهان اسلام که بگذریم در داخل کشور ما و در افکار عمومی بسیار موضوع حساسی است...» اضافه شده است که نشان دهد آقای اردشیر لاریجانی به «ابعاد مختلف» مسئله سلمان رشدی نیز عنایت داشته‌اند!

عبارتی نیز به عنوان پیشوند و پسوند به برخی جملات متن قبلی اضافه شده که سعایت و شکایت صریح اردشیر لاریجانی را از یک جناح «دشمن اسلام، انقلاب و کشور» نزد «دوستان» انگلیسی، تلطیف کند؟! به عنوان مثال به جای جمله کوتاه و قابل فهم «مجمع روحانیون مبارز هم از کاندیداتوری آقای خاتمی حمایت کرده است» در متن «اهم مطالب»، جمله طولانی و به ظاهر احترام‌آمیزی به صورت «این مجمع در انتخابات بسیار فعال است و موقعیت بالایی دارد و مورد احترام است و کاندیدای خاص خود را که آقای خاتمی است، معرفی کرده است...» در «متن کامل مذاکرات» آمده است یا به جای اظهار نظر صریح «موضع‌گیری بنیاد پانزده خرداد را باید یک نوع مانور تبلیغاتی برای مصرف داخلی دانست. تندروها می‌خواهند که آقای ناطق نوری فشار آورده، تا از مواضع قبلی خود عدول نماید»، در متن اول «اهم مطالب»، جمله «پس می‌توانید چنین نتیجه بگیرید که اعلام موضع اخیر آقای صانعی، علاوه بر جهات مختلف می‌تواند به یک جناح قوی سیاسی مانور تبلیغاتی در افکار عمومی بدهد. شاید بتوان فرض کرد که این امر سبب شود که جناح فوق (که قبلاً در غرب به تندروها معروف بوده‌اند) به آقای ناطق و جناح او فشار بیاورد که حتی از موضع قبلی و اعلام شده عدول کنند.»

به طوری که ملاحظه می‌شود جملات فوق به لحاظ محتوایی، به غیر از دادن اطلاعات بیشتر از قدرت و احترام مجمع روحانیون مبارز به انگلیسی‌ها، تفاوتی با متن قبلی ندارد.

به نظر می‌رسد آقای اردشیر لاریجانی تصور کرده که اشکال اظهارات‌اش در مورد مجمع روحانیون مبارز، در متن اول، تعریف و تمجید نکردن از آنها در نزد مأمور وزارت خارجه انگلیس بوده که با توزیع متن دوم، این نقیصه برطرف شده است! حال آن که به اعتقاد ما توضیحات زیر در مورد مطالب فوق باید مورد توجه قرار گیرد:

آقای اردشیر لاریجانی باید توضیح دهند به چه دلیل و بنا به چه مجوزی به جای یک پاسخ کوتاه و در صورت نیازشان همدلانه به مأمور انگلیسی که فرضاً «بنیاد پانزده خرداد همان‌طور که خودتان گفتید یک مؤسسه دولتی نیست»، سفره دل خود را باز کرده، ارتباط پانزده خرداد را با جناح‌های سیاسی داخلی، تحلیل خود را از انگیزه طرح جایزه برای اعدام سلمان رشدی توسط مجمع روحانیون مبارز، عکس‌العمل‌های احتمالی رئیس مجلس ایران در قبال موضوع، عیناً نظیر یک منبع در اختیار نیک براون قرار می‌دهد؟ مفتضحانه‌تر این که از مأمور وزارت خارجه انگلیس متضرر عانه درخواست می‌کند که از آقای ناطق «انتظار معجزه» نداشته باشد و به سکوت وی در قبال فشارهای تندروها اکتفا کند.

آقای اردشیر لاریجانی که جلب حمایت بیگانگان را برای انتخاب نامزد دلخواه خود در انتخابات تکذیب می‌کند، برای چه منظوری مجمع روحانیون مبارز را به وزارت خارجه انگلیس تندر و طرفدار افزایش جایزه اعدام سلمان رشدی و آقای ناطق نوری را مخالف آن معرفی می‌کند؟ آیا این اقدام جز یک مواضع سیاسی برای جلب حمایت وزارت خارجه انگلیس از نامزد ریاست جمهوری دلخواه اردشیر لاریجانی است؟

در همین جا از سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن و وزارت امور خارجه سؤال می‌کنیم، که چگونه اظهارات آقای اردشیر لاریجانی در مورد مصاحبه مطبوعاتی اش و تعریف نیک براون از این مصاحبه که در «اهم مطالب» وجود دارد در «متن کامل مذاکرات» به طور کامل و بدون وجود کوچک‌ترین قرینه‌ای از این مکالمات، حذف شده است؟

- در ادامه مذاکرات در مورد سلمان رشدی و در هر دو متن تهیه شده، آقای اردشیر لاریجانی از طریق انگلیس به اروپای متحد پیام می‌دهد که اگر، «بتواند در زمان باقی‌مانده از دولت آقای هاشمی [در مورد مسئله سلمان رشدی] به توافق برسد، موفقیت خوبی خواهد بود». سؤال از آقای اردشیر لاریجانی این است که آیا توصیه و پیام خود را با هماهنگی وزارت خارجه و شخص رئیس جمهور، از طریق این «قاصد مورد اعتماد»، برای اروپای متحد فرستاده است (آن هم ملاقاتی که برای «دریافت پیام انگلیسی‌ها» انجام شده است)؟! یا این که صرفاً یک مصلحت‌اندیشی شخصی برای گرفتار کردن رئیس جمهور فعلی و حل مشکل نامزد مورد نظر خود، در صورت انتخاب، بوده است؟

ضمناً از این «سیاستمدار فرزانه و متعهد» که قطعاً اروپای متحد (منهای انگلیس) و تضاد آنها را با انگلیس و امریکا در مورد مسائل جهانی می‌داند و واقف است که انگلیس، در عین عضویت در اتحادیه اروپا، مانند یک عامل نفوذی امریکا در آن اتحادیه عمل می‌کند و نیک و واقف است که در طرح بزرگ نمایی و تحریک اروپای متحد در ماجرای سلمان رشدی، انگلیس نقش تعیین‌کننده دارد و هدفش تیره کردن روابط آنها با ایران اسلامی است، چگونه این روباه مکار را به عنوان واسطه خیر در روابط ایران و اروپا و ایران و آلمان انتخاب کرده است؟! آیا جز این است که آقای اردشیر لاریجانی نسبت به انگلیس و امریکا (به دلایلی که برای ما معلوم نیست) احساس نزدیکی بیشتری می‌کند؟

- در بخشی از مذاکرات آمده است (سوالات نیک براون در هر دو متن تقریباً یکسان و پاسخ‌های اردشیر لاریجانی در متن دوم دارای عبارت زینتی و احترام‌آمیز است. پرسش‌ها و پاسخ‌های زیر از «اهم مطالب» استخراج شده است):

«براون: جنابعالی از حامیان جدی آقای ناطق بوده و در این جهت تلاش نمایید. درباره آقای ری شهری تا حدی مطلع‌ام. درباره آقای خاتمی بفرمایید.

لاریجانی: انتخابات جدی در پیش داریم. آقای خاتمی یک فرد فرهنگی و شخصیت برجسته‌ای است. در بین روشنفکران و هنرمندان هم طرفداران زیادی دارد. آقای خاتمی کاندیدای جناح تندر و می‌باشد. آقای صانعی رئیس بنیاد پانزده خرداد هم جناح آقای خاتمی است که امروز درباره جایزه، موضوعی را مطرح کرده است (جمله اخیر در «متن کامل مذاکرات» به عنوان سؤال بعدی نیک براون مطرح شده است).

براون: تحمل آقای خاتمی نسبت به آزادی بیان و مطبوعات تا چه حد می‌باشد؟

لاریجانی: خاتمی شخصاً اهل تسامح و تحمل می‌باشد ولی گروهی که وی را حمایت می‌کنند، افراد تندرویی هستند.

عصر ما: آقای اردشیر لاریجانی، «سیاستمدار فرزانه متعهد»، طرح این مطالب با یک دیپلمات خارجی، آن هم انگلیسی، که دولت مطبوع‌اش سابقه نفوذ سلطه دو بیست ساله در کشور ما داشته و هنوز هم متأسفانه عواملش در کشور ما فعال هستند، چه ارتباطی با سیاست خارجی ایران، نشست رسمی که «با موافقت مقامات رسمی کشور به منظور دریافت پیام مقامات انگلیسی» صورت گرفته است، دارد؟!؟

آقای اردشیر لاریجانی! این که چرا دیپلمات انگلیسی به صرف این که، «جنابعالی از حامیان جدی آقای ناطق نوری» هستید، نیازی به سؤال در مورد ایشان نمی‌بیند و این که چرا در اینجا به دنبال حمایت از کاندیدای خود هستید، به ما مربوط نیست ولی شما به چه دلیل همانند یک منبع اطلاعاتی را در اختیار یک کشور خارجی و استعمارگر به قصد براندازی یا استحاله نظام ما را دارد، قرار می‌دهد که هیچ ارتباطی به روابط دو کشور و مأموریت ادعایی شما ندارد؟

آیا شما به همین ترتیب تاکنون سه هزار مذاکره با دیپلمات‌های خارجی کرده‌اید؟! وای بر ما اگر چنین باشد.

آقای لاریجانی با مأمور انگلیسی در مورد ماجرای میکونوس و روابط ایران و آلمان، گفتگوهای مفصلی به عمل آورده است که به علت ارتباط آن با سیاست خارجی کشور از درج آنها معذوریم و صرفاً به ذکر بخشی از آن که در مطبوعات درج شده است، می‌پردازیم در پاسخ این سؤال براون که اگر نتیجه دادگاه [میکونوس] برعکس انتظارات شما باشد، عکس‌العمل چه خواهد بود؟ اردشیر لاریجانی که نظیر یک برده مطیع خود را موظف به پاسخگویی صادقانه می‌بیند جواب می‌دهد: «قطعاً سفارت آلمان در تهران مورد تهدید واقع نخواهد شد... دیپلمات‌های آلمانی آسیبی نخواهند دید».

ما معتقدیم که این پاسخ به انگلیس امکان داده تا آلمان و اروپا را علیه ایران تحریک کرده و به تصمیم‌گیری دادگاه میکونوس کمک کند.

ممکن است برخی تصور کنند که انتقال صحبت اردشیر لاریجانی به مقامات آلمان از سوی انگلیس به نفع آلمان بوده است حال آن که سؤال فوق و پاسخ دلخواه دریافت شده، کمک مؤثری به استراتژی از پیش تعیین شده انگلیس برای تیره کردن روابط ایران و اروپا کرده و به ضرر هر دو دولت ایران و آلمان بوده است.

آقای اردشیر لاریجانی، «سیاستمدار فرزانه متعهد» اگر هیچ رابطه ویژه‌ای با انگلیسی‌ها ندارد با چه مجوزی عکس‌العمل دولت ایران را در قبال

رأی دادگاه میکنونوس، از طریق آنها به اطلاع آلمان‌ها رسانده و از این طریق به تصمیم‌گیری دادگاه میکنونوس کمک کرده است و استراتژی انگلیس و امریکا را در مورد برهم زدن روابط ایران و اروپای متحد، قرین موفقیت می‌کند؟ این اقدام در کنار حملات به ظاهر انقلابی ایشان به اروپای متحد آلمان خصوصاً بعد از ماجرای میکنونوس، سؤال بر انگیزتر می‌شود.

پیشنهاد اردشیر لاریجانی به وزارت خارجه انگلیس، در مورد اتحاد با انگلیس و امریکا در مورد عراق از مواردی است که باید دقیقاً پیگیری و منشأ آن کشف شود.

چنین پیشنهادی خلاف منافع ملی ایران اسلامی و در جهت منافع امریکا و انگلیس و نتیجه آن تسلط کامل این دو امپریالیست جهانخوار بر منطقه و حتی سراسر جهان است و به همین علت کلیه دولت‌های مستقل و مخالف سلطه امریکا بر جهان، در قبال چنین اقدامی موضع مخالفت دارند. از نایب‌المتحد (منهای انگلیس)، روسیه، چین، هند و حتی سوریه که دشمنی قدیمی با رژیم حاکم بر عراق دارد، از چنین طرحی پشتیبانی

چنان‌که در جمع‌بندی مبحث قبل اعلام کردیم، ما برخورد قاطع با اقدام اردشیر لاریجانی‌ها را، اقدامی فراجناحی و ملی و وظیفه کلیه جناح‌های خودی و طرفدار انقلاب و نظام می‌دانیم.

- ما از جناح متبوع آقای اردشیر لاریجانی مصراانه می‌خواهیم، به جای سکوت، برخورد انفعالی، تلاش در جهت تطهیر نامبرده یا کمرنگ جلوه‌دادن فاجعه و ... از بیم تأثیر آن بر رأی خود در انتخابات، هر چه سریع‌تر و قاطعانه حساب خود را از ایشان و امثال ایشان جدا کرده و با حملاتی به مراتب شدیدتر از سایر جناح‌ها به این قبیل اقدامات، امپریالیسم انگلیس را مایوس و ناامید کنند.

حمایت تلویحی جناح همسو با اردشیر لاریجانی از وی، سبب خواهد شد که انگلیس یک جناح را پشت مذاکرات لندن تلقی کرده و دز مواضع ضد اسلامی، ضد انقلابی و ضد ایرانی خود جری‌تر است.

- ما ضمن این‌که همه طیف و جناح‌های خودی دیگر را در عدم بهره‌برداری سیاسی، جناحی و انتخاباتی از اقدام آقای اردشیر لاریجانی دعوت می‌کنیم، متقابلاً به آنها توصیه می‌کنیم که مبادا از بیم چنین بهره‌برداری‌هایی، این مسئله مهم و خطیر ملی را به فراموشی سپرده و لوٹ کنند.

تکذیب ادعای دکتر لاریجانی «توسط مهندس موسوی»

منبع: هفته نامه عصر ما

تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۳

نوع مطلب: خبر

نویسنده: -

در پی انتشار مصاحبه آقای دکتر محمدجواد اردشیر لاریجانی با روزنامه ایران (۱۳۷۶/۱/۳۰) روز شنبه (۱۳۷۶/۱/۳۰) آقای مهندس میرحسین موسوی در تماس با روزنامه جمهوری اسلامی ضمن تکذیب ادعای وی گفت: اینجانب به عنوان کسی که در زمان صدور حکم ارتداد سلمان رشدی رئیس دولت بودم اعلام می‌کنم در این زمینه دولت سوالی از حضرت امام نکرد و حضرت امام هم نه تنها چنین مطلبی به دولت نفرمودند بلکه توسط مرحوم حاج احمد آقا به اینجانب پیغام دادند که دولت موضع‌گیری کند.

این پیغام را مرحوم حاج سیداحمد آقا ظهر روز ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ یعنی همان روز صدور حکم حضرت امام، تلفنی به اینجانب رساندند و اینجانب به عنوان نخست‌وزیر بیانیه‌ای تهیه کردم و قبل از ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز آن را در اختیار صدا و سیما قرار دادم که در اخبار ساعت ۲ بعد از ظهر و بعد از قرائت حکم حضرت امام، از رادیو خوانده شد و در بعضی مطبوعات هم متن کامل آن به چاپ رسید. در این بیانیه، علاوه بر اعلام یک روز عزای عمومی و دعوت از هسته‌های حزب‌الله در جهان اسلام جهت انجام اقدامات لازم برای خنثی کردن توطئه جدید امریکا (انتشار کتاب آیات شیطانی)، با صراحت اعلام شده است که «دولت و ملت ایران در مقابل این توطئه کثیف ساکت نخواهد نشست و هر نوع اقدام مقتضی را برای جلوگیری از این دسیسه شوم به عمل خواهد آورد.

گرمای تنور انتخابات ریاست جمهوری و نیز بحث پیرامون حکم ظالمانه دادگاه میکونوس در طول دو هفته اخیر به هیچ وجه موجب نشده است که محافل سیاسی و مطبوعاتی لحظه‌ای از نقد و تفسیح مذاکره محرمانه آقای محمد جواد اردشیر لاریجانی با نیک براون انگلیسی غافل بمانند. البته در این میان مطبوعاتی هم بودند که کوشش کردند از پوشش اخبار جدید جهت به فراموشی سپردن عمل فوق بهره جویند.

روزنامه رسالت در شماره ۱۳۷۶/۱/۲۳ مقاله‌ای از وی درباره دادگاه میکونوس چاپ کرد و با درج آن در صفحه نخست خود دفاع کرد. این اقدام از سوی روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله‌ای تحت عنوان «آی دزد» مورد عتاب قرار گرفت و لاریجانی در مقاله این روزنامه مصداق آن مثل شد که: «عده‌ای دزدی را تعقیب می‌کردند و او نیز برای آن که رد گم کند و مردم را به اشتباه بیندازد هم صدا با تعقیب کنندگان خود فریاد می‌زد: آی دزد!» چرا که «همین شخص با ... چراغ سبزی که به غرب در ماجرای میکونوس داده اکنون علیه دادگاه میکونوس و اروپا مقاله می‌نویسد!» روزنامه جمهوری اسلامی بر این نکته تأکید کرد که «تطهیر نماینده خاطی در آب گل آلود فعلی از سوی معدود حامیان او موجب حساس‌تر شدن غیرتمندان خواهد شد. غیرتمند... که نه تنها اصل پرونده بلکه تلاش‌هایی که در جهت دستکاری آن صورت می‌گیرد را نیز مطرح خواهند کرد.» روزنامه مذکور در همین مقاله مسئله متن اول و دوم مذاکرات را مطرح و اصالت متن دوم مذاکرات لاریجانی - براون را زیر سؤال برد.

همین گونه برخورد قبلاً به نحو دیگری از سوی حجت‌الاسلام محتشمی دنبال گردیده بود. وی طی سخنانی که در روزنامه سلام ۱۳۷۶/۱/۱۹ منتشر گردید، جناح حامی لاریجانی و نامزد انتخاباتی آن را مورد خطاب قرار داد و گفت: «اگر من به جای آن کاندیدای مورد علاقه بودم - که صد بار از خدای می‌خواهم که نباشم - توی دهن چنین مؤید و معرف و رأی جمع کننده‌ای می‌زدم و او را از خود طرد می‌کردم. اگر من بودم چنین فرد بی‌هویتی را از مجلس شورای اسلامی بیرون می‌کردم نه این که از پشت تریبون مجلس یک نماینده محترمی بیاید و به دفاع از او برخیزد.» این سخنان موجب شد که حامیان آقای لاریجانی ادعای مستقدان را کذب بخوانند.

به عنوان مثال رسالت در شماره ۱۳۷۶/۱/۲۵ نقل قول زیر را از زبان یکی از خوانندگان خود در ستون تلفنی تازه تأسیس‌اش منتشر کرد: «چندی پیش روزنامه‌هایی با تحریف سخنان آقای لاریجانی در یک عمل کاملاً سیاسی او را به اتهام کذابی رعایت نکردن مصالح نظام مورد حمله قرار دادند.» اما این دفاع و دفاعیات دیگری از این دست منجر به انتشار علنی مذاکرات لاریجانی - براون شد. انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده فنی متن مذاکرات را با عنوان «مردم نامحرم نیستند» منتشر کرد. البته قبل از آن دفتر تحکیم وحدت نیز با انتشار بیانیه‌ای خواستار افشا و طرد مشتاقان رابطه با پیکانگان شده بود. در بند دوم این بیانیه آمده است: «چرا آقای محمد جواد لاریجانی به عنوان یک مجرم سیاسی و کسی که مسائل داخلی کشورش را در اختیار سیاستمداران انگلیسی قرار می‌دهد دستگیر و محاکمه نمی‌شود؟» سپس بر نفوذ لیبرال‌ها در یک جناح خاص و تناقض این حضور با «شعارهای ضد لیبرالی آقایان» تأکید کرد و وصایای امام را حل را درباره طرد سازش‌کاران به نیر وهای حزب الهی و خط امامی متذکر گردید.

دفتر تحکیم وحدت از جناح متبوع آقای لاریجانی می‌پرسد: «به راستی اگر یکی از افراد منتسب به دیگر جناح‌ها ده‌ها مرتبه رقیب‌تر از مطالبی که آقای لاریجانی در ملاقات دوستانه‌اش به براون گفته است مطلبی را عنوان می‌کرد جناح تمامت خواه با براه انداختن تبلیغات همه جانبه چه عکس‌العملی نشان می‌داد؟»

این همان پرسشی بود که آقای محمد سلامتی دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در میزگرد دانشگاه تهران مطرح کرد. روزنامه سلام در تاریخ ۱۳۷۶/۱/۲۷ گزارش این میزگرد به نقل از آقای بادامچیان دبیر اجرایی جمعیت موفته می‌نویسد «این که فردی یک حرفی را بزند نمی‌توان به طیف‌های دیگر تعمیم داد. همه می‌دانند دکتر لاریجانی سابقه طولانی در رفت و آمد به خارج از کشور دارد و تحلیل‌گر هم هست. خودش را دعوت کنید و اجازه دفاع هم به او بدهید... اگر کسی از ما خلاف کرده باشد به همان میزان مجازات خواهد شد.» آقای سلامتی در همین میزگرد تأکید کرد: «اگر چه در متن مصاحبه دکتر لاریجانی تغییراتی بعداً صورت گرفته اما در محتوای آن تغییری حاصل نشده است و بار مصیبتی که داشته هنوز هم دارد.»

با توضیحات دبیر اجرایی موفته معلوم شد که آقای لاریجانی تا حدودی در درون جناح خود نیز منزوی شده است. این امر زمانی تشدید شد که رئیس مجلس شورای اسلامی در بازگشت از روسیه گفت: «این که کسی طرفدار یک جناح است یک بحث است اما این که هر چه می‌گوید حرف بنده یا جناح است این حرف درستی نیست که او نماینده جناح است. من خودم اعلام کردم که سخنگو ندارم و موضع من مشخص است... ایشان برای معالجه فرزندشان به خارج رفتند و یک دیدار رسمی در سفارتخانه ترتیب داده و گزارش‌هایی را هم سفارتخانه تهیه کرده و ایشان اعتقاد دارند تفسیری که از بحث‌هایی که آنجا شده است درست نیست.» آقای ناطق نوری موضوع را واجد رنگ سیاسی دانست. «دیدار رسمی» خواننده شدن مذاکرات لاریجانی - براون عملاً زمینه را فراهم کرد که آقای لاریجانی نیز در پاسخ به اظهارات قائم مقام جمعیت دفاع از ارزش‌ها بگوید: «مذاکرات... با نماینده دولت بریتانیا مذاکراتی رسمی بوده است که به درخواست دولت انگلیس صورت گرفته و مشروح مذاکرات توسط وزارت امور خارجه تهیه و جز اسناد رسمی می‌باشد.» این جوابیه را همشهری در تاریخ ۱۳۷۶/۱/۲۸ منتشر کرد در حالی که روز قبل از آن انتقادات حجت‌الاسلام حسینیان در جمع دانشجویان دانشگاه شریف را منتشر کرده بود. وی گفته بود: «محتوای مذاکره طبق آنچه منتشر شده است بسیار تکان دهنده است. او خیال کرده است که اکنون سال ۱۳۲۰ است که سفارت انگلیس برای ما وزیر و وکیل تعیین کند...

اگر این موضع یک شخصیت حقوقی است این را باید یک مصیبت تلقی کنیم خصوصاً که اخیراً مصاحبه با رادیو بی‌بی‌سی توسط بعضی از

شخصیت‌ها هم موضوع را به شدت مشکوک کرده است.

کیهان نیز پس از مدت‌ها سکوت وارد صحنه شد و طی سر مقاله ۱۳۷۶/۱/۲۷ خود از یک جناح خاص می‌پرسد: «بالاخره موضع شما در برابر کسی که در گفتگو با دیپلمات‌های انگلیسی مقدسات مردم را به بازی می‌گیرد چیست؟» این روزنامه همچنین در تاریخ ۱۳۷۶/۱/۲۸ مطلبی از قول یکی از خوانندگان خود درج کرده گفته بود: «از این که به نماینده‌ای که با یک دیپلمات انگلیسی مذاکره کرد اجازه داده نشد در سفر به مسکو همراه رئیس مجلس باشد خوشحال‌ایم. این که آقای ناطق نوری اعلام کرد سخنگویی ندارد جواب خیلی خوبی به اظهارات آن نماینده است و بی‌انتظار این بود که آقای ناطق نوری ماهیت و محتوای مذاکره با یک مقام انگلیسی را هم محکوم کند».

علاوه بر محافل سیاسی تهران برخی علمای قم نیز در این زمینه اظهاراتی کردند. روزنامه ایران به نقل از آیت‌الله عباپی خراسانی نوشت: «فردی در خارج از کشور به امریکا چراغ سبز نشان داده که مبادا خاتمی رئیس جمهوری شود زیرا او از جمله کسانی است که برای قتل سلمان رشدی جایزه تعیین کرده است». مهندس بهزاد نبودی نیز در جمع دانشگاهیان و دانشجویان همدان گفت: «انتخابات یک مسئله داخلی است و ارتباطی به بیگانگان ندارد... آنها (لاریجانی - براون) همانند دو یار قدیمی می‌نشینند و راجع به مسائل داخلی کشور... داد سخن می‌دهند. گویا قرار است رئیس جمهور ما را خارجی‌ها انتخاب کنند آقای خاتمی را از چشم می‌اندازند و رقیب ایشان را بزرگ می‌کنند». آقای نبوی ماجرا را فراتر از شخص لاریجانی ارزیابی کرده و می‌گوید: «اصولاً نمی‌شود این گونه تلقی کرد که موضوع دیدگاه و عملکرد یک فرد باشد بلکه باید بررسی شود چه کسانی هستند که چون یکی لو می‌رود دیگری از راه و مسیری دیگر سر بیرون آورده و همان شیوه را اجرا می‌کنند؟» خانم دکتر وسمقی نیز در مصاحبه با روزنامه سلام (۱۳۷۶/۲/۱) به شدت به مذاکرات آقای لاریجانی حمله کرد و گفتنی است که پیش از آن انجمن اسلامی مدرسان دانشگاه‌ها طی نامه‌ای به نمایندگان محترم مجلس خواستار عزل آقای لاریجانی از مناصب مدیریتی شده بود.

همچنین هفته‌نامه‌های «گزارش هفته» و «پنج‌شنبه‌ها» نیز به جمع منتقدین پیوستند و به چاپ بخش‌های مهم متن مذاکره آقای لاریجانی با «نیک براون» مبادرت کردند. «گزارش هفته» در شماره ۲۰۷ خود (۱۳۷۶/۱/۲۷) نوشت: «در خبرها نیامده بود بعضی معتقدند تشنج روابط ایران و آلمان مربوط به این است که جناحی خاص می‌خواهد محوریت خارجی ایران را که اکنون بر همکاری با اروپای واحد استوار است بر همکاری بیشتر با انگلیس استوار سازد».

مهندس باهنر از اعضای تشکل‌های همسو نیز اظهارات آقای لاریجانی را شخصی توصیف کرد که دو سه اشکال به آن وارد است اما نباید آن را به سایرین تعمیم داد و آقای مرتضی نبوی نیز به رغم دفاع ضمنی از آقای لاریجانی اعلام کرد که از نظر اعتقادی اشکالاتی به مذاکرات وی وارد است. سپس نوبت به خود آقای لاریجانی رسید. روزنامه ایران در تاریخ ۳۰ و ۳۱/۱/۱۳۷۶ مصاحبه‌ای با وی ترتیب داد که در آن او به ارائه شرح ماجرا پرداخت و صحت متن اول مذاکره را تکذیب کرد. وی همچنین در مورد موضع‌اش درباره سلمان رشدی سخنانی را از قول امام (ره) نقل نمود. در تاریخ ۱۳۷۶/۱/۳۱ مهندس میرحسین موسوی در تماس با روزنامه جمهوری اسلامی اظهارات آقای لاریجانی و سخن نسبت داده شده به امام را کذب محض خواند و رسالت در یک اقدام نه چندان غیر منتظره و در صفحه اول خود پاسخ آقای لاریجانی را به اظهارات مهندس موسوی درج کرد.

«شما» ارگان جمعیت مولفه اسلامی نیز در هشتمین شماره خود (۱۳۷۶/۱/۲۸) بدون کوچکترین اشاره‌ای به چنین مذاکره‌ای، مصاحبه‌ای مفصل با آقای لاریجانی درباره دادگاه میکونوس صورت داد و غیر مستقیم از وی دفاع کرد.

ابعاد حقوقی مذاکرات لندن

منبع: هفته نامه عصر ما

تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۱۷

نویسنده: -

مذاکره آقای جواد اردشیر لاریجانی با رئیس اداره خاور میانه وزارت امور خارجه انگلستان بر سر مسائل مهمی چون سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری ایران، آینده عراق و بدیل مناسب برای رژیم این کشور. قضیه سلمان رشدی مرند، پیامدهای دادگاه میکونوس و ... هنوز هم نقل محافل سیاسی است و همگان منتظر روشن شدن زوایای تاریک آن هستند. به قضیه مذکور می توان از زوایای گوناگونی نگریست که یکی از آنها، بررسی حقوقی موضوع است. مابه دلایل زیر گمان می کنیم طرح مسئله از این زاویه اهمیت دارد:

الف- به ارتقای آگاهی قشرهای مختلف مردم و خصوصاً قشر تحصیلکرده دانشگاهی و حوزوی و نیز مسئولانی که احیاناً در معرض مواجهه با عناصر بیگانه قرار دارند کمک شایانی نموده و چارچوب های قانونی مربوط به ملاقات با بیگانگان را شفاف تر می کند.

ب- ملاقات مذکور را از آن حیث آیا حاوی «عنصر مادی جرم» است یا نه، مورد مطالعه قرار داده و به دستگاه قضایی کمک می کند فارغ از ملاحظات سیاسی، برخوردی عادلانه با موضوع داشته باشد.

ج- با درخواست های مکرر مجامع سیاسی که خواستار رد اعتبارنامه طرف مذاکره کننده در مجلس و سلب مسئولیت وی از مرکز پژوهش های مجلس، مرکز تحقیقات فیزیک نظری و مشاورت شورای عالی امنیت ملی و بالاخره کاهش دسترسی وی به اسناد و اطلاعات طبقه بندی شده و ... شده اند، برخوردی منطقی صورت خواهد گرفت.

د- این درخواست رئیس محترم مجلس که فرموده اند با قضیه برخورد سیاسی نکنید امثال خواهد شد.

ه- و بالاخره استراتژی «فرار به جلوی» آقای لاریجانی که همگان را تهدید و شکایت حقوقی کرده اند، پاسخ متناسب خود را خواهد یافت.

با مقدمات یاد شده ابتدا بهتر است برای فتح باب، موادی از قانون مجازات اسلامی جهت آشنایی بیشتر خوانندگان ارائه شود.

در ماده یک این قانون تصریح شده است کسانی که با دول خارجه یا مأمورین آنها اسباب چینی کنند و سبب زیان دولت جمهوری گردند به عنوان تعزیر از یک تا ده سال محکوم خواهند شد.

در ماده ۱۳ این قانون که اختصاص به ارائه اطلاعات به بیگانگان دارد، آمده است که اگر به دول طرف خصومت با جمهوری اسلامی اطلاعاتی داده شود که متضمن تعلیمات و فوایدی برای آنها باشد و این تعلیمات و فواید، موجب اضرار به دولت جمهوری اسلامی ایران چه در بعد نظامی و چه در بعد سیاسی گردد، مرتکب از یک تا ۵ سال حبس محکوم خواهد شد.

همچنین بند ب از ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی (مصوب ۷ شهریور ۱۳۶۰) اشعار می دارد: «هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارتخانه ها، نمایندگی ها، ارگان های دولتی و احزاب خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد، جرم محسوب شده و جمعیت ها و احزابی که مرتکب این جرائم شوند، متحمل خواهند شد».

با در نظر گرفتن محتوای قوانین یاد شده، برای آن که ببینیم مذاکرات آقای لاریجانی با نیک براون، مصداق کدام یک از جرائم جاسوسی، مواضعه، مبادله اطلاعات، تبانی، ارائه تعلیمات و فواید یا اسباب چینی است و یا با هیچ یک از آنها تطبیق کند، باید موارد زیر روشن شود:

۱- آقای اردشیر لاریجانی صراحتاً اسناد منتشره در این خصوص را مشکوک و مخدوش اعلام کرده است. بنابراین وزارت امور خارجه باید نظر رسمی خود را در مورد اسناد یاد شده اعلام نماید و به این سوالات جواب دهد که آیا مسئول تهیه صورت جلسه حاضر در مذاکره مرتکب خطا شده است؟ آیا مسئولین اداره رمز در امور محوله کوتاهی کرده اند؟ آیا دست هایی در ادارات تابعه وزارت خارجه برای آقای لاریجانی پاپوش درست کرده اند و یا ...؟

همچنین باید این وزارتخانه درباره سند دومی که آقای لاریجانی مدعی صحت آن است، توضیحات کافی بدهد به این ترتیب می باید بررسی شود که آیا جرائمی مانند جعل اسناد رسمی، دس و تحریف در مدارک رمز شده و ... صورت گرفته است یا خیر، چرا که اگر ثابت شود متن دوم صحیح است، وزیر محترم امور خارجه باید پاسخگویی ضعف و نارسایی در سیستم خود باشد و اگر متن اول دقیق است، به چه دلیلی متن جدیدی تهیه شده است؟

۲- آقای لاریجانی ادعا کرده اند که مذاکراتش رسمی بوده است. اگر چنان که ایشان مدعی اند این مذاکرات رسمی است وزارت خارجه باید رسماً توضیح دهد که چه مرجعی مأموریت مذاکره را به وی محول کرده است؟ و ایشان به نمایندگی از شورای عالی امنیت ملی یا مجلس شورای اسلامی یا وزارت خارجه بر سر میز مذاکره حاضر شده اند؟ و یا این که به دنبال جا انداختن دیدگاه ها و کاندیدای مورد نظر خود بوده است.

۳- چنان که از مفاد مذاکره بر می آید این قبیل مغالزه ها مسبقه به سابقه است و احیاناً سوابق آن در اختیار وزارت امور خارجه می باشد که علی القاعده در هر محکمه رسمی باید این اسناد نیز به دادگاه ارائه شود.

۴- همچنین پرونده های گذشته آقای لاریجانی که در مجادلات قلمی اخیر در پارهای از مطبوعات ذکری از آنها به میان آمده است، به خصوص

پرونده‌هایی که منجر به عزل وی از معاونت وزارت خارجه گردیده نیز باید در اختیار دادگاه فوق قرار گیرد تا به عنوان علل مخففه یا مشدده به آنها نیز رسیدگی شود.

از نظر ما اگر چنین دادگاهی به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه و ارباب جرأید تشکیل شود، برای ارتقای سطح بینش عمومی بسیار مفید خواهد بود و ریشه انحراف را تا مدت‌های مدیدی خواهد خشکاند و الا در صورت بی‌توجهی به این علائم بالینی خطرناک، کشور ما خدای ناکرده به جایی خواهد رسید که انقلاب مشروطه رسید.

۵- آقای لاریجانی در یک ژست حق به جانب «حرکت برخی از مطبوعات رادز مخدوش کردن چهره سیاسی خود خارج از آداب اسلامی دانسته و مدعی شده‌اند متن شکایتی را علیه روزنامه‌هایی که آغازگر این جو بوده‌اند تنظیم کرده‌اند». (کیهان ۷۶/۱/۲۷)  
«عصر ما» به عنوان یکی از جرأیدی که در پرداختن به این موضوعه سیاسی مصر بوده، هر چند اولین نشریه نبوده است، اعلام می‌کند از هرگونه شکایتی علیه خود در این خصوص استقبال می‌کند و آمادگی کامل خود را برای حضور در هر دادگاهی که برای رسیدگی به این مسئله تشکیل شود چه به عنوان شاکی و چه متشاکی اعلام می‌دارد.<sup>(۴)</sup>

۶- ما منتظریم تا مقامات قضایی، اقدامات قانونی را در خصوص رسیدگی به این پرونده انجام دهند و طبعاً اگر تعللی در این مورد مشاهده کنیم حق خود و همه نیروهای حزب الهی و انقلابی می‌دانیم که علیه آقای جواد اردشیر لاریجانی به اتهام جعل اسناد دولتی، موضوعه با دول بیگانه، ارائه اطلاعات متضمن تعلیمات و فواید به دول طرف خصومت جمهوری اسلامی ایران اعلام جرم کنیم.

به نظر می‌رسد جناح متبوع آقای لاریجانی کماکان می‌خواهد از وی حمایت کند و همان‌گونه که مدیر مسئول روزنامه رسالت پس از انتشار مصاحبه لاریجانی با مطبوعات انگلیسی در جهت معرفی کاندیدای خود به جهانیان، به صحنه آمد و در دفاع از اقدام وی سنگ تمام گذاشت، این بار وظیفه دفاع از لاریجانی و حمایت از موضوعه وی با مأمورین انگلیسی، به عهده آقای بادامچیان و آقای ترقی نماینده مولفه در مشهد واگذار شده است. آقای بادامچیان مدعی است: «جنگال برخی بر روی سخنان آقای لاریجانی شبیه جنگال طرفداران بنی صدر به هنگام افشای نوار آیت است. وقتی در محضر حضرت امام مشخص شد حق با شهید آیت است، شهید مظلوم بهشتی فرمودند که بنی صدر به خاطر نسبت دادن مطالب کذب به شهید آیت باید محاکمه شود ولی حضرت امام راحل آن را مصلحت ندانستند». (رسالت ۷۶/۲/۲)

و آقای ترقی در نطق پیش از دستور خود در مجلس می‌گوید: «طرحی را برای تخریب یک شخصیت و اندیشمند سیاسی کم نظیر تهیه می‌کنند و بی‌انصافانه بدون آن که حرف او را بشنوند و حقیقت مذاکره وی را ببینند به ترور شخصیت او می‌پردازند و حادثه غم‌انگیز نوار شهید آیت در تبلیغات بنی صدر را که توطئه‌ای علیه روحانیت و حزب بود، تکرار می‌کنند. اینها همه با حرکت برای بازسازی معنوی جامعه مغایرت دارد». (خبر ۷۶/۲/۱)

مشاهده می‌شود که آقایان با گستاخی و بی‌بروایی هرچه تمام‌تر با شبیه‌سازی‌های من‌درآوردی تلاش می‌کنند همه جریانات مخالف موضوعه با انگلیس (از جمله ائتلاف خط امام، کارگزاران، جمعیت دفاع از ارزش‌ها و ...) را به منافقین و بنی صدر تشبیه کنند و آقای لاریجانی را آیت ثانی بخوانند که مثل شهید بهشتی، مظلوم واقع شده و باید مخالفینش را به پای میز محاکمه کشاند.  
این تشبیه‌ها به ما حق می‌دهد که شک و تردید خود را از این که جناح متبوع آقای لاریجانی در جرایم وی سهیم‌اند ابراز داریم و لاریجانی را تنها پیشقراول این موضوعه بدانیم.

۱- ما معتقدیم مذاکره آقای لاریجانی با نیک‌براون، با اغراض کاملاً سیاسی صورت گرفته و قرار نبوده که مثلاً حمد و سوره آقای نیک‌براون اصلاح شود و یا درس اخلاق به وی داده شود. با این وجود از جناحی و انتخاباتی کردن مسئله به شدت پرهیز و برخورد کامل با این اقدام رابه عنوان آغاز یک انحراف بزرگ و خطرناک بعد از انتخابات موقوف کرده‌ام.

۲- رئیس محترم مجلس ضمن وارد دانستن اشکالاتی به هر دو متن اعلام کرد که آقای لاریجانی مأموریتی از سوی مجلس برای ملاقات نداشته است.

۳- آقای باهنر برای فرار از مسئولیت این مذاکرات اعلام کرد که جناح ما سخنگو ندارد. برای ما روشن نیست که وی به «سخنگویی» از سوی جناح خود این موضوع را اعلام کرده است یا مطلب فوق نظر شخصی خود اوست. در حالت دوم مشکل حل نمی‌شود اما حالت اول نیز به این معناست که آن جناح واجد حداقل یک سخنگو یعنی آقای باهنر است.

۴- «عصر ما» در سال گذشته هنگام افشای عمل ننگین آقای خاموشی، عضو شورای مرکزی جمعیت مولفه، که از برادر مرتد و قاتل خود به عنوان شهید یاد کرده بود، اعلام کردیم حاضریم در هر دادگاهی که علیه ما تشکیل شود، سرافرازانه شرکت کنیم.

همان‌طور که خوانندگان محترم در جریان هستند، آقای محمدجواد اردشیر لاریجانی در سفر غیررسمی خود به لندن، طی یک مصاحبه با مطبوعات خارجی (عمدتاً انگلیسی) به تبلیغات انتخاباتی و جلب حمایت خارجیان از نامزد دلخواه خود پرداخت، که مورد اعتراض شدید وسایل ارتباط جمعی و گروه‌های سیاسی داخلی قرار گرفت. اردشیر لاریجانی و جناح متبوعش، ضمن دفاع از این مصاحبه، اقدام مزبور را معرفی نامزد ریاست جمهوری خود به جهانیان خوانده و گروه‌های منتقد را به شدت مورد حمله قرار دادند. در این گیرودار گزارش «اهم مطالب» مذاکرات آقای اردشیر لاریجانی با آقای نیک براون، مسئول میزبانان وزارت خارجه انگلیس که در همین سفر و به دنبال مصاحبه مطبوعاتی سابق الذکر، صورت گرفته و از سوی سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن تهیه شده بود، در اختیار مطبوعات قرار گرفت. این مذاکرات نه تنها مؤید انتقادات مطرح شده نسبت به مصاحبه آقای اردشیر لاریجانی بود، بلکه حکایت از نوعی موضعه و تبنانی سیاسی با یک دولت استعمارگر خارجی در مورد مسائل و سیاست‌های داخلی کشور می‌کرد. اردشیر لاریجانی و معدودی از همفکرانش بدو تلاش کردند متن افشا شده را «مخدوش» جلوه دهند «بعضاً هنوز هم در این مورد مانور می‌کنند»، ولی باشکست این تلاش‌ها آقای اردشیر لاریجانی ضمن تماس با سفارت ایران در لندن با درخواست ارسال متن دیگری، تحت عنوان «متن کامل مذاکرات»، و توزیع متن جدید، در صدد حل مشکل و خروج از مخمصه برآمد، که نه تنها موفقیت‌آمیز نبود، بلکه بر مشکلات قبلی نیز افزود و برخدشه‌دار نبودن گزارش قبلی نیز صحه گذاشت.

«عصر ما» از ابتدای امر، حساسیت فراوانی نسبت به مصاحبه و مذاکرات مزبور نشان داد و طی سه مقاله طولانی در سه شماره پیاپی، با نگاهی متفاوت، به بررسی موضوع پرداخت و مذاکرات لندن را نوعی موضعه تلقی کرد. متأسفانه شواهد و قراین همگی ناشی از صحت برداشت ما در این مورد است.

۱- بخش فارسی رادیو دولتی، سخنگوی امپریالیسم انگلیس، طی تفسیری در تاریخ ۱۷۶/۲/۲، پیرامون انتخابات ریاست جمهوری و مذاکرات اردشیر لاریجانی با مأمور انگلیسی در لندن، علی‌رغم تمامی پیچیدگی‌های سیاسی، در این مجموعه، ضمن نقل گفتار بی‌بی‌سی، به مقایسه فرازهای آن با آنچه در مذاکرات لندن گذشته و تحلیل موضوع می‌پردازیم.

«شواهد حاکی از آن است که سیاستمداران ایران گرچه لباس روحانیت برتن دارند ولی همانند سیاستمداران بسیاری از کشورهای دیگر از هیچ تلاشی برای کسب رأی دریغ نمی‌کنند. بنابراین مشاجرات داغ‌کنونی در ایران، درباره این که چه کسی می‌تواند سلمان رشدی را بکشد و چه کسبی نمی‌تواند او را بکشد بیشتر حاکی از تلاشی برای جمع‌آوری رأی است تا وفاداری به اصول اسلام. اختلافات در این باره حدود چند هفته پیش آغاز شد و وقتی که هفته‌نامه «ارزش‌ها» وابسته به محمد محمدی ری‌شهری وزیر سابق اطلاعات و یکی از نامزدهای ریاست جمهوری از یک ملاقات در لندن بین محمدجواد لاریجانی نماینده مجلس ایران با یک مقام وزارت خارجه بریتانیا پرده برداشت. هفته‌نامه «ارزش‌ها» نوشت که در این ملاقات آقای لاریجانی که از کاندیداتوری علی اکبر ناطق نوری رئیس مجلس ایران حمایت می‌کند به مقام انگلیسی اطمینان داد که فتوای آیت‌... خمینی ربطی به دولت ایران ندارد و دولت کسی را برای کشتن سلمان رشدی نمی‌فرستد. این موضع‌گیری آقای لاریجانی قاعدتاً نمی‌بایست کسی را متعجب می‌کرد چرا که دولت کنونی ایران بارها گفته است که کسی را برای کشتن نویسنده بریتانیایی نمی‌فرستد و آقای ناطق نوری نیز همین موضع را در مصاحبه اخیر خود با بی‌بی‌سی مورد تأکید قرار داد ولی به نظر می‌رسد که جناح‌های رادیکال اسلامی که از کاندیداتوری محمد خاتمی، وزیر پیشین فرهنگ، حمایت می‌کنند فکر کردند که فرصتی به دست آورده‌اند تا جناح رقیب را مورد حمله قرار دهند. جناح رادیکال حال اصرار می‌ورزد که همه مسلمانان و از جمله دولت اسلامی ایران موظفند که فتوای آیت‌... خمینی را اجرا کنند و نباید در این باره هیچگونه مصالحه‌ای با غرب صورت بگیرد.

در هر صورت در حالی که مشاجرات در مورد چگونگی قتل سلمان رشدی همچنان ادامه دارد و نظر برخی را هم به خود جلب کرده معلوم نیست که این مسئله تاچه حد بتواند بر رأی مردم معمولی ایران در انتخابات ریاست جمهوری تأثیر بگذارد. مردم مشکلات جدی و عمده دیگری و از جمله مشکلات اقتصادی دارند و برای بسیاری از آنها سلمان رشدی اصلاً مسئله نیست و بنابراین از این بحث که کشتن نویسنده آیات شیطنی وظیفه دولت ایران هست یا نیست کاملاً بدور هستند.

۲- برای تشخیص ارتباط میان مذاکرات لندن و تفسیر سابق الذکر بی‌بی‌سی لازم می‌دانیم از گفتگوهای اردشیر لاریجانی و نیک براون انگلیسی را از گزارش «اهم مطالب» مذاکرات لندن (مورخ ۱۳۷۶/۱/۲۶) عیناً به شرح زیر نقل کنیم:

«براون: امروز خبر بدی درباره رشدی دریافت نمودم که بنیاد ۱۵ خرداد جایزه ۲/۲ میلیونی را مجدداً مطرح نموده است. البته می‌دانم که این بنیاد دولتی نیست ولی قطعاً این خبر تأثیر بدی در ماجرا، خواهد گذاشت. بحث‌های مربوط به رشدی بین EU [اتحادیه اروپا] و ایران به مرحله انتظاری برای امضای وزارت خارجه ایران رسیده است. حتماً در مصاحبه مطبوعاتی جنابعالی سؤالات مشابهی از سوی خبرنگاران مطرح شد. جواب شما چه بود؟»

لاریجانی: مسئول بنیاد ۱۵ خرداد آقای صانعی است. ایشان یکی از اعضای مجمع روحانیون مبارز می باشد. مجمع روحانیون مبارز هم از کاندیداتوری آقای خاتمی حمایت کرده است. موضع گیری ۱۵ خرداد را - یک نوع مانور تبلیغاتی برای مصرف داخلی دانست. تندروها می خواهند که به آقای ناطق نوری فشار آورده تا از مواضع قبلی خود عدول نماید. با مواضع آقای ناطق نوری و من هم آشنا هستید. ما تغییر مواضع نداده ایم. حداکثر باید انتظار داشت که آقای ناطق نوری در برابر این فشارها سکوت اختیار نماید وگرنه نباید انتظار معجزه از ایشان داشت. بحث جدید رشدی در ایران را باید یک بحث داخلی برای انتخابات ریاست جمهوری دانست و به هیچوجه یک بحث بین المللی نیست. امروز خبرنگاران هم سوالاتی درباره رشدی مطرح نمودند که طبق روال معمول پاسخ دادم.

براون: جنابعالی معمولاً برخورد خوبی با رسانه ها داشته اید. بنابراین حتماً مصاحبه خوبی شده است. در هر حال، امضای نامه مربوط به رشدی از سوی ایران بسیار مهم است. هرچه زودتر باید مسئله نامه حل و فصل گردد.

لاریجانی: اگر EU بتواند در زمان باقی مانده از دولت آقای هاشمی به توافق برسد، موفقیت خوبی خواهد بود. در حالی که موضوع رشدی اولویت درجه یک برای دولت بعدی نخواهد داشت. دولت بعدی درگیر مسائل مختلفی شده و فرصت کافی برای موضوع رشدی نخواهد داشت.

همچنین بخشی از توصیه های آقای اردشیر لاریجانی، به مأمور انگلیسی، در مذاکرات لندن، که بلافاصله در گفتار بی بی سی تأثیر خود را بر جا گذاشته است، از «متن کامل مذاکرات» عیناً در زیر نقل می شود: «... می توان گفت در صحنه انتخابات فعلی، دو تشکل یا حزب سیاسی جدی رقابت می کنند. یکی حول جامعه روحانیت مبارز هستند که از آقای ناطق نوری حمایت می کنند. این جناحی است که غربی ها قبلاً به آنها میانه رو می گفتند و حالا محافظه کار، دیگری حول مجمع روحانیون مبارز هستند که از آقای خاتمی حمایت می کنند. این همان جناحی است که غربی ها قبلاً آنها را تندرو یا رادیکال می خواندند ولیکن اخیراً میانه رو می نامند یا لیبرال ... لیکن من همان اسم قبلی، یعنی تندرو و میانه رو را ترجیح می دهم...»

۳- تحلیل رابطه تفسیر بی بی سی با مذاکرات لندن:

- برای روشن شدن هماهنگی و همسویی تفسیر بی بی سی با مذاکرات لندن، یکی از فرازهای هر دو مطلب فوق را با یکدیگر مرور و مقایسه می کنیم:

بی بی سی: «... سیاستمداران ایران گرچه لباس روحانیت بر تن دارند، ولی - از هیچ تلاشی برای کسب رأی دریغ نمی کنند. بنابراین مشاجرات داغ کنونی در ایران، درباره این که چه کسی می تواند سلمان رشدی را بکشد و چه کسی نمی تواند او را بکشد بیشتر حاکی از تلاشی برای جمع آوری رأی است، تا وفاداری به اصول اسلام...»

اردشیر لاریجانی در پاسخ به نگرانی نیک براون در مورد افزایش جایزه اعدام سلمان رشدی توسط بنیاد ۱۵ خرداد می گوید: «... ایشان [حجت الاسلام والمسلمین صانعی] یکی از اعضای روحانیون مبارز می باشد. مجمع روحانیون مبارز هم از کاندیداتوری آقای خاتمی حمایت کرده است. موضع گیری ۱۵ خرداد [در مورد افزایش جایزه اعدام رشدی مرتد]، باید یک نوع مانور تبلیغاتی برای مصرف داخلی دانست...» («اهم مطالب» مذاکرات لندن - صفحه اول) پاسخ فوق در «متن کامل مذاکرات» لندن، به صورت زیر آغاز شده و مابقی آن تقریباً نظیر متن قبلی است. «مسئله سلمان رشدی ابعاد مختلفی دارد... حال به همه اینها باید شرایط قبل از انتخابات را اضافه کنید...» («متن کامل مذاکرات» - صفحه اول و دوم)

آیا تفاوتی میان تحلیل بی بی سی و آقای اردشیر لاریجانی وجود دارد؟ به نظر می رسد که آقای صادق صبا در انتقال جمع بندی مذاکرات لندن کاملاً امانتداری کرده است! ملاحظه می شود که بی بی سی تحلیل جواد اردشیر لاریجانی را برای نیک براون دریافته و در جهت گمراه کردن خوانندگان از آن استفاده می کند.

۳-۲- در کنار ارائه تحلیل فوق، بی بی سی تلاش می کند «مشاجرات داغ کنونی» پیرامون مذاکرات لندن را، به اختلاف سیاسی دو جناح «درباره این که چه کسی می تواند سلمان رشدی را بکشد و چه کسی نمی تواند» تبدیل و وانمود کند که اعتراضات علیه مذاکرات اردشیر لاریجانی با مأمور انگلیسی، اختلاف دو جناح سیاسی است و موضعهای در کار نیست.

۳-۳- بی بی سی در تفسیر خود تلاش می کند حتی با تحریف مطالب منتقدان به اقدام جواد اردشیر لاریجانی، ضمن تطهیر وی، انتقادکنندگان را ماجراجو، خشن، بی منطق معرفی کرده و در فعالیتهای انتخاباتی سهم خود را ایفا کند.

بی بی سی از یک سو مطلب نشریه «ارزش ها» درباره مذاکرات لندن را که نوشته بود: «آقای محمد جواد لاریجانی... دیداری نیز با آقای نیک براون از سیاستمداران برجسته انگلیسی داشته اند. گفته می شود موضع نامبره در این گفتگو، بسیار شنیدنی است. به ویژه پیرامون تسخیر لانه جاسوسی امریکا و حکم ارتداد سلمان رشدی و جایزه روبه افزایش بنیاد ۱۵ خرداد برای حکم مذکور» به کلی دگرگون کرده و ضمن تحریف آن می گوید: «هفته نامه ارزش ها نوشت که در این ملاقات آقای لاریجانی که از کاندیداتوری علی اکبر ناطق نوری رئیس مجلس ایران حمایت می کند، به مقام انگلیسی اطمینان داد که فتوای آیت ا... خمینی ربطی به دولت ایران ندارد و دولت کسی را برای کشتن سلمان رشدی نمی فرستد...» در متن فوق خوانندگان عزیز «امانتداری» بی بی سی را نسبت به مطالب دیگران (به غیر از مطالب آقای اردشیر لاریجانی) به خوبی ملاحظه می کنند! حتی یک عبارت بی بی سی با نوشته ارزش ها تطبیق نمی کند و علت آن هم روشن است. بی بی سی بر آن است که از قول

هفته‌نامه مزبور، حرف‌های اردشیر لاریجانی را تغییر داده و قابل قبول گرداند.

اردشیر لاریجانی به مأمور انگلیسی می‌گوید که هدف ۱۵ خرداد از طرح جایزه برای اعدام سلمان رشدی تبلیغات انتخاباتی و مصرف داخلی است و بی بی سی با تحریف مطالب نشریه ارزش‌ها این مطلب را موجه کرده و ادعا می‌کند که وی گفته «دولت کسی را برای کشتن سلمان رشدی نمی‌فرستد». این نقل قول مجعول نشان می‌دهد که انگلیس و بی بی سی نیز بی‌به‌گرفتاری آقای اردشیر لاریجانی برده و از تمامی مذاکرات وی تنها این جملات جعلی را نقل کرده‌اند.

به طوری که ملاحظه می‌شود، بی بی سی علاوه بر این که در ابتدای تفسیر خود تلاش دارد کلیه انتقادات مطرح شده نسبت به مذاکرات لندن را به «مشاجرات داغ» بر سر کشتن سلمان رشدی تبدیل کند و ضمن این که به دروغ اظهاراتی را از قول نشریه ارزش‌ها به اردشیر لاریجانی نسبت می‌دهد که وی را تطهیر کند، بر پایه همین تحریف‌های فریبکارانه به دفاع علنی از وی پرداخته و می‌گوید «این موضع‌گیری آقای لاریجانی قاعدتاً نمی‌بایستی کسی را متعجب می‌کرد، چرا که دولت کنونی ایران بارها گفته است کسی را برای کشتن نویسنده بریتانیایی نمی‌فرستد» و به این ترتیب همچون خود اردشیر لاریجانی بر آن است که پای «دولت» و «مقامات مسئول» را در مذاکرات لندن باز کرده و برای وی شریک جرم پیدا کرده و یا قبح اقدامش را کاهش دهد.

۳-۴- از سوی دیگر آثار مواضع آقای اردشیر لاریجانی را با وزارت خارجه انگلیس در بخش‌های دیگر تفسیر بی بی سی نیز می‌توان مشاهده کرد. برای نمونه اردشیر لاریجانی در مذاکرات لندن از غرب (انگلیس) می‌خواهد همچون گذشته جناح متبوعش را «میان‌ه رو» (به جای «محافظة کار» و جناح مقابل را «رادیکال» (به جای «میان‌ه رو»)، بنامند. رادیو دولتی انگلیس در لیک به درخواست «مشاور صدیق» خود و در یک اقدام جدید در تمام تفسیر خود آقای خاتمی را تنها نامزد جناح رادیکال و کاندیدای مورد حمایت آقای ریجانی، را نامزد جناح میان‌ه رو می‌خواند.

۳-۵- بی بی سی در تفسیر خود تلاش می‌کند برخورد با آقای اردشیر لاریجانی را برخورد دو جناح با یکدیگر برای کسب رأی مردم عنوان کند. ... اما ... است به آن مسئله ... تفاوت کند و بنابراین هر که بد: «جناح‌های رادیکال اسلام ... فکر کردند که فرستی

### به خاطی مدال ندمیم!

منبع: هفته نامه فتح کرمان

تاریخ: ۱۳۷۵/۱۲/۲۷

نوع مطلب: خواندنی های مطبوعات کشور نویسنده: سردبیر هفته نامه مبین

در طول هفته گذشته نیز همچنان اقدام آقای محمد جواد لاریجانی در برپایی جلسه مصاحبه مطبوعاتی در محل سفارتخانه ایران در لندن و برشمردن نقاط ضعف سیاست های جاری نظام و ارائه نقطه نظرات آقای ناطق نوری در صورت پیروزی در انتخابات آینده، در محافل سیاسی کشور محل توجه و اظهار نظرهای گوناگون بود.

در این ارتباط تقریباً تمامی جناح های سیاسی کشور به جز جناح متبوع آقای لاریجانی به تقبیح عمل آقای لاریجانی و محتوای سخنان ابراز شده از ناحیه ایشان پرداختند.

در این میان انتظار این بود که جناح گروه های همسو بر اساس منافع باندی و جناحی خود، حداقل در این ارتباط سکوت اختیار نماید تا مسئله مشمول مرور زمان گردد، لکن در کمال تعجب شاهد آن بودیم که هفته گذشته آقای مرتضی نبوی در نطق قبل از دستور خود در مجلس شورای اسلامی ضمن دفاع جاتانه از شخصیت آقای لاریجانی، با نوعی برون فکنی حمله خود را متوجه جناح خط امام نموده و اتهامات ناروایی را نسبت به این جناح وارد نموده بودند.

می باید به متولیان جناح مذکور توصیه نمود که شایسته آن است و به صداقت نزدیک تر این است که به عوض حمله و تهاجم به دیگران تلاش در جهت تنبیه و جلوگیری نمودن از افراد خاطی وابسته به خود نماید و با تجلیل از آنها موجبات تجری ایشان را فراهم ننماید.

در این خصوص می باید به جناح مذکور توصیه نمود که دایره حفظ منافع خطی جناحی خود را تا محدوده مسائلی که به آبروی نظام و امنیت ملی کشور مربوط می شود گسترش ندهند و اگر شهادت پذیرش اشتباهی از ناحیه هم جناحی های خود را ندارد، برای غبار آلود نمودن فضا و به فراموشی سپرده شدن موضوع، بی جهت نکوشد و پنجه به چهره دیگران نکشد.

انجام اعمالی همانند مغلوب جلوه دادن دیدگاه ها و اظهار نظرهای دیگران هر چند عادت مألوف برخی جراید منتسب به جناح مذکور شده است و در نزد اهل بصیرت، ارتکاب به چنین اعمالی دور از انتظار نبوده و محلی از اعتنا ندارد، لکن خوب است تا که اینان لااقل حریم نگاه داشته، از متانت جناح خط امام سوء استفاده ننموده و دامنه برخوردهای تخریبی خود را تا مرز نشر اکاذیبی پیرامون تقید جناح خط امام به برخی اصول لایتغیر خود، گسترش ندهد.

میدان سنجش میزان تقید و نزدیکی جناح ها به اندیشه ها و آرمان های حضرت امام (ره)، عرصه ای است که ورود در آن قطعاً برای برخی ناخوشانید خواهد بود و در این میان نامه منتشر نشده حضرت ایشان پیرامون یکی از روزنامه های کثیرالانتشار، برای اجتناب نمودن متولیان آن جریده در ورود به این وادی کفایت می کند.

### تقیح روزنامه جمهوری اسلامی از عملکرد «دکتر لاریجانی»

منبع: هفته نامه کیهان هوایی | تاریخ: ۱۳۷۵/۱۲/۸ | نوع مطلب: خبر | نویسنده: -

در پی مصاحبه محمدجواد لاریجانی - نماینده مجلس شورای اسلامی - در لندن درباره عملکرد اقتصادی و سیاست خصوصی سازی در دولت آقای هاشمی رفسنجانی، روزنامه جمهوری اسلامی طی سرمقاله‌ای اظهارات لاریجانی را تقیح کرد.

روزنامه جمهوری اسلامی در بخشی از سرمقاله خود که روز اول اسفندماه چاپ شد، نوشت: جای تعجب دارد که با گذشت کمتر از دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی عناصر مرتبط با برخی کاندیداها به خود اجازه می‌دهند با سفر به خارج از کشور، برای جلب رضایت بیگانگان تلاش و آن را در چارچوب «مصلحت نظام» توجیه کنند و همه چیز را به حساب «تشویق و جلب نظر بیگانگان برای سرمایه گذاری در ایران اسلامی» بگذارند.

روزنامه جمهوری اسلامی در بخشی دیگر از سرمقاله با اشاره به این که شورای امنیت ملی باید در برابر این اظهارات حساسیت نشان دهد، موضع گیری اخیر لاریجانی را فتح باب نادرست دانسته و تأکید می‌کند:

ما قویاً به این نکته معتقدیم که عمل افراد در چارچوب ذهنیت و اهداف شان معنی و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند و به همین دلیل، این فتح باب نامیمون، علائم بسیار زشت و چندش آوری را در ذهن ها تداعی می‌کند.

روزنامه جمهوری اسلامی در ادامه می‌افزاید:

این نقطه شروع بسیار خطرناکی است که برخی تصور کنند کاندیدای ریاست جمهوری بایستی مقبولیتی هم از دیدگاه غرب داشته باشد تا بتواند امتیازاتی را به سوی کشور سرازیر کند. این نقطه آغاز سقوط ما در همان مسیری است که یک بار ایران در دوره ستمشاهی، آن را با ویژگی های حقارت آمیزش، تجربه کرده ولی به برکت خون صدها هزار شهید و پس از ۲۰ قرن مبارزه، خود را از آن ورطه هولناک نجات داده است.

روزنامه جمهوری اسلامی با اشاره به تجربه دولت موقت در اوایل انقلاب یادآور شده است:

امروز بدون هیچ گونه رودریاستی، لازم است همه در قبال این مسائل چندش آور و این اظهارات و مراودات مشکوک و غیر اصولی، حساس باشند. فراموش نکنیم که دیدار اولین نخست وزیر و وزیر خارجه دولت انقلاب با امریکایی ها به کنار رفتن آنها انجامید و هیچ کس با آن پدیده مماشات نکرد.

در پایان روزنامه جمهوری اسلامی خواستار بازپرسی از نماینده مجلس شده است: امروز هم لازم است از این نماینده مجلس پس از بازگشت به تهران، بدون تعارف، بازپرسی شود و او در موضع یک متهم به ملت و نظام و مراکز مسئول پاسخ دهد که چرا و با کدام اجازه و انگیزه، چنین مطالبی را اظهار کرده است؟ در غیر این صورت بیم آن می‌رود که در آینده ای نه چندان دور، طرفداران نامزدها برای کسب مجوز از بیگانه و جلب حمایت دیگران و سوسه شوند که این به معنی فاتحه انقلاب و پایان استقلال کشور است و چنین مباد!

### اشکال اعتقادی اظهارات «دکتر لاریجانی» از دیدگاه «مهندس نبوی»

منبع: هفته نامه کیهان هوایی | تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۱۰ | نوع مطلب: خبر | نویسنده: -

پس از مذاکرات محمدجواد لاریجانی با یک دیپلمات انگلیسی و واکنش های انتقادی محافل داخلی در برابر آن، مهندس مرتضی نبوی - مدیر مسئول روزنامه رسالت - طی سخنانی در کرمان اعلام کرد: اظهارات دکتر لاریجانی از لحاظ اعتقادی اشکال دارد.

مهندس نبوی هر چند متن منتشر شده مذاکرات لاریجانی با مدیر کل آسیای وزارت امور خارجه انگلیس را مخدوش خواند، ولی یادآور شد: به اعتقاد من نباید از یک مذاکرات سیاسی و رسمی که جنبه محرمانه داشته برای خدشه دار کردن مواضع طرفدار حجت الاسلام ناطق نوری استفاده کرد.

## مذاکره با مقام انگلیسی؛ چرا و با کدام هدف؟

منبع: هفته نامه گزارش هفته

تاریخ: ۱۳۷۶/۱/۲۷

نوع مطلب: مصاحبه | نویسنده: -

این روزها در محافل سیاسی کشور و صحبت‌های غیررسمی، سخن از مذاکراتی است که میان آقای لاریجانی (نماینده مجلس شورای اسلامی) و نیک براون (رئیس اداره خاورمیانه وزارت خارجه انگلستان) در اواخر زمستان سال ۱۳۷۵، انجام شده است. ظاهراً نیک براون در پی دیداری که از ایران داشته است، درخواست می‌کند که با آقای لاریجانی دیدار کند و طرف ایرانی نیز به این تقاضا پاسخ مثبت می‌دهد. البته مطبوعات و رسانه‌های داخلی، اشاره‌ای به این دیدار و مفاد مذاکرات فی مابین نکرده‌اند، اما اکنون مشروح این مذاکرات در تعداد و نسخی محدود انتشار یافته و یک نسخه از آن نیز به دفتر نشریه «گزارش هفته» واصل گردیده است.

متأسفانه مطالعه مشروح مذاکرات میان طرف ایرانی و انگلیسی، حکایت از آن دارد که جناب لاریجانی به رغم تجربیات طولانی خود در امر دیپلماسی، خواسته است از این طریق به حکومت انگلستان هشدار دهد که اگر آقای دکتر خاتمی رئیس جمهوری آینده ایران شود، اقدامات ضدغربی و نیز تلاش برای کشتن سلمان رشدی شدت خواهد یافت! در مقابل آقای لاریجانی اطمینان خاطر داده‌اند که اگر آقای ناطق نوری و جناح وابسته به ایشان روی کار بیایند روابط ایران با غرب بهبود خواهد یافت و مسئله سلمان رشدی بدتر از آنچه که هست نخواهد شد! اما قبل از این که به تحلیل و تفسیر این موضوع بپردازیم، بهتر است عیناً به مذاکرات آقای لاریجانی و نیک براون در این مورد توجه کنید:

«نیک براون - امروز خبر بدی درباره رشدی دریافت نمودم که بنیاد پانزده خرداد جایزه ۲/۲ میلیون دلاری را مجدداً مطرح نموده است. البته می‌دانم که این بنیاد دولتی نیست ولی این خبر تأثیر بدی در ماجرا خواهد گذاشت. بحث‌های مربوط به رشدی بین اتحادیه اروپا و ایران به مرحله انتظاری برای امضای وزارت خارجه ایران رسیده است. حتماً در مصاحبه مطبوعاتی جنابعالی سؤالات مشابهی از سوی خبرنگاران مطرح شد، جواب شما چه بود.

لاریجانی - مسئول بنیاد پانزده خرداد آقای صانعی است. ایشان یکی از اعضای مجمع روحانیون مبارز می‌باشد. مجمع روحانیون مبارز هم از کاندیداتوری آقای خاتمی حمایت کرده است. موضع‌گیری پانزده خرداد را نباید یک مانور تبلیغاتی برای مصرف داخلی دانست. تندروها می‌خواهند که به آقای ناطق نوری فشار آورده تا از مواضع قبلی خود عدول نماید. با مواضع آقای ناطق نوری و من هم آشنا هستید. ما تغییر موضع نداده‌ایم. حداکثر باید انتظار داشت که آقای ناطق نوری در برابر این فشارها سکوت اختیار نماید و گرنه نباید انتظار معجزه از ایشان داشت. بحث جدید رشدی در ایران باید یک بحث داخلی برای انتخابات ریاست جمهوری دانست و به هیچ وجه یک بحث بین‌المللی نیست. امروز خبرنگاران هم سؤالاتی درباره رشدی مطرح نمودند که طبق روال معمول پاسخ دادم.

براون - جنابعالی معمولاً برخورد خوبی با رسانه‌ها داشته‌اید. بنابراین حتماً مصاحبه خوبی شده است. در هر حال امضای نامه مربوط به رشدی از سوی ایران بسیار مهم است، هرچه زودتر باید مسئله نامه حل و فصل شود. لاریجانی - اگر اتحادیه اروپا و پاپ بتواند در زمان باقی مانده از دولت آقای هاشمی به توافق برسد، موفقیت خوبی خواهد بود. در حالی که موضوع رشدی الویت درجه یک برای دولت بعدی نخواهد داشت. دولت بعدی درگیر مسائل مختلفی شده و فرصت کافی برای موضوع رشدی نخواهد داشت.

خواننده عزیز همان‌طور که مشاهده می‌کنید در مذاکرات فوق آقای لاریجانی کاملاً خود را موافق حل مسئله رشدی و همسو با خواسته و نظر غربی‌ها نمایانده و در مقابل عامل اصلی این «معضل» را جناح مجمع روحانیون مبارز عنوان کرده است؛ همان جناحی که به تأکید ایشان از نامزدی آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری حمایت می‌کند. آقای لاریجانی با تأکید بر این موضوع، آشکارا به طرف انگلیسی پیام می‌دهد که جناح مربوط به ایشان (جامعه روحانیت مبارز تهران و نامزد آن در انتخابات، آقای ناطق نوری) بسیار معتدل و طرفدار حل مسئله رشدی هستند اما جناح مقابل (مجمع روحانیون مبارز)، افراطی، ضدغربی و ضد رشدی‌اند! حالا این پرسش پیش می‌آید که به فرض هم که انگلیسی‌ها آنچه را که آقای دکتر لاریجانی در این مورد گفته است بپذیرد، بعدش چه روی خواهد داد؟ آیا مگر خدای نکرده انگلیسی‌ها در روی کار آمدن یا روی کار نیامدن رئیس جمهوری بعدی ایران می‌توانند مؤثر باشند؟؟ از صحبت‌های آقای لاریجانی چنین برمی‌آید که گویا جلب نظر انگلیسی‌ها می‌تواند در سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری ایران مؤثر باشد!!

اجازه بدهید ببینیم ادامه مذاکرات آقای براون و لاریجانی به کجا ختم می‌شود. در ادامه این مذاکرات چنین آمده است:

«براون - جنابعالی از حامیان جدی آقای ناطق نوری بوده و در این جهت تلاش می‌کنید. درباره آقای ری شهری تا حدی مطلع‌ام، درباره آقای خاتمی بفرمایید.

لاریجانی - انتخابات جدی در پیش داریم. آقای خاتمی یک فرد فرهنگی و شخصیت برجسته‌ای است و در بین روشنفکران و هنرمندان هم طرفداران زیادی دارد. آقای خاتمی کاندیدای جناح تندرو می‌باشد.

آقای صانعی رئیس بنیاد پانزده خرداد هم جناح آقای خاتمی است که امروز دوباره جایزه موضوع [رشدی] را مطرح کرده است.

براون - تحمل آقای خاتمی نسبت به آزادی بیان و مطبوعات تا چه حد می‌باشد؟

لاریجانی - خاتمی شخصاً اهل تسامح و تحمل می‌باشد ولی گروهی که وی را حمایت می‌کنند افراد تندرویی هستند.

همانطور که ملاحظه می‌کنید، در این بخش از مذاکرات، همچنان آقای لاریجانی سعی دارد که طرف انگلیسی را از بابت روی کار آمدن آقای خاتمی و جناح تندرو بترساند. آقای لاریجانی در حالی که چند سطر بالاتر گفته بود که آقای صانعی رئیس بنیاد پانزده خرداد و کسی که جایزه ۲۲ میلیون دلاری برای سر سلمان رشدی گذاشته عضو عالی رتبه مجمع روحانیون مبارز و حامی نامزدی آقای خاتمی است، باز هم این موضوع را تکرار می‌کند. پرسش اینجاست که ترساندن طرف انگلیسی از بابت روی کار آمدن «تندروها» و آقای خاتمی، چه سودی برای آقای لاریجانی دارد؟ به فرض اینکه آقای لاریجانی در برانگیختن مخالفت انگلیسی‌ها با مجمع روحانیون مبارز و آقای خاتمی به توفیق هم برسند، خوب در این صورت چه نفعی برای ایشان خواهد داشت.

سؤال را می‌شود این طور مطرح کرد که جلب حمایت انگلیسی‌ها از نامزدی آقای ناطق نوری و جامعه روحانیت مبارز واقعاً چه نفعی برای این جناح و آقای ناطق دارد؟ اینها پرسش‌هایی است که آقای لاریجانی باید به آن پاسخ دهند.

بر کسی پوشیده نیست که نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی است مستقل که فارغ از خواست و نظر هر دولت بیگانه‌ای درباره امورات خویش تصمیم می‌گیرد و آن را اجرا می‌کند. مذاکرات میان آقای لاریجانی و نیک براون از آن جهت عجیب و حیرت‌آور است که طرف ایرانی به نحوی در این مذاکرات اظهار نظر کرده که اگر فردی نظام مستقل جمهوری اسلامی ایران را نشناخته باشد، تصور می‌کند که خدای نکرده امورات و تصمیمات اصلی این کشور در جای دیگری گرفته می‌شود! این مذاکرات به هیچ روی در شأن یک دیپلمات جمهوری اسلامی ایران نیست. برای کشوری که مسئولان درجه اول‌اش مدام از عزت اسلامی سخن می‌گویند و مردم نیز این شیوه مرضیه را در تمامی حیطه‌های سیاسی و دیپلماتیک کشورشان دیده‌اند، این نحوه سخن گفتن با نماینده دیپلماتیک یک کشور غربی تعجب‌آور و ناراحت‌کننده است. یقیناً آقای لاریجانی خوب می‌دانند که انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، تمامی رشته‌های وابستگی ایران را به ابرقدرت‌های شرق و غرب از هم گسیخت. اکنون ایران، مستقل‌ترین کشور جهان است و بیگانگان هیچ‌گونه نقشی در امور داخلی کشور ما ندارند. مذاکرات اخیر آقای لاریجانی با نیک براون، خواننده را به یاد دوران قاجاریه می‌اندازد؛ دورانی که سفارت‌خانه‌های خارجی روس و انگلیس صدراعظم برای کشورمان تعیین می‌کردند!

از سوی دیگر، باید اظهار تأسف کرد که چرا نماینده شاخص یک جناح سیاسی کشور باید برای جلب حمایت یک دولت خارجی از خود و جناح‌اش این گونه عمل کند. به آقای لاریجانی یادآوری می‌کنیم، همان‌طور که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فرمودند تنها مردم تعیین‌کننده اصلی در گزینش رئیس جمهوری بعدی کشور هستند. حکومت‌های غربی، همچون دولت انگلستان، بسیار ضعیف‌تر از آن هستند که بتوانند کوچک‌ترین تأثیری در گزینش یا عدم گزینش فردی به عنوان رئیس جمهوری بعدی کشورمان داشته باشند. دولت و حکومت انگلستان خیلی که زرنگ باشد، باید مواظب منافع اقتصادی خود در ارتباط با ایران باشد که مبادا بر اثر اهمال کاری‌اش، از کف برود.

اما اجازه دهید این مطلب را با نقل بخش دیگری از این مذاکرات، که طی آن جناب لاریجانی برای این که خود را کاملاً «فردی مطلوب و معقول» نشان دهد، خط بطلان بر انقلاب دوم (تسخیر لانه جاسوسی در آبان ۱۳۵۸) کشیده است، به پایان ببریم:

براون - ماجرای میکونوس برای ما خیلی مهم است. اگر ثابت شود که ایران در ماجرای میکونوس دخالت داشته، عکس‌العمل ایران چه خواهد بود؟ لاریجانی - تاکنون برخوردهای توهین‌آمیزی با ایران صورت گرفته است. بنابراین نباید در انتظار مسئله حادثتری بود. تاکنون برخوردها خیلی تند بوده است. موج انتقاد از ایران بالا گرفته و کمیته ویژه‌ای هم موظف به بررسی روابط ایران و آلمان شده است. قرار است گزارش نهایی به مجلس داده شود. براساس گفته دولت ما، دولت ایران هیچ‌گونه نقشی در ماجرا نداشته است. بنابراین نتیجه دادگاه نباید علیه ایران باشد ما به سیستم قضایی آلمان اعتماد داریم. روابط ما قبلاً آسیب دیده و فکر نمی‌کنم بیش از این لطمه‌ای وارد آید. البته نباید ماجرای اتهامات علیه ایران در انفجارات آرژانتین را فراموش نمود. همه تبلیغات علیه ایران بسیج شد ولی وقتی عدم دخالت ایران تأیید شد، کوچک‌ترین اشاره را در رسانه‌ها شاهد بودیم. تکرار موضوع را نباید منتفی دانست.

براون - اگر نتیجه دادگاه برعکس انتظارات باشد، عکس‌العمل چه خواهد بود؟

لاریجانی - قطعاً سفارت آلمان در تهران مورد تهدید واقع نخواهد شد، رابطه بیشترین آسیب خواهد دید ولی به دیپلمات‌های آلمانی آسیبی نخواهد رسید.

براون - آیا به طور قطع شاهد عکس‌العمل خشونت‌بار از سوی ایران (علیه آلمان‌ها) نخواهیم بود؟  
لاریجانی - قطعاً، خیر.

براون - اگر برخورد خشونت‌آمیز صورت گیرد، فاجعه خواهد بود.

لاریجانی - حمله به سفارت ما در بن به صورت مکرر انجام گرفته است ولی ما با این کارها مخالف‌ایم.

براون - من و شما به عنوان دیپلمات با این کارها مخالف‌ایم ولی دیگران چی؟

لاریجانی - من نه اشغال سفارت آمریکا در تهران را تأیید می‌کنم و نه اذیت و آزار دیپلمات‌های ایرانی در اروپا. افرادی که از آقای خاتمی حمایت می‌کنند از اشغال سفارت آمریکا در تهران حمایت نموده و آن را تأیید می‌کنند ولی افراد لیبرالی مثل من آن را تأیید نمی‌کنند! معتمد باید طبق اصول و مقررات بین‌المللی با مسائل برخورد نمایم.

براون - سابقه ایران در جریان اشغال سفارت آمریکا در تهران هیچ‌گونه احترامی را برای کنوانسیون وین باقی نگذاشت. اگر اقدامی علیه سفارت آلمان در تهران صورت بگیرد واقعاً فاجعه خواهد بود! من علیه هر اقدامی هستم که بین ما و شما جدایی بیندازد.

در صورت توفیق الهی در این باره بیشتر خواهیم نوشت.

### اظهارات «دکتر لاریجانی»

منبع: هفته نامه مبین

تاریخ: ۱۳۷۵/۱۲/۲۹

نویسنده: —

محمد جواد لاریجانی در مصاحبه ای مطبوعاتی که در لندن انجام شده است، شاخصه ها و برنامه های آتی آقای ناطق نوری در عرصه اداره کشور را اعلام نمود.

خبرگزاری رویتر با مخابره خبری از این کنفرانس مطبوعاتی می گوید:

از نامزد پیشنهاد ایران برای انتخابات آینده ریاست جمهوری انتظار می رود در صورت برنده شدن برنامه اصلاحات اقتصادی رابه اجرا گذارد. لاریجانی در یک کنفرانس مطبوعاتی در لندن گفته است: فکر می کنم اگر ناطق نوری در انتخابات برنده شود برای اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی مهم در موقعیت خوبی قرار خواهد داشت. وی افزود: ناطق نوری اقتصاد را جانی تازه خواهد بخشید، سیاست پولی محکمی رابه اجرا خواهد نهاد، بر بانک ها نظمی محکم برقرار می کند و امنیت سرمایه گذاری را افزایش می دهد. ناطق نوری فعالیت اقتصادی بخش خصوصی را تشویق می کند، دولت را از فعالیت های مالی و اقتصادی برکنار می دارد و از ابعاد دولت خواهد کاست. لاریجانی گفت: «مایک دستگاه دولتی آماس کرده و ناشایست داریم. کوچک کردنش فرایندی پر مرارت است اما اهمیت زیادی دارد» وی گفت: ناطق نوری با رفسنجانی فرق دارد زیرا ناطق برنامه خصوصی سازی شرکت های دولتی را با سرعت بیشتری انجام خواهد داد. «خصوصی سازی حوزه های است که ناطق نوری قصد دارد باشدت و سرعتی بیش از رفسنجانی با پیش ببرد». وی گفت: رفسنجانی با خصوصی سازی مخالف نبود اما آن را در اولویت قرار نداد. ناطق نوری طرفدار سیاست پولی محکم تری در مقایسه با سیاست رفسنجانی است. «به نظر من این نیز جنبه مهمی از برنامه اقتصادی آقای ناطق نوری است». رفسنجانی ترجیح داده بر طرح های زیربنایی با شتاب بیشتری تأکید ورزد تا بر سیاست پولی کشور برنامه سخت گیرانه تری را اعمال کند. لاریجانی گفت: یک سیاست پولی منضبط تر اثرات پر دامنه تری خاصه بر نظام بانکی کشور دارد. اگر ناطق نوری انتخاب شود بانک مرکزی استقلال بیشتری خواهد یافت. از او سؤال شد شایعه هایی در مورد وزیر خارجه شدن او در صورت انتخاب شدن ناطق نوری در میان است، لاریجانی که عضو شورای امنیت ملی نیز هست، گفت، به همین موقعیتی که در مجلس دارد راضی است. «اینها مسائلی است که بعداً درباره شان تصمیم گیری می کنیم. بهتر است از همین حالا به آنها فکر نکنیم».

### بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران به مناسبت سالگرد صدور حکم ارتداد «سلمان رشدی»

منبع: هفته نامه مبین

تاریخ: ۱۳۷۵/۱۲/۲۹

نویسنده: —

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران به مناسبت هشتمین سالگرد صدور فرمان تاریخی امام خمینی (س) مبنی بر ارتداد سلمان رشدی، بیانیه ای صادر کرد.

در این بیانیه آمده است:

امام راحل عظیم الشان، آن احیاگر آیین محمدی مبارزه دائمی با کفر و الحاد و استکبار، با اندیشه ای فوق تصور و با ایمان و اتکال به مبدأ لایزال هستی، در شرایطی که نظام سلطه به خیال واهی خویش انقلاب اسلامی را در وضع انفعال قرار داده بود، با کباست، غیرت و تعهدی مقدس و ستودنی، قلب استکبار را مورد هجوم قرار داده و با صدور حکم تاریخی اعدام سلمان رشدی مرتد، از توطئه فرهنگی، سیاسی دشمنان قسم خورده اسلام و قرآن برده برداشت و آنان را در مهلکه ای که خود فراهم نموده بودند گرفتار ساخت (و مکرو و مکرالله والله خیر الماکرین). اینک در آستانه هشتمین سالگرد صدور آن حکم الهی بر مسلمانان جهان است تا با تاسی از آن رهبر یگانه، تمامی سنگر های کلیدی استکبار را مورد تهاجم قرار داده و هسته های مقاومت حزب الله باتلاشی همه جانبه در راستای اجرای آن حکم الهی، روزهای طولانی انتظار را به پایان رسانند. ما با ابراز انزجار از زرمه های محافظه کارانه عناصر مرعوب که این روزها جهت خوشایند غرب و محافل غرب گرا از گوشه و کنار به گوش می رسد و محکومیت شدید جریاناتی که سعی در محو و استحاله روح و اهداف انقلابی این حکم از حافظه ملل مسلمان دارند و به همراه انتقاد از سکوت مبهم و نامفهوم برخی رسانه ها و نهاد های مسئول داخلی در این خصوص، از مسئولان گرانقدر نظام مقدس جمهوری اسلامی به عنوان جدی ترین نظام حامی نهضت های توحیدی و اسلام ناب محمدی (ص) مصرانه می خواهیم با الهام از رهبر معظم انقلاب، فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق حکم انقلابی آن رهبر فرزانه که همانا بخش مهمی از میراث جاودانه اوست برآیند.

چرا مواضع اعلام شده در خارج از کشور با داخل کشور مخالف است؟

منبع: هفته نامه مبین

تاریخ: ۱۳۷۵/۱۲/۱۳

نوع مطلب: مقاله نویسنده: —

موضوع مصاحبه آقای دکتر لاریجانی در لندن که طی آن ضمن انتقادهایی صریح نسبت به عملکرد دولت فعلی، رنوس برنامه های آقای ناطق نوری را در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری بیان نموده بود، طی روزهای گذشته عکس العمل ها و بازتاب های متفاوتی را در جامعه برانگیخت.

در این ارتباط صرف نظر از قابل تأمل ترین مسئله موجود در این عمل، یعنی سخن گفتن در سرزمین بیگانه در خصوص مسائل داخلی کشور، آن هم در مهد استعمار و استثمار که طی روزهای گذشته به کرات و به حد کافی از سوی مطبوعات و شخصیت های سیاسی کشور بدان پرداخته شد، نکته حائز اهمیت دیگری نیز به چشم می آید.

نکته مذکور اینجاست که جناب آقای لاریجانی در مصاحبه مذکور در مطرح نمودن اولویت های آینده آقای ناطق، نه تنها هیچ اشاره ای به مباحثی که به عنوان اولویت های کاری ایشان در داخل کشور مطرح گردد، نموده نشده است، بلکه مباحثی را به عنوان اولویت مطرح کرده است که در تضاد و تنافی با اولویت های مورد اشاره در داخل کشور می باشد.

همگان مشاهده می نمایند که «عدالت اجتماعی» و «تهاجم فرهنگی» از جمله مباحث کلیدی و محوری است که جناح متبوع آقای لاریجانی در داخل کشور مطرح می نمایند و بر روی آن مانور بسیار می دهند و مخالفان خود را به دلیل عدم پایبندی به آن، مورد هجمه قرار می دهند (حال بگذریم از این که اینان تا چه میزان واقعاً به مقولات فوق متعهد می باشند و گذشته عملکردشان تا چه حد مؤید حساسیت های اعمال شده امروزی است)، لکن جناب لاریجانی در مصاحبه مذکور که در لندن برگزار شده است، نه تنها هیچ اشاره ای به این اولویت ها نمی نمایند بلکه از مقوله «خصوصی سازی» به عنوان محور اساسی دیدگاه های آقای ناطق نوری در زمینه اقتصادی نام می برند. حال ارتباط میان «خصوصی سازی» با «عدالت اجتماعی» و «مقابله با تهاجم فرهنگی» چیست؟ امری است که پاسخ آن بر ما نامعلوم است و لابد تنور یسین جناح «باز و لیبرال» مذکور جوابی قانع کننده بر این سؤال دارد. این تناقض زمانی علنی تر می گردد که توجهی به مواضع متخذه کاندیدای محترم این جناح خصوصاً در جریان سفر اخیر تبلیغاتی خود به استان مازندران بنماییم که طی آن کوچک ترین اشاره ای به مقوله «خصوصی سازی» نشده است.

در این ارتباط از جناح مذکور می باید سؤال نمود که عاقبت الامر مردمی که می خواهند در انتخابات ۸۰ روز دیگر ریاست جمهوری شرکت نمایند، کدام «موضوع» را به عنوان «موضوع واقعی» جناح مذکور به حساب آورند و بر آن مبنا به انتخاب بپردازند. ملاک «مواضع اعلام شده در لندن و خارج از کشور» است یا «مواضعی که در محافل عمومی داخل کشور» عنوان می شود؟ اتخاذ دوگانه این گونه مواضع، براساس مخاطب خارج از کشور یا داخل، قاعدتاً براساس ضرورت ها و منافع! از ناحیه جناح مذکور صورت می گیرد که خوب است این جناح صادقانه این ضرورت ها و منافع را به ملت اعلام نماید.

همچنین جناب لاریجانی در یکی از توضیحات خود پیرامون مصاحبه مذکور عنوان نموده است که «وجود اختلاف» و اعلام آن به خارجی ها بر قوت نظام می افزاید، حال می باید سؤال نمود اگر آن جناح این گونه می اندیشد، پس به چه علت همچنان در قبال به رسمیت شناختن و خودی دانستن جناح های مختلف سیاسی داخلی تعلل نموده و مواضع متناقض اتخاذ می نماید و همچنان در پی طرد و تکفیر دیگران و بنا نمودن پایه های اجماع سیاسی می باشند. اینها مواردی است که هر چند در نظر اهل معرفت پاسخ هایی روشن و مشخص دارد، لکن خوب است جناح مذکور، خود در صدد شفاف سازی مسائل باشد.

مدتی است که در سطح برخی محافل سیاسی و عمومی خیر مذاکره آقای محمد جواد لاریجانی نماینده مجلس شورای اسلامی با یکی از مقامات وزارت خارجه انگلیس پخش شده است و همچنین متنی نیز به عنوان متن این مذاکره منتشر شده است که بازتاب و عکس العمل های مختلفی را به همراه داشته است که در این مورد به نکاتی اشاره می گردد:

۱- اگرچه در برخی از محافل و مطبوعات گوشه هایی از محتوای مذاکره بین آقای لاریجانی و مقام وزارت خارجه انگلیس پخش شده است، اما علی رغم این که این موضوع از حساسیت زیادی در بین محافل مردم و مخصوصاً دانشجویان برخوردار است متأسفانه تاکنون مقامات ذی ربط در مورد این مسئله سکوت اختیار نموده و هیچ توضیحی در مورد آن ارائه نکرده اند که به نظر ما حق طبیعی و مسلم ملت بزرگوار ایران است که حداقل بدانند که موضوع این مذاکره چه بوده است و کیل مجلس شورای اسلامی در کشور انگلیس چه مطالبی را مطرح نموده اند که قطعاً مردم آگاه ایران نسبت به مطلع شدن از این صحبت ها نامحرم تر از مقامات انگلیس نخواهند بود و آن طوری که در برخی محافل از محتوای مذاکره پخش شده است بسیار تکان دهنده و نگران کننده می باشد که به هیچ وجه نمی تواند موضوع یک مسئول و مقام ایرانی باشد.

۲- مطلب مهم دیگر در این ارتباط، این مسئله می باشد که در این مذاکره آقای لاریجانی از طرف چه کسی و کدام نهاد سخن گفته است در ابتدا تصور می شد که دیدار و مذاکره دوستانه و غیر رسمی بوده است (اگرچه مذاکرات دوستانه یک نماینده مجلس بایک مقام وزارت خارجه دیگر به هیچ وجه معقول و منطقی نخواهد بود که مذاکره ای غیر رسمی و دوستانه باشد).

اما آقای لاریجانی اعلام کرده است که «مذاکرات من در لندن به درخواست دولت بریتانیا انجام شد». که این امر مشخص می کند که مذاکره فراتر از یک دیدار غیر رسمی بوده است و ایشان به عنوان نماینده کدام نهادی در این مذاکره شرکت کرده است و آیا محتوای مذاکره مورد تأیید آن دستگاه و نهاد می باشد یا خیر؟ و انتظار این است که نهادها و دستگاه هایی همچون وزارت امور خارجه و مجلس شورای اسلامی پیرامون این مسئله و موضع رسمی خود را اعلام نمایند.

۳- آقای محمد جواد لاریجانی یکی از افراد منتسب به طیف اکثریت مجلس و جناح راست می باشد و اتفاقاً از تئوریسین های مهم این جناح نیز به شمار می آید که بعد از پخش این موضوع، موضع جناح همفکر ایشان بسیار جالب و قابل تأمل می باشد. زیرا این جناح تا این لحظه هیچ گونه موضع صریح و رسمی بر علیه سخنان آقای لاریجانی اتخاذ نکرده است و اتفاقاً بعضی از دوستان همفکر و مؤثر وی در مقام دفاع از شخص ایشان آمده اند و تمام هم و غم این طیف این است که از سرایت تبعات منفی این مذاکره به این جناح آن هم در آستانه انتخابات جلوگیری نماید و تنها اعلام می نماید که این فرد سخنگوی این جناح نمی باشد که باید گفت بسیار غیر معقول است که جناحی، یکی از افراد مؤثرش موضعی را اتخاذ نماید و صحبتی را مطرح نماید و جناح وی و دوستان همفکر وی نه تنها بر علیه صحبت های او اعلام موضع نمایند بلکه از شخص وی و شخصیت او دفاع نیز نمایند و تنها اعلام نمایند این فرد سخنگوی آنها نیست و توصیه هم بنمایند که گفتگوی یک نماینده مجلس در لندن را باید از جریانات سیاسی و مسائل انتخاباتی دور کرد تا شائبه ای پیدا نشود، این موضوع مقداری رنگ سیاسی پیدا کرده است و در نهایت نیز هیچ ارتباطی با جناح وی پیدا نکند!!!

جناح آقای لاریجانی باید مشخص نماید که آیا محتوای مذاکره ایشان را قبول دارد یا خیر؟ و اگر قبول ندارد چرا تاکنون سکوت اختیار نموده و موضع خود را اعلام نکرده است و تنها به این بسنده کرده است که این فرد سخنگوی آنها نیست و در حالی که هیچ کس ادعا نکرده است که این فرد سخنگوی این جناح است اما به هر حال وی و افرادی مثل ایشان می توانند معرف نگرش، فکر و دیدگاه جناح خود تا مقدار زیادی در زمینه های مختلف باشند.

آیا به راستی اگر یکی از افراد طیف های دیگر چنین کاری صورت داده بود باز هم آقایان و حضرات طیف اکثریت همین موضع را اتخاذ می کردند یا این که با استفاده از همین مسئله در مطبوعات و محافل اجازه نفس کشیدن را هم به وی و هم به طیف او نمی دادند و در واقع تا حد امکان سعی در مکتوب کردن طیف او می کردند و حتی تاحد ارتداد هم آنها را پیش می بردند؟ آقایان جناح آقای لاریجانی نباید توضیح دهند که مگر در انتخابات مجلس پنجم همین طیف نبود که رقیبان انتخاباتی خود را مارک «لیبرال» زدند و موجی را بر علیه آنها به راه انداختند و وظیفه شرعی خود را نیز در مقابله با لیبرال خلاصه کردند پس چرا امروز که همفکر صمیمی و بزرگوار آنها با شجاعت اعلام می نماید من لیبرال هستم سکوت اختیار نموده و هیچ نمی گویند و آیا در فرهنگ لغت این جناح معنای لیبرال تفسیر دیگری به خود گرفته است که دیگران از آن بی خبرند (اگر چه ایشان همان موقع هم اعلام نموده بودند که ما درسیاست خارجی لیبرال فکر می کنیم. به راستی چه تغییری رخ داده است که آن موقع این طیف مارک لیبرال رانه تنها به یک فرد بلکه به تعدادی زیادی از رقیبان انتخاباتی وارد نمود. (اگرچه هیچ دلیل و مدرک مستند و قابل قبول هم برای ادعای خود ارائه ندادند اما امروز در مقابل مواضع همفکر خود سکوت می کند و به دیگران هم توصیه می کند که این مسئله را از جریانات سیاسی و مسائل انتخاباتی دور کنند تا شائبه ای پیدا نشود. جناح اکثریت اگر چه سعی و تلاش فراوان می نماید که از سرایت تبعات این مذاکره به خود جلوگیری نماید اما به هیچ وجه نباید از تبعات آن مصون بماند و در واقع این موضع شخص آقای لاریجانی به تنهایی نیست و اگر چنین بود لافل به صورت ظاهری و صوری هم که بود افراد این جناح در مقابل محتوای صحبت های ایشان عکس العمل نشان می دادند و اعلام می نمودند که این مواضع این طیف و جناح نیست در حالی که تاکنون چنین امری رخ نداده است.

۴- روزنامه ارگان جناح اکثریت در حالی که محافل سیاسی و انقلابی با حساسیت زیاد به این موضوع می نگرند در یک اقدام جالب و در جهت انحراف اذهان با چاپ متن کامل سخنرانی یکی از بزرگواران طیف خود باز هم به مردم هشدار می دهد که مواظب باشید جریان مشروطه تکرار نشود برآستی آیا زیر سؤال بردن حرکت انقلابی دانشجویان پیرو خط امام که از طرف اما لقب انقلاب دوم گرفت و همچنین حکم امام در مورد سلمان رشدی مرتد از نظر این جناح و طیف و روزنامه هیچ خطر برای انقلاب و انحراف از آرمان های آن به حساب نمی آید؟ و تنها خطر از نظر آنها جریان مشروطه است؟

برآستی چه ضرورتی در چاپ متن کامل یک سخنرانی که در شب های احمیا ابراد شده است و منعکس هم شده است امروز وجود دارد؟ و آیا این اقدام جز انحراف اذهان از مسئله مذاکره آقای لاریجانی چیز دیگری می تواند باشد؟ در پایان باید گفت که استقلال یکی از ثمرات عظیم کشور اسلامی ایران می باشد که ثمره خون شهیدان بسیاری است و هر حرکتی که به این اصل مهم لطمه وارد آورد بی شک باید با او در هر مقام و منصب که باشد برخورد شود و بزرگترین افتخار این ملت در این است که خود تصمیم گیرنده امور، آن هم در داخل مرزها باشند.

### نماینده دولت یا...

منبع: هفته نامه مبین

تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۱

نوع مطلب: سرمقاله | نویسنده: مدیر مسئول

مذاکره یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بایکی از مقامات وزارت خارجه انگلیس یکی از موضوعات مهم محافل سیاسی و مردمی گشته است محتوی مذاکره - آن گونه که در برخی محافل پخش شده است - و تاکنون نیز از سوی وی تکذیب نشده و بلکه فقط آن را مخدوش دانسته است بسیار تکان دهنده و بدور از شأن یک مسئول ایرانی می باشد و بازتاب های بسیاری را از سوی برخی از مطبوعات، گروه های دانشجویی، شخصیت های سیاسی و قشر های مختلف مردم به همراه داشته است در ابتدا امر تصور می شد که این ملاقات و مذاکره غیر رسمی بوده است. اما اخیراً ایشان در مصاحبه با یکی از روزنامه های صبح اعلام نموده اند که «دولت بریتانیا تقاضا نموده که نماینده ای از دولت ایران با نماینده دولت بریتانیا مذاکره نماید و ایشان هم به عنوان نماینده دولت در آن مذاکره شرکت کرده اند»<sup>۱</sup> که در این صورت باتوجه به محتوای مذاکره که ضد مردمی است، این مقام ذی ربط باید اعلام نمایند که آیا ایشان نمایندگی دولت جمهوری اسلامی ایران را به عهده داشته اند یا خیر؟ و اگر چنین است آیا محتوای این مذاکره مورد تأیید دستگاه های ذی ربط می باشد یا خیر؟ و اگر جواب منفی است چرا تاکنون نسبت به این مسئله اعلام موضع نشده است با وجود این که صحبت های ایشان نمی تواند مواضع نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. انتظار انقلابی ملت مسلمان ایران این است که دامن مسئولان و نظام از موضعی این چنین مبرا گردد و متخلف نیز تحت پیگرد قانونی قرار گیرد. چرا که سکوت مسئولان ذی ربط در این زمینه به هیچ وجه به صلاح نظام نمی باشد.

### پاسخ صریح «مهندس موسوی به دکتر لاریجانی»

منبع: هفته نامه مبین

تاریخ: ۱۳۷۶/۲/۱

نوع مطلب: خبر | نویسنده: -

دربی انتشار مصاحبه آقای محمد جواد لاریجانی بایکی از روزنامه های صبح درباره مذاکرات خود با «نیک براون» رئیس اداره خاور میانه وزارت امور خارجه انگلیس و انتساب مطالب خلاف واقع به حضرت امام خمینی (ره) در زمینه وظیفه دولت جمهوری اسلامی در قبال مسئله سلمان رشدی مرتد و این که حضرت امام (ره) در پاسخ دولت در آن زمان فرمودند: من به عنوان یک طلبه نظر خودم را بیان کردم و دولت باید مشی خودش را مبتنی بر محاسبات خودش ادامه دهد روز دوشنبه آقای مهندس میر حسین موسوی که در آن زمان نخست وزیر بود طی تماسی با روزنامه جمهوری اسلامی این مطلب را تکذیب کرد.

مهندس میر حسین موسوی در این زمینه گفت: اینجانب به عنوان کسی که در زمان صدور حکم ارتداد سلمان رشدی رئیس دولت بودم اعلام می کنم در این زمینه دولت سؤالی از حضرت امام (ره) نکرد و امام (ره) هم نه تنها چنین مطلبی به دولت نفرمودند بلکه توسط مرحوم حاج احمد آقا به اینجانب پیغام دادند که دولت موضع گیری کند این پیغام را مرحوم حاج سیداحمد آقا ظهر روز ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ یعنی همان روز صدور حکم حضرت امام (ره)، تلفنی به اینجانب رساندند و اینجانب به عنوان نخست وزیر بیانیه ای تهیه کردم و قبل از ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز آن را در اختیار صدا و سیما قرار دادم که در اختیار ساعت ۲ بعد از ظهر و بعد از ظهر بعد از قرائت حکم امام (ره) از رادیو خوانده شد و در بعضی مطبوعات هم متن کامل آن به چاپ رسید. در این بیانیه علاوه بر اعلام یک روز عزای عمومی و دعوت از هسته های حزب الله در جهان اسلام جهت انجام اقدامات لازم برای خشنی کردن توطئه جدید امریکا (انتشار کتاب آیات شیطانی)، با صراحت اعلام شده است که دولت و ملت ایران در مقابل این توطئه کیف ساکت نخواهند نشست و هر نوع اقدام مقتضی را برای جلوگیری از این دسیسه شوم به عمل خواهد آورد.

۱. روزنامه ایران - سه شنبه، ۷۶/۱/۳۰.

## یک مذاکره و چند نکته

منبع: هفته نامه مبین

تاریخ: ۱۳۷۶/۴/۲

نوع مطلب: مقاله

نویسنده: -

به دنبال انجام مذاکرات آقای محمد جواد لاریجانی نایب رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی و رئیس مرکز پژوهش های مجلس با نیک براون رئیس اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه انگلیس در اواخر سال گذشته و افشای متن مذاکرات که در سربرگ اداره رمز وزارت امور خارجه ایران منتشر شده و در اختیار محافل سیاسی قرار گرفت موج اعتراضات گسترده ای نسبت به مفاد این مذاکرات ایجاد شد. گروه های دانشجویی و دانشگاهی و مطبوعات از دیدگاه های مختلف به نقد این مذاکرات پرداختند اما به دلیل حساسیت هایی که ایام انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری داشت و احتمال آن می رفت از این مسئله که ابعاد ملی داشت تفاسیر برخورد جناحی با طیف حامی آقای لاریجانی شود و اصل قضیه به دنبال این اتهام معقول واقع گردد گروه های معترض به مذاکرات فوق و مصالح مطرح شده در ایام انتخابات بررسی و پیگیری این تخلف بزرگ را به پس از برگزاری انتخابات موکول نمودند. در چنین موقعیتی آقای محمد جواد لاریجانی که ابتدا در طی یک عقب نشینی متن مذاکرات را مخدوش جلوه داده و اقدام به تهیه و پخش متن دیگری از مذاکرات نموده و با امضای خود آن را در اختیار نمایندگان مجلس قرار داده و از سکوت موقت نیروهای خط امام (ره) سوء استفاده نموده و در یک مصاحبه با روزنامه ایران مسئله سلمان رشدی و موضع حضرت امام (ره) را در این زمینه که در بخشی از مذاکرات خود مورد تأکید قرار داده بود تحریف نمود در پی این اقدام مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر سال های دفاع مقدس که در زمان صدور حکم حضرت امام، تصدی دولت را بر عهده داشتند اظهارات آقای لاریجانی را تکذیب نمودند و موضع حضرت امام (ره) را در این زمینه تشریح کردند.

طرح شکایت از دکتر نجفعلی حبیبی دبیر انجمن اسلامی و مدرسین دانشگاه ها و دکتر صدیقه و سمعی عضو دیگر این انجمن گام بعدی آقای لاریجانی در فرار به جلو از جانب وی بود اما تعجب انگیز تر از اقدام آقای لاریجانی عملکرد قوه قضائیه در تشکیل دادگاه ویژه ای برای بررسی شکایت آقای لاریجانی بود.

و در عین ناباوری اقدام به صدور حکمی بر علیه دکتر حبیبی و دکتر و سمعی نموده و ایشان را به دوماه حبس تعزیری و یک میلیون ریال جریمه نقدی محکوم کرد. با گذشت انتخابات ریاست جمهوری و مرتفع گردیدن مصالح عنوان شده باز دیگر گروه های دانشجویی و مطبوعات سکوت موقت خود را پایان داده و در قالب مقالات بیانیه ها و گردهمایی ها اعتراض خود را نسبت به این مذاکرات اعلام نمودند.

آقای لاریجانی که در ایام انتخاباتی در طی یک سخنرانی خود برای دانشجویان اظهار دلسوزی نموده و گفته بودند «خدا شاهد است دانشجویان ساده لوح تر از آن بزرگتری که امروز من دیدم با پا تا زانو توی گل بود داشت کشت می کرد، عوام ترند در امر سیاست و در امر دین، این بزرگ تر رجوع می کند به عالم اما او از عالم گریزان است او برای اظهار نظر مشورت می کند از علمای خودش دانشجویان را دیگران کوک می کنند این بار نیز با صدور اطلاعیه ای دانشجویان را نصیحت نموده اند همچنین گفته می شود از سررحمت و شفقت شکایت خود را از دکتر حبیبی و سمعی را پس گرفته اند.

پیرامون وقایع اتفاق افتاده ذکر چند نکته ضروری است که در ذیل به اطلاع می رسد:

پیرامون انتشار متن دوم توسط آقای لاریجانی که برای رفع اتهام از خود صورت گرفته بود لازم به ذکر است که محتوای متن دوم از نظر ماهوی تفاوت چندانی با متن اول نداشته است اما آنچه مهم است این که اگر متن اول مخدوش بوده با توجه به این که مذاکرات در مکان سفارت ایران صورت گرفته چرا وزارت خارجه ایران متن اول را تکذیب نکرده و در این مورد سکوت اتخاذ نموده است و اگر متن اول مورد تأیید این وزارت محترم است چرا با جعل سند توسط آقای لاریجانی هیچ گونه برخوردی صورت نگرفته است.

۲- در اطلاعیه آقای لاریجانی خطاب به دانشجویان عنوان شده که مذاکرات ایشان با اطلاع ارگان های نظام بوده است که این موضع قبلاً نیز تلویحاً توسط ایشان اعلام شده بود.

ایشان بایستی صراحتاً اعلام نمایند که چه ارگان هایی از نظام در جریان مذاکرات مذکور بوده اند و چرا تاکنون هیچ موضعی از جانب این ارگان ها اتخاذ نشده است.

اعلام چنین مطلبی توسط آقای لاریجانی بیانگر آن است که یک جریان هماهنگی در این مذاکرات دخیل بوده و آقای لاریجانی به پشتوانه آن اقدام به انجام چنین مذاکره ذلیلانه ای نموده است و اگر این مطلب صحت ندارد ادامه سکوت مسئولان در این زمینه به شبهات موجود دامن می زند.

۳- آقای لاریجانی در بخش دیگری از اطلاعیه خود از رفتار تشکل های سیاسی معترض، عدم اعتقاد آنان به نظام را استنباط نموده است ایشان که در مذاکرات خود حکم حضرت امام در مورد سلمان رشدی مرتد را زیر سؤال برده و چراغ سبز رأی دادگاه میکونوس را به اجانب نشان می دهند و حرکت اصیل دانشجویان پیرو خط امام (ره) در تسخیر لانه جاسوسی را مورد تخطئه قرار می دهند چگونه خود را پایبند به نظام می دانند و دیگران که به معامله بر سر اصول و منافع ملی کشور اعتراض می کنند را غیر معتقد به نظام می دانند آقای لاریجانی بایستی پاسخ بگویند که اساساً به چه نظامی پایبند هستند که تناقضات آشکار خود را در تعریف این نظام جدید توجیه نمایند.

## ابعاد تازه اعتراضات به مذاکرات لندن

منبع: هفته نامه مبین

تاریخ: ۱۳۷۶/۴/۲

نویسنده: -

چندی قبل آقای محمد جواد اردشیر لاریجانی نائب رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با نیک براون یکی از مسئولان وزارت امور خارجه انگلیس در لندن مذاکراتی را انجام داد که با افشای متن این مذاکرات واکنش های تندی را از سوی محافظان و گروه های سیاسی و دانشگاهی به همراه داشت که باتوجه به در پیش بودن انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری و پرهیز از طرح مسائلی که می توانست انتخابات را تحت الشعاع خود قرار دهد گروه های معترض پرداختن به این امر را تا بعد از انتخابات مسکوت گذاشتند که با شکایت آقای محمد جواد اردشیر لاریجانی از آقای دکتر نجفعلی حبیبی و خانم و سمنی از اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرسان دانشگاه ها و رسیدگی سریع پرونده از سوی قوه قضائیه و محکومیت افراد فوق الذکر مسئله ابعاد دیگری به خود گرفت که پس از برگزاری انتخابات بار دیگر گروه های دانشگاهی با صدور بیانیه و اطلاعیه های مختلف ضمن محکوم نمودن مذاکرات و انتقاد از عملکرد قوه قضائیه در رسیدگی به این مسئله خواستار پیگیری جدی این مسئله از سوی قوه قضائیه شده اند که برخی از این اعتراضات به شرح ذیل می باشد:

● دفتر تحکیم وحدت قطعنامه ای در پایان نشست دو روزه خود در روزهای پانزده و ۱۶ خرداد ماه در دانشگاه امیرکبیر صادر نمود. که در قسمتی از این بیانیه آمده است:

نشست ضمن محکوم نمودن برخورد ناصواب با اساتید دانشگاه، دکتر نجفعلی حبیبی و دکتر صدیقه و سمنی از تمامی مسئولان قضایی و اجرایی کشور که بنابه مصالحی پرونده مذاکره خفت بار و ذلیلانه آقای محمد جواد لاریجانی را در زمان انتخابات ریاست جمهوری مسکوت گذاشته بودند خواستار آن است که این پرونده را به جریان انداخته و ضمن خلع ید آقای لاریجانی از مسئولیت های کلیدی و کلیه مسئولیت های مهم و مملکتی نسبت به محاکمه علنی وی اقدام و مراتب انزجار خود را از این جرم سیاسی آشکار رسماً به مردم و جهانیان اعلام دارند.

● دانشجویان دانشگاه تهران سه شنبه در مقابل ساختمان قوه قضائیه تجمع اعتراض آمیز خواهند داشت.

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران در قسمتی از اطلاعیه دعوت به تجمع آورده است: در کنار شیرینی های فراوان انتخابات ریاست جمهوری لازم است به برخی نقاط تلخ که در ایام انتخابات صورت پذیرفته پرداخته شود، از جمله ناگوارترین این تلخی ها مذاکرات آقای محمد جواد لاریجانی با مقامات انگلیسی است. در ضمن این مذاکرات با مطامع سیاسی و جناحی اصل استقلال نظام مورد حمله و تعرض قرار می گیرد و شکستن حریم مقدسات و ارزش های امت و انقلاب تامل معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) توسعه می یابد و حرکتی را که آن پیر فرزانه «انقلاب دوم» نامید تخطئه می گردد. همچنین به زعم خویش توصیه هایی پیچیده در لاف و روشنفکری و پایبندی به سنت های بی ارزش دیپلماتیک جهت رهایی سلمان رشدی مرتد و حامیان متکبر او از چنگال یک میلیارد مسلمان ارائه می گردد. «زهی خیال باطل» در قسمت پایانی این بیانیه آمده است: دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران در محکومیت مذاکرات لندن و به منظور افشای جریانات پیرامون و در اعتراض به مواضع و عملکرد قوه قضائیه در قبال این فاجعه اقدام به برپایی تجمع اعتراض آمیزی در مقابل ساختمان قوه قضائیه نموده است و از تمامی دانشجویان اساتید و دانشگاهیان مسلمان جهت شرکت در این مراسم دعوت به عمل می آورد.

● انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس با ارسال نامه سرگشاده ای به آیت الله یزدی نسبت به عملکرد قوه قضائیه در خصوص جریان مذاکرات دکتر لاریجانی با مسئولان وزارت خارجه انگلیس انتقاد کرد.

در این نامه با اشاره به سکوت دانشجویان مسلمان و متعهد دانشگاه ها و به واسطه مصلحت های زمان انتخابات آمده است: متأسفانه این سکوت مایه تجری خطایی شده و باطلب کمک از قوه قضائیه به طرح شکایت از بعضی دلسوزان انقلاب پرداخته است.

در بخش پایانی این نامه آمده است: انتظار داریم قوه قضائیه به ویژه ریاست محترم آن با در نظر گرفتن مصالح عالی نظام که همان سربلندی و عزت ملی و اسلامی در برابر استکبار جهانی می باشد، با اعلام موضع رسمی قوه قضائیه فرد خاطی را که یکی از مصادیق منفعلان در برابر استکبار می باشد بر سر میز محاکمه بنشاند و به مواردی از عملکرد وی از قبیل مذاکرات لندن، مخدوش نمودن سخنان امام (ره) در نوع برخورد حضرت ایشان با قضیه سلمان رشدی و جعل یا افشای سند (سند دوم) موجب شادی روح امام (ره) و شهدای انقلاب و رضایت خاطر است شهید پرور و رهبر معظم انقلاب اسلامی و مایه سرخوردگی استکبار جهانی و عوامل وابسته یا ضعیف النفس داخلی خواهد شد.

● انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید رجایی با صدور قطعنامه ای از مسئولان قوه قضائیه خواست تا سریعاً نسبت به جریان افتادن پرونده دکتر لاریجانی اقدام نمایند.

در این قطع نامه آمده است: در همین جا با درخواست مجدد برای به جریان افتادن پرونده آقای محمد جواد لاریجانی در انجام مذاکرات غیر مسئولانه با مأمور انگلیس از مسئولان قوه قضائیه کشور می خواهیم که سرعت عمل و درایت خود را فقط برای بعضی پرونده های به خصوص اعمال نکند و در این مورد نیز با انجام تحقیقات لازم هر چه سریع تر مشخص نمایند که آیا به واقع ایشان مجرم اند یا بی گناه که اگر بی گناه اند این چنین آماج این همه تهمت و افترا قرار نگیرند و اگر مجرم اند برخورد علنی قاطع و شایسته ای با ایشان صورت گیرد تا عبرت مناسبی باشد برای دیگری که به هر شکل در سر خیال مسامحه کردن و وجه المصالحه قراردادن ارزش ها و آرمان های انقلاب را در جهت منافع شخصی می پروراند.

● انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران با صدور اطلاعیه شماره ۲ خود، به اظهارات اخیر محمد جواد لاریجانی درباره اعتراض محافظان دانشگاهی و دانشجویی نسبت به مذاکرات لندن پاسخ داد و به برگزاری تجمع اعتراض آمیز سوم تیرماه در مقابل ساختمان مجتمع قضایی امام خمینی، تأکید کرد.

این انجمن در اطلاعیه خود ضمن اشاره ضرورت اظهار ندامت و عذرخواهی لاریجانی از پیشگاه خداوند بزرگ، رهبری معظم انقلاب و ملت شریف ایران خاطر نشان کرده است اطلاعیه اخیر شخص مزبور متأسفانه سراسر حکایت از اصرار خاطی بر گذشته خود دارد و نشانی از اعتراف به گناه و اعتذار و انابه در آن به چشم نمی خورد و عکس العمل قوه قضائیه نیز در قبال آن سؤال برانگیز است.

در بخشی از این اطلاعیه آمده است:

اگر حقیقتاً متون منتشر شده از مذاکرات لندن سرایا کذب و تحریف می باشد چرا هیچ یک از نهادهای مسئول انقلاب از جمله وزارت محترم امور خارجه این متون را تکذیب یا رد ننموده اند؟ و به راستی آنچه حتی از سوی دوستان و نزدیکان فکری و جناحی ایشان مذاکرانی غیر مسئولانه و واجد اسراف اعتقادی نامیده شده است اگر مستند بر متون منتشره نیست مورد استناد آن چه می باشد و اشاره بر کدام مذاکرات دارد؟

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران در اطلاعیه شماره ۲ خود پاسداری از آزادی و مشارکت مردمی را ملازم با دفاع از اصول و ارزش های ماندگار انقلاب اسلامی و عزت و اقتدار مسلمین در مواجهه با نظام سلطه جهانی دانسته و با تأکید مجدد بر تجمع اعتراض آمیز روز سه شنبه - سوم تیرماه - همه دانشجویان و دانشگاهیان را به برگزاری هرچه باشکوه تر این تجمع که نمایانگر عمق انزجار ملت مسلمان و قهرمان ایران نسبت به جریانات لیبرال و متحجر خواهد بود فراخواندند.

● انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا با صدور بیانیه ای ضمن خفت بار خواندن مذاکرات لاریجانی در لندن با اشاره به این که در زمان انتخابات ریاست جمهوری مصلحت نظام و انقلاب ايجاب می کرد که برای مدت کوتاهی قضیه مسکوت بماند اعلام کرده است متعاقب برگزاری انتخابات ریاست جمهوری مجدداً زمان آن فرارسیده است که به این مهم پرداخته شود.

در بخشی از این بیانیه خطاب به آقای لاریجانی آمده است:

زمانی که شما حکم حضرت امام (ره) را در ارتباط با سلمان رشدی مرتد زیر سؤال می برید زمانی که حکم دادگاه می کنونوس را بی اهمیت می شمارید و زمانی که از انقلاب دوم برائت می جوید خیالی بس عبث است که ما دانشجویان انتظار داشته باشیم جنابعالی به اشتباهات خود اعتراف نموده و از ملت شریف ایران پوزش بطلبید.

بنابراین ما دانشجویان پیرو خط امام و رهبری وظیفه خود می دانیم که در برابر هرگونه نرمش و سازش با بیگانگان بایستیم و به استکبار جهانی و سردمداران داخلی آنها بگویم که ملت ایران همچون سال های قبل و بعد از انقلاب هوشیار و آگاه ایستاده و در آستانه سومین دهه انقلاب از آرمان های آن دفاع می نماید.

در پایان این بیانیه چنین آمده است از قوه قضائیه جمهوری اسلامی توقع داریم جهت حفظ دستاوردهای انقلاب با این قبیل توطئه ها مقابله نماید و همان گونه که به مواردی از قبیل هتک حرمت افراد سریعاً رسیدگی می نماید سریع تر از آن اصل قضیه را که حیثیت نظام انقلاب و رهبری را زیر سؤال برده مورد بررسی قرار دهد.

انجمن اسلامی دانشکده علوم دانشگاه تهران با صدور بیانیه ای از عموم مردم و دانشجویان خواست تا در تجمع مقابل قوه قضائیه که روز شنبه این هفته برگزار می شود فعالانه شرکت کنند.

در این بیانیه آمده است:

در روز تاریخی دوم خرداد ملت غیور ایران آزمون بزرگی را پشت سر گذاشت که همانند گذشته با اتکال به خدای متعال در سایه رهنمودهای هوشمندانه مقام معظم رهبری پیروز و سربلند بیرون آمد و امروز باید به فکر حفظ پیروزی های گذشته و صیانت از آرمان ها و اصول انقلاب و اندیشه های امام راحل باشد.

ما بدین وسیله به کسانی که به فکر معامله بر سر آرمان ها و اهداف انقلاب هستند و با دشمنان انقلاب و اسلام بر سر مذاکره نشسته انقلاب و حکم امام رادر رابطه با سلمان رشدی ملعون و شیطان بزرگ امریکا و ... به بازی می گیرند اعلام می کنیم که راه امام، راه ما و هدف او، هدف ما و رهنمودهای او مشمل فروزنده راه ماست، در ادامه این بیانیه آمده است:

ما ضمن اعتراض به عملکرد قوه قضائیه در جریان انتخابات ریاست جمهوری مصرأ از این قوه می خواهیم اجازه ندهند کسانی که در حریم بیعت امام راحل اهانت کرده اند از چنگال قانون و عدالت بگریزند و به محاکمه کسانی پردازند که آرمان های ملت رشید ایران را به حراج گذاشته و امروز نیز آفرینندگان انقلاب دوم را به ساده اندیشی و ساده لوحی متهم می کنند، نه کسانی که به مقابله با این اندیشه برخاسته اند.

● انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران با صدور بیانیه ای از عملکرد قوه قضائیه در قضیه آقای لاریجانی انتقاد کرد.

در این بیانیه آمده است: قوه قضائیه به عنوان نهاد رسمی کشور که وظیفه اجرای عدالت در جامعه به عهده آن است گذشته از نارسایی هایی که در به انجام رساندن این مهم نشان داده است در عملکرد خود در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری پیرامون پرونده آقای محمد جواد اردشیر لاریجانی دچار تمایلات سیاسی و گروهی شده است.

نیازی به بازگویی جریان محکوم نمودن آقای دکتر حبیبی و خانم دکتر وسمعی در این مجال نمی بینیم و فریادهای خود را در تجمع مقابل قوه قضائیه علیه این بدعت زشت در روز سه شنبه ۱۳۷۶/۴/۳ سر خواهیم داد.

● انجمن اسلامی دانشجویان تربیت معلم طی بیانیه ای مواضع خود را نسبت به مسائل جاری کشور اعلام نمود.

در قسمتی از این بیانیه با عنوان قضاوت ناعادلانه آمده است، در بهمن سال گذشته آقای محمد جواد لاریجانی با آقای نیک براون رئیس بخش خاورمیانه ای وزارت امور خارجه انگلیس، در سفارت ایران و در لندن همانند دو یار قدیمی به مذاکره پرداختند. هرچند پرونده مذاکره ذلت بار ایشان به خاطر حساس و مهم بودن هفتمین انتخابات ریاست جمهوری در محور مسائل سیاسی قرار گرفت ولی در کمال تعجب مسئولان قضایی کشور در ایام انتخابات با محاکمه آقای نجفقلی حبیبی دبیر انجمن اسلامی مدرسان دانشگاه ها و دکتر صدیقه وسمعی با داوری خویش برخورد ناصواب را بیشتر کردند لذا انجمن اسلامی ضمن محکوم کردن این قضاوت ناعادلانه خواستار به جریان افتادن پرونده خائنه و محاکمه آقای لاریجانی شده و انتظار آن دارد جهت درس عبرت برای دیگران که موضع مدارا و انفعالی در مقابل بیگانگان دارند برخورد جدی از سوی مسئولان صورت گیرد.

## چهره های شاخص خودی را تحت نظر داشته باشیم!

یکی از کاندیداهای محترم ریاست جمهوری (ریاست مجلس شورای اسلامی) نکته ای را فرموده اند که من برای این کاندیدای ریاست جمهوری شدم که جریان مشروطیت تکرار نشود. این جمله برای کسی که اهل تاریخ است و مشروطیت و جانفشانی های مردم آن زمان و خدمت و خیانت های آن انقلاب عظیم را می داند شعار بسیار جالب و جذاب و نکات دهنده ای است. حضرت امام راحل (ره) نیز بارها با استناد به نکات تاریخی مشروطیت و حوادث آن ایام رهنمود می دادند و مردم را از تکرار آن حوادث تلخ برحذر می داشتند. حال جای این پرسش است که چه کنیم که مشروطیت تکرار نشود؟ یعنی یک انقلاب از بین نرود، از درون نبوسد؟ ارزش ها نابود نشود و خائن های خادم را نگیرد؟ اجانب مسلط نشوند؟ و...

یکی از راه های اصولی و اصلی آن است که عموم مردم با شور و اشتیاق تمام در صحنه انتخابات حاضر باشند و به دقت جزئیات امور را زیر نظر گرفته و انتخاب اصلاح نمایند. مولا علی (ع) می فرمایند: بترسید از آن که امر به معروف را ترک کنید که در این صورت اشرار بر شما مسلط شده و حاکم شما خواهند شد. یکی از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر در این زمان همین انتخابات است. چرا که همه مردم قادر نیستند اوامر و نواهی بزرگ مملکتی را انجام دهند و باید کسی و کسانی را به عنوان رئیس جمهور وکلای خود برگزینند تا ایشان امر و ناهی مسائل کلان مملکت باشند. مسلم است ملتی که به دقت اندیشه ها و افکار و احساسات و عملکرد مسئولان خود را زیر نظر گرفته و با شناخت صحیح رئیس جمهور وکلای خود را برمیگزیند اشرار بر او مسلط نخواهند شد. اما ملتی که بدون قید و بند بوده یا آن که در انتخابات شرکت نکند یا بی توجه به این و آن رأی دهد حاکمیت اشرار را برای خود خریده است.

مطلب دیگری که از تکرار مشروطیت جلوگیری می نماید آن است که به شدت مواظب اجانب باشیم. در انقلاب مشروطیت بیشتر از آنچه اجانب به ما کمک کردند تا انقلاب مشروطه به پا شود بیش از آن در صدد نابود کردن و بی محتوا نمودن قدم برداشتند یکی از کسانی که در تبدیل انقلاب مشروطیت با ضوابط و معیارهای اسلامی و ملی به مشروطیت با ضوابط و ارزش های بورژوازی بسیار تلاش کرد و موفق هم شد، شخصی است به نام «ادوارد برون انگلیسی». این شخص کارهای کلیدی و حساس و بزرگی در راستای منافع انگلیس در ایران انجام داد، که یکی دیگر از کارهای او راه انداختن بهابیت و حفظ و نشر کتاب های آنها و تلاش برای جهانی کردن و بقای تاریخی این فرقه بود.

(زمانی که پس از مرگ باب بین ازل و حسینعلی بها بر سر جانشینی درگیری ایجاد شد و می رفت که از درون نابود شوند، ازل را که طرفدار انگلستان بود قربانی کرد و حسینعلی بها که طرفدار روس بود به جانب انگلیس سوق داد و او را به پیامبری رساند و ... کتاب های آنها را چاپ کرد و چه و چه کرد...

- درباره ادوارد برون تحقیق جامعی شده است که به یاری خدا به چاپ خواهد رسید) بنابراین باید به شدت مواظب تلاش های اجانب باشیم.

نکته سوم آن که چهره های شاخص خودی را زیر نظر داشته باشیم و آن هنگام که از ارزش ها در گذشتند از خود طرد نماییم. در این راستا به جاست به گوینده کلام فوق (جناب آقای ناطق نوری) تذکر داده شود که حضرت تعالی به عنوان یار حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری و کسی که هم سنگر شهید مظلوم بوده است مورد احترام ملت عزیز ایران هستید. اما قبول داشته باشید یا نه در ایران و جهان به عنوان رهبر جناح راست کشور شناخته شده اید. از آنجا که بسیاری نیز به دلیل سهولت کار با این خط مشی و سازگاری دارند و موافق میل آنهاست در آن جناح قرار گرفته و خود را منتسب به شما می نمایند. ما یقین داریم که شما از سر خلوص نیت سخن می گوید ولی بفرمایید اگر فردی که از نظر جناح بندی به شما منسوب است و حتی خودش را سخنگوی جنابعالی معرفی می فرماید به انگلستان رفت و در سفارت جمهوری اسلامی ایران در انگلستان که پایگاه صدور اسلام و محل تراوش عطر شکوفه های سرخ خون شهدا باید باشد با آقای به نام نیک براون از بستگان همان ادوارد براون فوق الذکر نشست و گفت من به عنوان یک لیبرال که همفکر فلانی هم هستم، گرفتن لانه جاسوسی امریکا در ایران را محکوم می نمایم و از بهاییان ایران دفاع کرد و موضوع سلمان رشدی را (که یک عامل وحدت بخش جهان اسلام و باعث افتخار انقلاب ایران است) همه را لوٹ کرد و به لجن کشید. شما بفرمایید با چنین افرادی چه باید کرد؟ تا مشروطیت تکرار نشود؟ آیا شهید مظلوم دکتر بهشتی اولین کسی نبود که گرفتن لانه جاسوسی امریکا را تأیید کرد؟ آیا حضرت امام (ره) گرفتن لانه جاسوسی را انقلاب دوم ننماید؟ راستی این افراد امام (ره) را محکوم می نمایند و شهید مظلوم را و مجموع ملت ایران را؟ یا آن که درست می گویند و تاریخ ما به طور کلی اشتباه حرکت کرده است و همه اینها بازی هایی بیش نبوده است. مگر هشت سال جنگ تحمیلی نتیجه و عکس العمل امریکا برای گرفتن لانه نبود؟ پس کلیه کسانی که در این جنگ به شهادت رسیدند از ریشه کارشان اشتباه بوده است؟!؟

به خدا سوگند که اگر این فرد!! این گونه ذلیلانه و در حضور یکی از مسئولان سیاسی جمهوری اسلامی (در هر رده ای که بود) با نیک براون از مقامات سیاسی انگلستان صحبت نمی کرد و به طور شفاهی تحت حمایتی انگلستان را امضا نمی کرد، (کاری که وثوق الدوله به طور کتبی انجام داد، ایشان به طور شفاهی انجام داد) یا آن که پس از این مذاکره برخوردی نظیر برخورد با گروه ۸ نفره در زمان حضرت امام با آنها می گشت هیچگاه دادگاه می گونوس این گونه وقیحانه مقام رهبری و ریاست جمهور را منتهم و محکوم نمی نمود. حقیقت این است که قبلاً این راه پیمایی ها باید علیه ایشان انجام می گرفت تا دادگاه می گونوس حساب خود را بکند و اصولاً موضوع دادگاه پیش نیاید ولی از ماست که بر ماست.

شاید برخی تصور کنند که نگارش مطلب فوق به خاطر مخدوش کردن انتخابات است و بسیاری نیز به همین دلیل سکوت کرده اند ولی باید اذعان نمود که کشور ایران کشوری است که هر لحظه مسئله ای در پیش دارد و حرفی نیز که در زمان خودش گفته نشود و عکس العمل نشان داده نشود پس از چند روز که از آن گذشت موضوعی تاریخی است و جای تأسف است که چرا مسئله ای به این عظمت که حیثیت مجموع ملت و انقلاب را زایل می نماید و اهمیت آن از انتخابات و انتخاب این شخص یا آن شخص مهم تر است، مسکوت گذاشته شده است. احتمالاً اگر از جناح مقابل کسی چنین خطایی را انجام می داد بهتر برخورد می شد. به هر تقدیر چشم انداز راه هایی که در مشروطیت طی شد خود را نشان می دهند اختلاس های ۱۲۳ میلیاردی و نظایر آن نیز که باعث فقر عمومی است گوشه هایی دیگر از این چشم انداز هاست و امید می رود کسانی که در صدد تکرار مشروطیت تکرار نشود، بتوانند این کسان را از جناح خود دور کرده زمینه این حرکات انقلاب شکن را از میان ببرند. به امید آن روز.